

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۶۴
دوشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۸ - شماره ۲۰۰ ریال

ویرانه‌ها سالگرد انقلاب

فرخنده باد

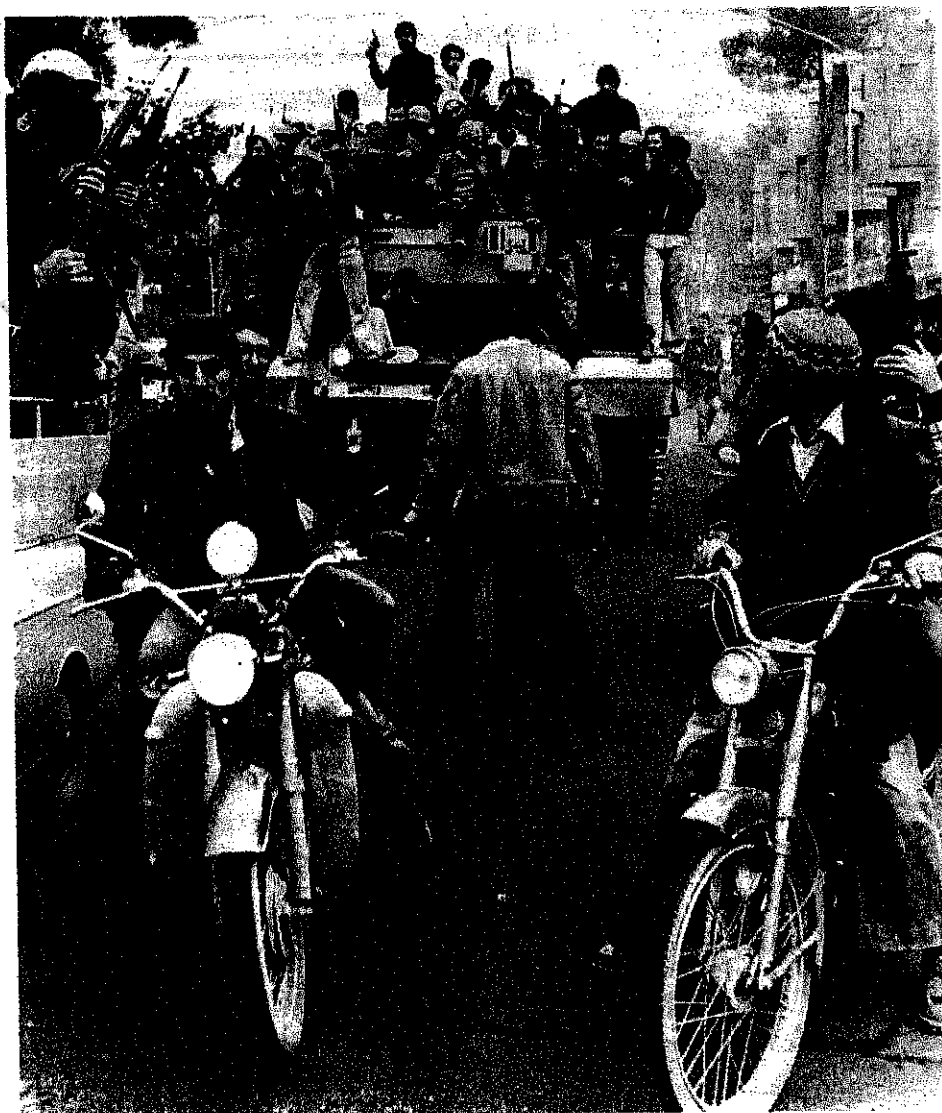
فخستین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی

کام به کام با انقلاب ایران: از اولین خروش تا سنگرهای خون و پیروزی

و خلق پیروز است...



شادباش کمیته مرکزی
حزب توده ایران
به محضر حضرت
آیت الله العظمی
امام
خمینی
رهبر عالیقدر
انقلاب ایران
شماره ۲



کارنامه انقلاب
در ۱۶ صفحه

پار تیزان های توده ای
در سنگرهای انقلاب

۴ سال فعالیت نوید

■ من شاهد کشتار ۱۷ شهریور بودم

■ عملکردهای امپریالیسم آمریکا قبل و بعد از انقلاب

■ حزب توده ایران در اولین سال انقلاب

همراه با اشعاری از احسان طبری، سیاوش کسراتی، ه.ا. سبایه، جلال سرفراز و...

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی
و دمکراتیک ایران در جنبه متحد خلاق

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد نخستین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران بر هبری امام خمینی

فردم ایران سالگرد انقلاب کبیر خود را جشن میگیرید. انقلابیکه طوفان خلقی بران ایران دلاورانه قلمبل کرد و بالاراده تزلزل ناپذیر و نیروی کهربایی، یکس از کینه‌خیز و رستخیزین ستمهای غوغاوار سلطنتی مزدور امپریالیسم را سرنگون ساخت و با آن بیروزگی یکی از نیرومندیترین پایگاههای قدرت و جنایت امپریالیسم، دیکتاتوران او را برجاغاره، درجهان دوم شکست ورده خویش را بسوی ایستادگی، استقلال و دموکراسی، بسوزختنکنان انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ یکی از بزرگترین رویدادهای مملکت جهان ایستاد.

سرنگونی رژیم شاه، شرط مقدمه پیشرفت جامعه

شرط مقدمه پیشرفت جامعه

رژیم شاه جلاد، سزاکارها و سرمایداران وابسته و مالکان بزرگ، که احکامات مملکت را بر سر امپریالیسم امریکایی و سوسیالیسم ایران سلطه شده بود، به پشت تانکرهای سپاری ایران را بگروستان آزادی، به پشت تانکرهای سپاری ایستادگی و سایر ایستادگی امپریالیستی چندسایه، بپایان رساند یکی از حساسترین مناطق جهان از نظر فضای وقت و اهمیت سوق‌الجیشی، به پایگاه جزایری علیه اقتصاد شوروی و حاکمیت سیاسی امپریالیستی، به صلح سازد. در دویم قرن اخیر همه سازمانها و احزاب سیاسی ملی و مترقی پیشقدمترین رهبری سرنگون شدند. مصلحت طلبی و دودمان خوار فری زدهای شدند. کاپیتولاسیون ایران را با به چنگل خندان و خیرین پندل کرده بود. در گذشته یعنی از بیست میلاد پیشگامت خلق تمام - به قیمت امروزی یعنی ازپانصد میلاد دراز - ازایران غارت شد و ملیتی مردم ایران در شرایط طاقتفرسا زندگی میگردیدند و زحمتکشان شهر و ده از ابتداییترین وسایل زندگی و بهداشت و آموزش محروم بودند. مملکتها چونچه امپریالیستی انقلاب ایران هم درجهین نابرابری وجود دارد، درجهین مردمها درون میان غارتکنندگان بیگانه و خفقون از یکسو و غارت شدگان از سوی دیگر، میان جنبشهای مستمکن ایران از یکسو و جنبه جنایتکار امپریالیسم و امپریالیسم امریکایی از سوی دیگر، متشکل از بزرگ سرمایه‌داران وابسته و بزرگ زمینداران، قزاقان، مفسدین، بهسرکردگی شاه و رژیم خونآشام سلطنتی، سزاکارها - نظامی اواز سوی دیگر بوجود می‌آمد، نیرو میگرفت و با سرشی دوزخواران رنده میکرد.

حزب توده ایران در آغاز سال ۱۳۵۷ اعلام کرد: «ما در پی سرنگونی مملکت این رژیم اجنبی، چار و دوازدهم خردی و شرط مقدمه حرکت جامعه ما بسوی هدایت ملی و دموکراسی مردم ایران هستیم»

در همین تاریخ برای سه مرتبه توده ایران را بدانشان نظام روحیه سلطنتی و استبداد جمهوری دموکراسی را بعنوان بهترین آماج سیاسی مرحله کنونی انقلاب ایران مورد تأیید و تأکید قرار داد.

جنبش انقلابی تمامی خلق ایران

برایه مصلحتای دولتی و بیرونی جامعه، که غمخیزین آنها فساد میان همه خلق با امپریالیسم در خارج و زخم دست‌نهادن سلطنتی که سرمایه‌داران بزرگ وابسته زمین-داران بزرگ پایگاههای اصلی آنها تشکیل میدادند، در درون کشور بود - جنبه پنهانی از طبقه کارگر، دهقانان، پیشه‌وران و کهنه‌های بی‌تابی جامعه در شب و روستا و سرمایه‌داران ملی بوجود آمد. این جنبه، همانطور که تمام روزه انقلاب و تظاهرات دریا میبوی نشان داد، همه خلق را یکپارچه فراگرفت و مانند سبیل تیرونده تمام پایگاههای کهنه‌های فرارواری زریزاد در هر کویچه همه مردم، یعنی زنان و مردان ایران و جوانان و حتی خروسالان، وابستگان همه گروهای سیاسی مخالف و انقلابی، یعنی روحانیون مبارز، مفسدان و روشنفکران انقلابی چه، نیروهای مذهبی که زیر پرچم اسلام میدان آمدند بودند، در کنار مبارزان که زیر پرچم سوسیالیسم علمی مبارزه میکردند - همه و همه باهم در این جنبش عظیم خلق شرکت جستند.

مردم ایران ما همه حزب توده ایران خلق زود این گرایش و ویژگی جنبش انقلابی شاه امپریالیستی و دموکراسی و خلقی ایران را شناخت و از این ایجاد پیوند انقلابی بین نیروهای مذهبی و جوانان سوسیالیست ملی را، بعنوان یکی از پایه‌های بنیادین شرایط برای وحدت نیروها و هم پیوستگی انقلابی آنان مطرح ساخت و از آن تألیف بسا میگردید و بدون تردید با وجود همه عجزیگات، ایستادگی و کینه‌خیزی وابستگان و امپریالیسم، طرفه‌اندازان و بوزدلیانها این مستحکم را نماند بماند.

تفکیک و جداسازی رنجی امام خمینی - وحدت شمار و وحدت عمل

جنبش انقلابی مردم ایران که بطور عمده در خارج بود یعنی انقلابی و اجتماعی اسلام شکل میگرفت رنجی واقعی انقلابی خود را جستجو میکرد. جنبش انقلابی ایران خلق زود و خلقی درست این انتخاب خود را مدعی ساخت امام خمینی را بر هبری خود برگزید، یعنی همان شخصیت استثنائی روحانی را، که بر پایه خصوصیات بزرگ انسانی خویش، صیغه از روح سروان جامعه روحی میرد و که همان زندگی مدنی چو کرمک به این سروان، که همان طبقات زحمتکش ایستاد شده و غارت شده جامعه ما هستند، برای خود انتخاب نموده بود و از دجا سال پیش با یکدیگر، قلمبیت و ودایت ستمدین روزه‌های بدبختی این سروان و همه سروان (مستقلان) جهان را در یکپارچه‌ای امپریالیستی، بهسرکردگی امپریالیسم امریکایی، در یکسر اسرا، سادانیا و تانکران در شبکه و در یکسر سلطه طاغوتی سلطنت و بوزده مفسدینا و خاندان تکین و دستاران سزاکار و طبقات ظلمت جامعه (مستکبران) شناخت بود.

- ۱ - کاملاً طبیعی بود که امام خمینی با آن شناخت دقیق از ریشه و پیشینه با آن قلمبیت و یکدیگر و تردید و نااطمینانی و آن شرایط کهربایی یک انسان مبارز، روح واحد جنبش انقلابی ایران گردید.
- ۲ - حزب توده ایران خط امام خمینی را شناخت و پشتیبانی میدید خود را از این خط ضد امپریالیستی و خلقی اعلام کرد - حزب ما در سطح امام یعنی عنصر تبیین کننده سیاسی، اجتماعی، تشخیصی داد و بر پایه این پایه عنصر، که با تمام خواسته‌های پیشروین تقریبات انقلابی بین ما در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراسی و خلقی است سیاست مملکت و پشتیبانی خود را بدینترتیب کرد:
- ۱ - سرنگونی قلمب، یکدیگر و آشفتنهای برای ریشه‌کن کردن همه اشکال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فقهی مملکت امپریالیستی، بهسرکردگی امپریالیسم امریکایی
- ۲ - سرنگونی قلمب، یکدیگر و آشفتنهای برای برانداختن رژیم وسیله و فساد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی
- ۳ - سرنگونی قلمب برای تعیین کلیه آزادیهای سیاسی، اجتماعی، خلقی و در درجه اول برانزمتکشان (مستقلین)
- ۴ - سرنگونی قلمب برای عملی‌ماندن تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی مردم برای کوتاه کردن دست ظلمت سرمایه‌داران و مالکان بزرگ و در جهت پیوند همه‌جانبه شرایط زندگی جامعه با امپریالیسم زحمتکش و درجهان شیب و روستا
- ۵ - سرنگونی قلمب و یکدیگر در جهت گردآوردن و اتحاد همه نیروهای راستین خلق برای رسیدن بایستند هدایای رالی ملی و خلقی.

گرایش مذهبی در جنبش انقلابی ایران

در اینکه جنبش انقلابی خلق، با آن محوری یکدیگر شده امپریالیستی، ضد، سوسیالیستی و ضد رژیم حاکم سلطنتی سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ بطور عمده و تعیین کننده رنگ مذهبی بخود گرفت و یک رفته عوامان طریقی و اجتماعی زمینخندان که شرایط مشخص مبارزه در سالهای اشتقاق سزاکار رژیم حاکم دشمنان یعنی حتی این پدیده را بوجود آورده بود، ملی دجا سال سلطنت رژیم مرفورود و اخلاق و یعنی عطف نیروهای راستین انقلابی وابسته به طبقه کارگر سرگشته و مفسدین سیاسی شهید عمدی‌های در زندانها بسر میبردند - علاوه بر این، برآش

به محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نخستین سالگرد انقلاب بزرگ که در کشور ما در ایران آغاز قرن بیستم هجرت بود بزرگای بهشخص آیت الله حضرت که پس رهبر گرامی این انقلاب شناخته شد، از تسبیح قلب دلداری میگوید.

این انقلاب عظیم و تاریخ ساز، نظام فراتر سلطنت مستبده راه که ملی هزاران سال در این سرزمین متشده آهمه پیداهای فاسد را بر انداخت و برانزمتکشان یار، نظام مرمی جمهوری را در همین ما بر پا ساخت.

این انقلاب نه تنها انقلابی ملیت‌شده و خود سلطنتی بود بلکه آن بالا را برانزمتکشان مفسد علیه امپریالیسم بهسرکردگی امپریالیسم جهان‌مستور را برانزمتکشان و تانکری این قدرت سلطنتی که با این جهانبان آشکار کرد.

این انقلاب نه تنها به چنین لیام حلسه آمیزی دست زد، بلکه دهالی مستحقین ایران و جهان را از اسارت و ستم مستکبرین نخلیه خود هر د و بینشان از انقلاب مهم سیاسی، بهیاب انقلاب بزرگ که اجتناب نیر بدل شد.

همه این بر کات و نعت انقلابی میبوی قلمبیت

کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کبائوری

خیالت رهبری بر نفس قابل توجهی به گرایشهای خود-جهوانه و سزاکارانه و بیرویه خودت کور با جنبش امپریالیسم کارگری جهانگشاده و گمراه شده بود و بیانشک طبقه کارگر کجای مبارزاتی، ضد تشکیلی گشته و از کارگری ملی برای برانزمتکشان پیروند با جنبش انقلابی محروم شده بود.

بورژوازی لیبرال که بنایه‌مایت سزاکارانه طبقاتی خود خیلی زود نشان داد که لیاقت رهبری جنبش انقلابی را که هر روز بطور چشمگیر گسترش می‌یافته ندارد، زود سرنگون مبارزه سیاسی را با تفاوت سرکوب میکرد. رهبری جامعه برای اجتماع مردم فارسی پل بود و آنچه آن ملت که رژیم وابسته و اربابان امپریالیستی را در دیرزمانی تخریب آن بوده که از فرط ناامنی و طبع جنبشهای راستین «مطلبان» خلقها بهره‌گیری نمایند.

رژیم و اربابان امپریالیستی را به این واقعیت توجه کردیم که جنبش خلقی و ملی برانزمتکشان تفسیق است. جنبشهای راستین هرگز نتواند سبیل عظیم راه خود را باز میکند و بطور طبیعی از بستری سرانزیر بنیادهای مانع کثرتی بر سر راهی پناه.

یعنی عظیم روحانیت ایران از زبان خلق بیرون آمده و با خلق پیوند داشت، قاطعاً طبیعی، دورزانی چنین‌هرانی بازتاب چندمده خواسته‌های انقلابی خلق گردید. بورژوازی ممالک و باقیده روحانیت ایران، که همه‌جانبه و فساد،

انگیزه‌ها و آماجها و شاره‌های افکار و طبقات و گروههای سیاسی فعال - که در این جنبش فراگیر یاری بسیار وسیع شرکت داشتند، یکی نبود و ملکی می‌تواند آنها به خواسته‌های طبقاتی و ممالک آنها وابسته بود، ولی همه آنها پیش از این یعنی از سرورتر سرنگونی رژیم استبداد سلطنتی شاه وابسته با سرکوبی و بوزد این چهار واحد گردیدند.

کمیته مرکزی جنبش انقلابی

مطلبی از همان آغاز جنبش گرایشهای گوناگون در مستحکمیت اساسی انقلاب پدید آمد و مبارزه بین این گرایشها به صورت مبارزه پایمان در درون جنبش وحشی در درون هر گروه و سازمان سیاسی بروز کرد. راستینترین جناح در طبقه مبارزان، جناح بورژوازی لیبرال بود که هدفهای خود را در خارج از ملیتی خود و با جنبش شاه با بوزد سلطنتی بدون حمله رشا و کار آمدن امپریالیسم امریکایی، در خارج از ملیت شاه باید سلطنت کند به حکومت مسموم کرده بود.

دوره مبارزه با امپریالیسم و دودمان مبارزه با پایگاه طبقاتی رژیم، یعنی بزرگ سرمایه داری وابسته و بزرگ زمینداران هم این جناح بورژوازی لیبرال میگویند که مبارزه علمی و قلمبیت، شعار سیاسی بورژوازی لیبرال ایران مملکت، در جهت این هدف که سزاده علیه استبداد شاه دادند

در آستانه انقلاب

کمیته مرکزی حزب توده ایران در این روزها به این جهت در برابر گرایش سزاکارانه لیبرال قرار میگرفت، در جهت ایجاد جنبش حرکت کرد.

حزب توده ایران با اطلاع تاریخی خود در ۱۳ شهریور ۱۳۵۷، بطور روشنانه انقلابی آتش‌نابانی داد. مطالب جنبش خلق قزاقان که مملکتی اصلی آن زمان سلطنتی رژیم سلطنتی، سزاکار و جنایات شاه و دست‌نهادن روزه‌های مملکتی سلطنت امپریالیسم درجه زمین‌خند سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی بود و مردم را برای ایجاد جنبه مشخصی از رژیم نیروها برای رسیدن به این آماجهای ملی و اجتماعی تربیت کرد.

امپریالیسم به کینه‌خیز دوسویه که سرکوب‌خوین توده انقلابی و دوسو تفکیک دولت کیمیل سلطنتی سزاکار تاملت نوسل شده بود، دوزخا و مملکتها و ممالک حاکمات امپریالیسم و زمینداران استبداد و جائز و اوالی زمستان سال ۵۷ با قزاقان کبائوری و چابک‌روان و بیچاره همراه بود که نیروهای مختلف خلقی تمام‌توقا و با شمار واحد در آن شرکت جستند.

نصرت اینکه شایور بختیار یک فراری از جنبه مبارزان ضد امپریالیست بهادردگر امپریالیستی است، بنگلسی دادوستد و گمراه گشته است. شایور بختیار طبع سزاکار بورژوازی لیبرال با امپریالیسم و رژیم وابسته به آن، ربه



حزب توده ایران در نخستین سالروز انقلاب

- حزب توده ایران مدافع راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام است
- سازمانهای حزب سرعت در حال احیا شدن هستند
- اعتبار و حیثیت حزب در میان توده‌های خلق افزایش می‌یابد
- اقبال زحمتکشان بسوی حزب توده ایران سرعت یافته است

علیه دشمن اصلی خلقهای ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، به موفقیت‌هایی دست یابد. حزب توده ایران با پشتیبانی بی‌دریغ و بی‌چشم‌پوشی از قاطبیت ضدامپریالیستی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، و مبارزه با طاعن و آفتی‌ناپذیر باطنی-های سازشکارانه نیروهای لیبرال و عوامل امپریالیسم در جهت حفظ منافع خاکشکراانه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران، از یکطرف در منتهی ساختن این بورژوازی و از طرف دیگر در سوق دادن بخشی از نیروهای راستین خلقی و ضد-امپریالیست، ولی اعتیادکار و چپ‌رو، پسر کرد خلق امام گامی سیمی برداشته است.

در پی تلاشهای حزب توده ایران و دیگر نیرو-های مترقی و ضدامپریالیست، ضدبندگی نیروهای انقلاب و ضدانقلاب در سراسر کشور، پیوسته در کردستان و آذربایجان، اهواز و تالش ضدانقلاب برای قریب نوده‌های مردم و کسانشان آنها بدنیال خود، هر روز با شکست تازه‌ای روبرو شده‌میشود.

حزب توده ایران با شرکت فعال و مسئولانه خویش در فراتر بردن جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، رفراendum قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری، در عین حمایت کامل از خط امام و کوشش برای تحکیم پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی، در جهت تعمیق مجزرای ضد امپریالیستی و

راستین انقلابی خلق و در درجه اول با نیروهای که تحت رهبری ابتکاله خمینی قرار دارندند تعیین کرد تا «نهال جوان پیروزی پلست آمده راه که با خون دهها هزار مبارز آبیاری شده است، تکمیل کنیم و این‌نهال را هر روز ریشه‌دارتر و بارآورتر سازیم»

پلنوم شانزدهم با تحلیل وضع نیروهای گوناگون، سامیت بورژوازی لیبرال را که «می‌کوشند جنبش را در چهارچوب منافع طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه‌های خلقی و مردمی آنرا تضعیف نمایند» افشا کرد و وظایف حزب را در زمینه مبارزه محتملی که بین دو خطمشی موجود در جنبش، یعنی خطمشی سازشکارانه بورژوازی لیبرال و خطمشی ضد-امپریالیستی و خلقی توده‌های مردم و رهبری انقلاب شدت خواهد گرفت، روشن‌ساخت و برای تعیین پیروزی نیروهای ضدامپریالیست و خلقی بر ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق تاکید کرد.

در طول یکسال پس از انقلاب، حزب توده ایران با تمام قوا در جهت انجام رهنمودهای پلنوم گام برداشته است. حزب توده ایران همواره متعهد اتحاد کلیه نیروهای ضدامپریالیست و خلقی، ملیزم، تفاوت‌های مسلکی آنها، بوده و با پیگیری، بشیاری و احساس مسئولیت کامل توانسته است بر بسیاری از سوءتفاهمات موجود میان نیروهای انقلابی مسلمان و مارکسیست فائز کند و در جهت احیای

پلافاصله سراز انقلاب، پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد و با تحلیل انقلاب ایران، وظایف حزب را در دوران پس از انقلاب روشن ساخت.

حزب توده ایران، وظایف بسیار دشواری پیش رو داشته. این حزب تنها سازمان سیاسی ایران بود که در طول ۳۷ سال شدیدترین ضربات را از جانب رژیم مصلحت‌محمل شده، مترازا فقر از آشپاشی شیبه، یا دروازه زندان و تبعیدگاهها شده بوده، سازمانهای حزب طبعه کارگر ایران، فویر پیگرد سازمان آمریمنی ساواک، ضربات مسلکی را متحمل شده بودند. ضرورت احیای سازمانهای حزب پس از پیروزی انقلاب ایران، منظور سازمان دادن مبارزه و سپس تثبیت و تکمیل و گسترش دستاوردهای انقلاب، از وظایف اساسی حزب، بشمار میرفت.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، وظایف بزرگی را در زمینه سیاسی، سازمانی، گسار توده‌های، تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی پیش روی حزب قرار داد.

اکنون که کارنامه فعالیت‌های یکساله حزب توده ایران را بررسی میکنیم، باید اذعان کنیم که علیرغم دشواریهای عظیمی که پیش روی حزب و جنبش انقلابی ایران قرار داشت و دارد، حزب توده ایران توانسته است که با تحریکات همجانبه نیروهای ضدانقلابی، لیبرالها و سازشکاران برای ساقط و کار شکنی در راه فعالیت‌های خلقی حزب توده ایران مقابله کند و تا حدود زیادی آنها را عقیم نگذارد، در تکمیل، تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب نقش سیمی ایفا کند. در جهت نزدیک ساختن نیروهای خلق و اقشای توده‌های ضدانقلابی سراسر امپریالیسم، جای خالی‌های را سراز کند.

وظایف سیاسی حزب

آرزوی فراز (به انقلاب بهمن)

در چارنمل بیم‌فزای یورش‌گران
پشکست استخوان تو
درینک پندگی
پژمرده‌گشت جان تو
ای مادر! ای وطن!
داغ سرشک ماست میان پرده‌خان تو

ای روح پرشکسته به خاکستر ملال
از آسمان روشن فریاد کنر نما
پس نیست موج خون؟
پس نیست سیل اشک؟
ای مزرع امید، لب خشک تر نما!

دائم تراست در گرانمایه درصاف
و آغاز زایشی است.
ایغ فرصت مزیز میاداکت تلف!

ما را میال صبر نماند و شکیب درد
این کاروان که تشنه گرمای زندگی است
یا زهره ره چگونه برده، و آن فروغ سره؟

پننگ! شگرف رژیم بزگی است در جهان
خون می‌دود به خاک
پس درجهای که پیره زدنندگان پاک

با انقلاب خویش
گرد حماسه‌گون شده‌ای، واندلین ستیز
پاهشتدای به پیش

اکنون که آفتاب وجود نموده رخ
از زوئدهای جوقه کفتارها مرم
در رمز اتحاد علم‌های سبز و سرخ
پشکن طلسم شوم پیرستاند درجه

پشکن طلسم را
که طلسمی شکستنی است،
ترویج نیست!
بلند اسارت گسستی است.

ای بابی زونگار نجات نموده رخ
امجان انقلاب کلید است، بازگو!
افکنندای ز پشت گرانبار سلطنت
آرباب و خان پرمز پنداندختی، دگر
ای میهن خسته من
زی فراز تو!

احسان طبری

حزب توده ایران در نخستین سالروز انقلاب



یکی از آخرین کردهای های حزب توده ایران: اعتبار و حیثیت حزب توده ایران در میان توده‌ها افزایش می‌یابد

بقیه از صفحه قبل

و حفظ اتحاد ضراب‌های لیستی خلفای ایران، با تمام قوای خویش تلاش ورزید.
حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی کشور بود که در قبال امریک که مسائل سیاسی پیش روی جبهه، به موقع اظهار نظر درست کرد و در مورد هر مسأله بهترین و مستولانه‌ترین پاسخ ممکن را ارائه داد. یکسال پس از انقلاب گواه صادق سمت مشی سیاسی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بوده است.

حزب توده ایران در زمینه‌های نامیت ضد-انقلاب، اشکال و اسلوب‌های مورد استفاده آن، آماج-های اصلی آن و پوهشهایی که تیات واقعی خود را در زیر آتپا پنهان می‌سازد، خدمات مولی انجام داد و به هم خود در مبارزه با تحریکات، تروتماعا و تفرقه‌پویایی ضدانقلاب موفق بود.

وظایف سازمانی

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران مستقر در وطنه حزب را در این زمینه، با انتقال رهبری حزب به ایران و احیای سازمان‌های حزبی در سراسر کشور، در شرف و روستا، و آغاز فعالیت وسیع طبقه کارگر، معین کرد. پلنوم بر ضرورت مستقری ترکیب طبقاتی حزب بسوی زحمتکشان تاکید کرد.

در طول یکسال پس از انقلاب، علیرغم تغییراتی که ضدانقلاب، و بورژوازی لیبرال در موردهالیت آزادانه حزب توده ایران بعمل آوردند، حزب تا حدود زیادی به رهنمودهای پلنوم جامه عمل پوشانید. سازمان‌های حزب بسطت در سراسر کشور گسترش یافتند و فعالیت‌های روشنگرانه و مشکل‌کننده، فرغش را خدمت بخشیدند. هم‌اکنون حزب توده ایران در اکثریت قاطع ایالات کشور سازمان‌های ایالتی خود را تشکیل داده‌است و در بسیاری از شهرستانها سازمان‌های رله‌ای دارد. بر اساس فعالیت‌های وسیع و پویای حزب توده ایران در جهت تثبیت، مستحکم و گسترش دستاوردهای انقلاب و تامین اتحاد کلیه نیروهای خلق ملیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و معال داخلی آن، و برای اشکار شدن فرایند سمت مشی سیاسی حزب توده ایران، اکنون ما با اقبال وسیع زحمتکشان، بیوه، سردلاریای مستحق به حزب بورژوازی و مستحکم و ترکیب طبقاتی حزب توده ایران بگوتای مؤزود، ولی رو به رشد و به سمت افزایش ترکیب پرولتری حزب تغییر می‌یابند. حزب توده ایران در زمینه سازمانی گام‌های بزرگی در جهت فراهم آوردن شرایط لازم برای دعوت کنگره یا کنفرانس سراسری حزب برداشته‌است.

کار توده‌های

به موازات کار سازمانی برای احیای سازمان-های حزبی، کار توده‌های نیز طبق رهنمودهای پلنوم مورد توجه مهم‌جانبه قرار گرفت. جنبش انقلابی ایران در سراسر کشور از مردم شرف و روستا را به میدان حالی‌ترین تیرهای سیاسی کشانده و در سمت کواچی، مردمزیننه آگاهی سیاسی و اجتماعی، فرستگیا به‌جای آورده بود. حزب مؤتلفه بود از این امکان مساهم بی‌شمار، برای مشکل سلطنت توده‌ها در سازمان‌های توده‌ای و دگرگونی، که ضامن اساسی در برابر روی و پایداری نظام دگرگونی‌جامه است، پیرو برداری کند.

طبقه کارگر کوربان ایران، که در پیشاپیش جنبش انقلابی پیچ انقلاب را بر دوش کشیده و پیشین برده همه امکانات را داشت که در مقابل-های مستحق و دگرگونی، مستقل خود متشکل شود، وظیفه حزب آن بود و هست که طبقه کارگر را در عملی ساختن این خواست بسطقه، هم‌جانبه‌بسته پشتیبانی کند و در کار سازمانی، مستقری، به او یاری رساند.
یابد گفت که در طول این یکسال، اعضاء و هواداران حزب بیوه در میان طبقه کارگر و سایر اقشار مردم، روستائیان، زنان، جوانان و دانش-جویان، با تمام قوای خویش به‌ایجاد سازمان‌های مستقل آنان یاری رسانده. عوامل ضدانقلاب، تهایه‌انگاران، سرمایه‌داران و مالکان بزرگ، تیر-های راستگرای انحصارطلب بسیار کوشیده و می-کوشند، تا از این رویه جلوگیری، ولی تجربه خود زده‌گی و سمت مشی سیاسی حزب توده ایران و تلاش دیگر نیروهای انقلابی و دگرگونی، به‌یاری پیش تحریکات و تمسکات آنان، بی‌ال و طبقات و اقتدار مردم را بسوی شکل و اتحاد بسوی میبندد. فشار طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیجیز، به‌جای خود را در میان زحمتکشان هر روز بیشتر می‌گشاید.

حزب توده ایران به کار در میان روستائیان نیز به‌جای لازم را داده است. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در تهیه روستائیان به اییاد شورامی معالغ مناطق آنان در مقابل تحسینکات فئودالی و مالکان تفکر بورژوازی، داشته‌اند و روستائیان مبارز و آگاه، به‌حزب چون معالغ واقعی مناطق خود

وظایف تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی (سیاسی و تئوریک)

مردم و دنیای و انتشارات دیگر حزب، در مدت یکسال که از انقلاب می‌گذرد، نقش بسزایی در ترویج اندیشه‌های والای مارکسیسم-لنینیسم و انطباق خلق اصول این علم در راستای برقراری رژیم و سیار پیوسته، جامعه ما ایجاد کرده، تشکیلات حزبی، با درک صحیح و علمی، ویژگی-های انقلاب بزرگ، مردم ایران، در شناساندن دوست و دشمن، متصد و خصم به‌طبقه کارگر، زحمتکشان شرف و ده و روشنگران انقلابی ایران، به‌یوفیتش های چشمگیری دست یافته‌اند.

حزب توده ایران بر اساس جهان‌بینی علمی و انقلابی خود، به‌مردم آموزش و می‌آموزد که در دوازده ماهات‌های طاری، مبارزه طبقاتی را دریابند، از دام فریب لیبرالیسم، که خود را در لباس لوی دگرگونی‌های و دانش‌های گریه، پنهان می‌سازد، بیرون بدهد. سازمان انقلابی و اسلام ارتجاعی را تشکیک کند و از اولی با تمام قوا در مقابل دوسوی معادله نماینده، تمامی پیش‌بینی‌های حزب توده ایران، که مدتها قبل با تحلیل علمی و طبقاتی و نه با برخورد ذهنی از احزاب، تشریحات و اشخاص گوناگون مطرح شده بود، یکی پس از دیگری سمت خود را در لاله هیران جاسوسی امپریالیسم آمریکا می‌یابند.

حزب توده ایران در تبلیغ و ترویج دوسوی اساسی خط امام خمینی، یعنی وجه خدانورانیستی، ضدانقلابی (مخالف از ادب‌های سیاسی)، معالغ حقوق دگرگونی (حق کار، مسکن، بهداشت، تحصیل، ...)، خلقی (تایید رژیم زحمتکشان) و بالانفرد، وحدت‌طلبانه (یعنی مدافع اتحاد ضراب‌های لیستی و خلقی تیر-های مردم) با تمام قوای خود کوشید و تلاش مسالمت‌آمیز و بی‌سازش و بی‌سازش از روشنگران انقلابی و لی چپ‌رو را، که در درک نقش امام خمینی و اسلام انقلابی در انقلاب ایران بیچاره اشتباهات جوی بوده‌اند و بسا اولات ناباسته به لیبرالها یاری رسانده، به انتیبه واداشت. در نتیجه این تلاش‌های پیوسته، که واقعیت زندگی بر آنها صحنه گانگانه، بسپاری از این نیروها تصحیحات جندی در عطف مشی خود، پدید آورده و بسیاری نیز به حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران پیوستند.

در زمینه فعالیت‌های تئوریک، به‌بهرات می‌توان گفت که هیچ نیروی دیگر مدعی پیروی از سوسیالیسم علمی، حتی بخش کوچکی از کار علمی را که حزب توده ایران در این سمت کوتاه در زمینه ترویج اندیشه‌های سوسیالیسم علمی در میان جوانان کشور و جویای این علم دورانش انجام داده است، انجام نداده‌اند. علیرغم خسراکاردیسیاسی حواصل امپریالیسم، مردمان، والدگان و ماترئیستها، دنیای مردم و تشریحات دیگر حزب توده ایران، یا بلع علمی از جانب جوانان و همه جوانان راه طبقه کارگر، استقبال می‌نمود و مارکسیسم واقعی و نه جعلی، دوز بی‌وزیران مومنش و فرودستی‌یاب،

بمناسبت آغاز راهپیمایی‌های خیابانی

آغاز

از خانه شروع می‌شود، به هنگامی که چشمان خیزنده او به انقلاب کشیده می‌شود از کارخانه شروع می‌شود، به هنگامی که پیک سنگین خشم تو فروز می‌آید از کوچه شروع می‌شود، به هنگامی که مردان، سینه از هوای آزاد پر می‌کنند از مزه شروع می‌شود، به هنگامی که گولان نوبیانی، زمین را در هم می‌کشاند از خیابان شروع می‌شود، به هنگامی که فریادها را در خود جاری می‌کند

خانه‌های خیابانی است
خانه کوچک، مزه کارخانه... در خیابان است
انسان آینه‌ها می‌زند... در خیابان است
در خیابان است

بیست و نه سال پیش
با مشت‌های سنگین، بیست و نه سال پیش
از راهی و پراپری را از راهی
اکتون خیابانی شکره دیگری دارم
اکتون میدان شکره دیگری دارم
اکتون موصفا پذیر می‌آید
اکتون تنها و له می‌آید که بر پانها جاری است

بیست و نه سال پیش
تمامها راه دروغ راه، کرنشها و تانها راه، که بافتن کشیده می‌شوند

درخت از درخت می‌رویید و انسان از انسان
من از کارخانه می‌آیم، تو از مزه می‌آیی
ما خون تلخ تو را به خاک می‌ریزم
وجه‌های زینت، بافتن اشک و خون، یا دستان نیرومند، با خنک کشیده می‌شوند

تقلیب سلاح پر گرفته‌اند
آب‌روسیا ندان هرچه می‌کنند
دیگر پس است هرچه که کشنده هرچه که خوردند هرچه که پرند
و با لباس خانها و شاپین و روسیای و کاغ نشیای و کارخانداران قسمت کردند

اکتون باید می‌زند
اکتون باید مسلمانان را با پرهاها بست بگیرند
و کارگران و آگاهان، که پرچم‌های سرخ پرافرشته‌اند
همانجا که سالیان دراز به چرم دانستن در زندانها صیقل دیده‌اند
همانجا که روشنان را بر سطوح سمیاتی زخمه‌های فلیسم حلق کرده‌اند
همانجا که سروخونان از کارخانه می‌آیند، از مزه می‌آیند، از دانشگاه می‌آیند...

و یزوان نیرومندی دارند
و قلبهای صبرانی دارند
و خانها و کارخانها و منسها و بیمارستانها از آن اجابت
کوره و کور و دریا از آن اجابت

و حلق از آن اجابت
و لغت از آن اجابت
و یاد و خاک و آتش را به فرمان دارند
و مهر را به فرمان دارند

به کوه‌گمان ایمن بیاموزیم
به ماری‌انمان آزادی بیاموزیم
به دریا بیاموزیم تا دست‌انزل ما باشد
به جنگل بیاموزیم تا سرانجامان بشود

به یاران بیاموزیم تا رشدهای نابی را، که باخون پر نشانه‌هایم، یاروی سازه
به خیابان بیاموزیم تا فریادمان را در خود جاری کنند

به آفتاب بیاموزیم تا بر ما بتابد
بر کارخانها، کنتراولها، دانشگاهها، ... و بر ایمن ما که آزادی است

ستروان خود یازگشته‌اند و امیدشان نیست
لذاتان به تان چویشان خو گرفته‌اند
زبان و درویشان و کرسبا و فوادان به‌خون تفتن بر نهشته‌اند
از آنان یگانم و به‌خود بیبندیم

نهال کوچک ما می‌آید، و سایه بر جهان می‌گشرد.

جلال سرفراز

سیر و سرگذشت سازمان زیر زمینی «نوید» در سالهای دشوار اختناق و سرکوب خونین از محفل‌های حزبی، تاسنگرهای انقلاب

نگار انقلابی سازمان «نوید» در نخست انقلاب
چهارم، کار پرستای است، زیاد نیستند احزاب
برادری که در کشورهای فاشیستی، دراج قدرت
فاشیست، توانست باشند چنین سازمانی بوجود آورند
و آثار از سر دست حقیقت کنند و پالاتر از همه بتوانند
یک روزنامه سراسری، بطور منظم منتشر سازند.
در تمام کشورهای فاشیست زده جهان این یک اتفاق
نادر است...
(نورالدین کیانوری: حزب توده ایران در عرصه
سیاست روز، ص ۷۵)

هفتهنامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۲۲، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸

با اعتصاب عمومی سراسری کودکانی نظامی شاه را خنثی کنیم

از تظاهرات مسالمت آمیز چند میلیون نفری ناقل عام مردم در خیابان‌های تهران

چهارم و پنجم شهریور ۱۳۵۸ که در آن روزها در تهران و سایر شهرها اعتصاب عمومی و تظاهرات گسترده مردمی در حمایت از انقلاب و سرنگونی رژیم پهلوی صورت گرفت. این روزها در تهران و سایر شهرها اعتصاب عمومی و تظاهرات گسترده مردمی در حمایت از انقلاب و سرنگونی رژیم پهلوی صورت گرفت.

کشتار شاهنامه‌ها، ۱۷ شهریور خونین، یک روز بعد از روزنامه مخفی «نوید» انتشار یافت و تأثیر فراوانی در افکار و احساسات مردم داشت.

۹۸ خیر مگر می‌گفتند که در روزگار تظاهرات و اعتصابات کارگری، ۵۱ خیر دربار، تظاهرات و دانشجوئی، ۹۸ خیر در مورد زندانیان سیاسی و مبارزان و مساجد و نهادهای مذهبی و سایر امور دربار، ادوات، سیاست خارجی، مبارزات خلق، فساد و تاجران دربار و طریقه‌ها و نهادها و جنایات سواران و نجاران دربار، در گورستان بیکانویه، مرخیز، بکده‌های باور است. حکومتی که تیره خود را با دروغ و سفسطه و ریا و تحریف پرک میکند، بنابر همه بیانی گنجه‌ها است که نسیم واقفیات آنرا از هم می‌پارشد.

مخالف از زبده‌ترین نمایان جزئی بود. اکثر آنها مشول بالا خود را چر یا اسم بزرگ نمی‌دانستند. مثل وسامت ملاقات آنها، یا ملاقاتی که روی تیرهای چرخ بر می‌آید، یا یکسک‌های تلخ دربار مناطق خاص ترسیم میشد، تعیین می‌گردد. قبل از آنکه رقصا برسد قرار خود حاضر شود با همین ملاقات سلالت خود را اطلاع می‌دهند و هرگاه احیاناً در سفری پیش می‌آمد، به خارج کردن رفیقی که در مدرسه تدریس بود از آنجا می‌بردند. امنیت شبکه‌ها که بالا در رابطه بود، تأمین میشد. اینکه افراد که رفیقان از آنها بودند داشت، مدتی مدید به پاریس همیشه از شبکه تماس‌گیری و پیش‌کش کنار می‌رفتند و به موازک پیمان فنی و چاپ منتقل میشدند. در صورتیکه شریه ناگهانی وارد می‌شد و یکی از نمایان بدام سواران می‌افتاد، مباحثه تنها جلوه ارتباط بود سازمان، هرگونه خطری برای دیگران منتفی میشد.

این پیش‌بینی‌ها و تصمیمات بود که سازمان نوید ترواست علاوه بر ایجاد یک شبکه سراسری اطلاعاتی و خبرگیری، میلیون‌ها نسخه روزنامه نوید و مسامحات جزوه و نشریه جزئی را که از خارج به کشور وارد می‌گردد، در مراکز و مراکز مختلف اجتماعی پخش می‌شد. سواران برای درم گشتن سازمان نوید دامپای مختلف گذاشتند. اما اکثر تیرهای او پست‌کش خود، بارها مورد سواران سواران ملاح و متاملتی را که اغلب «نوید» در آنها توزیع میشد، محاصره کرده، اما نویده‌ها به تجربه در یافتن بودند که هم روزگاست پخش روزنامه دم محل اغلب در یک نایب تأیید قاعده مشخصی باشد. بعضی اینکه در یک محله کارگری روزنامه پاموز و شینامه پخش میشد، میدان فعالیت باید بلافاصله به منطقه در دسترس منتقل می‌گردد و تمام آنها از این محله بر می‌زند. وقتی شهریه مناطق مختلف تقسیم میشد و مسئولیت پخش در هر منطقه بر عهده رفیق خاصی بود، تنظیم این برنامه دشواری نداشت.

این برای پخش، هر که خطرناک‌ترین وظیفه سازمان بود، از راه‌های دیگری هم استفاده میشد. استفاده از پست معمولی‌ترین و بی‌خطرترین راه بود. بهر حال عقدا در دسد این پاکت‌های پستی به سلامت به مقصد می‌رسیدند. به‌شکوه دیگی قرار دادن سه‌های چند دولتی روزنامه و اعلامیه و مسامحات شرخ، پاراکار کارگری و دانشجوئی، یا جابری و دانشجویی سازمان بود. در اغلب این موارد هر ماری یا حاضر پیش از یک نسخه بر ترمیم‌هاست و عمل پخش بطور طبیعی و خنثی انجام می‌گرفت. در صورت آری از خلاه این مکنار قیاسیست، سبب پخش روزنامه‌ها می‌بایست وار و پاراکار رابط خود را بشناسد و با احتیاط برای یکبار بیند، ظرفیت و امکانات خود را با ملاحظاتی که در نظر دوامش مقرر تصویر می‌گردد. اطلاع می‌گردد. جزاین روابط اندک بزرنگ، که تا بزرگی سایل و دشواریهای بسیار نیز بیار می‌آورد و بهیسا از سرعت و پاراکار سازمانی سرکاست، امکان آید کار

نویده در رفته کسی زکیفی خود، تشکیلات سیاسی خویش را نیز گسترش و قوام داد. تجربه لئینی ترواست و تشرک سازمان حزبی و یکسیتی و مسامحاتی آید ترواست سیاسی، بر محور انتشار یک روزنامه سراسری، در وقتیکه کوچک‌تر، توسط «نویده» تأکید شد. بر گرد «نویده» شبکه پیچیده‌ای از خبرگاران، پخش کنندگان و سازمان دهندگان پدید آمد و به استناد سراسری به رفته و نام پرداخت. در این گسترش ترواست، اصل فعالیت‌های تشکیلاتی حزب، که قویا بر مردم تمرکز تکیه داشت، در محل مست و کاربری خود را نشان داد و به‌مثابه کلید مسلطی سازماندهی در شرایط اختناق خویش ایران را در دستر زده عمل کرد. بهیچک از شبکه‌های «نویده» مستقیماً با هم تماس نداشتند. در حالیکه امضای یک شبکه نیز که زنجیروار بهم مربوط بودند، اگر آ نام و نشان واقعی بکنند نمی‌توانستند.

این برای پخش، هر که خطرناک‌ترین وظیفه سازمان بود، از راه‌های دیگری هم استفاده میشد. استفاده از پست معمولی‌ترین و بی‌خطرترین راه بود. بهر حال عقدا در دسد این پاکت‌های پستی به سلامت به مقصد می‌رسیدند. به‌شکوه دیگی قرار دادن سه‌های چند دولتی روزنامه و اعلامیه و مسامحات شرخ، پاراکار کارگری و دانشجوئی، یا جابری و دانشجویی سازمان بود. در اغلب این موارد هر ماری یا حاضر پیش از یک نسخه بر ترمیم‌هاست و عمل پخش بطور طبیعی و خنثی انجام می‌گرفت. در صورت آری از خلاه این مکنار قیاسیست، سبب پخش روزنامه‌ها می‌بایست وار و پاراکار رابط خود را بشناسد و با احتیاط برای یکبار بیند، ظرفیت و امکانات خود را با ملاحظاتی که در نظر دوامش مقرر تصویر می‌گردد. اطلاع می‌گردد. جزاین روابط اندک بزرنگ، که تا بزرگی سایل و دشواریهای بسیار نیز بیار می‌آورد و بهیسا از سرعت و پاراکار سازمانی سرکاست، امکان آید کار

پروسی سیر و سرگذشت «نویده» تنها تشریح زبده‌ترین آخرین و دشوارترین سالهای اختناق و سرکوبیه تنها گشودن دریچه بروی خاطرات یک روز مکنار مکنار و زندگی نیست، این پخش از تاریخ مقاومت خلق ماست که مانند همه تیره‌های سیاسی و توده‌ای، تیره‌ها و آموزش‌های پریشانی یا آن ایستاده است.

«نوید» در شرایطی قدم به کارزار گذاشت که توحش بی‌رحمانه و بی‌پروای ترواست سازمان یافته دولتی، با وجود و جلوتی رسیدن کشتی در آباد جهانی کشت نظیر داشت. خواندن یک کتاب ممنوع، نوشیدن یک شاعر به دیوار، پخش چندتا اعلامیه، علاوه بر جنبه‌ترین شکل‌های جسمی و روحی، عقوبتی در حد زندان آید و گاه اعدام داشت. برای اینکه آثار اعلامیه‌های پدیدار و وسایط تشنه‌ها دادگاه‌ها به نظایم که روی ذخیرترین حکومتی‌های معاصر را تشکیل کرده بود، از حد تصاب تکان دهنده‌ای که داشت بالاتر ترواست ایستادند مبارزان با صفت سازمانی و جدانه آفرینی‌های تکراری در کوه‌ها و خیابانها قتل عام میشدند.

در پایان سال ۵۸، گروهی که بهیچ‌نماید «نویده» شهرت یافت و به پرزگترین سازمان مخفی حزب تبدیل شد، در اسارت حزب در خارج کشور اطلاع‌رسانی که آنگاه های لازم را برای انتشار یک روزنامه سیاسی افشاکر، تبارک دیده است. این واقعه‌ها بود.

«نویده» در شرایطی قدم به کارزار گذاشت که توحش بی‌رحمانه و بی‌پروای ترواست سازمان یافته دولتی، با وجود و جلوتی رسیدن کشتی در آباد جهانی کشت نظیر داشت. خواندن یک کتاب ممنوع، نوشیدن یک شاعر به دیوار، پخش چندتا اعلامیه، علاوه بر جنبه‌ترین شکل‌های جسمی و روحی، عقوبتی در حد زندان آید و گاه اعدام داشت. برای اینکه آثار اعلامیه‌های پدیدار و وسایط تشنه‌ها دادگاه‌ها به نظایم که روی ذخیرترین حکومتی‌های معاصر را تشکیل کرده بود، از حد تصاب تکان دهنده‌ای که داشت بالاتر ترواست ایستادند مبارزان با صفت سازمانی و جدانه آفرینی‌های تکراری در کوه‌ها و خیابانها قتل عام میشدند.

«نویده» در شرایطی قدم به کارزار گذاشت که توحش بی‌رحمانه و بی‌پروای ترواست سازمان یافته دولتی، با وجود و جلوتی رسیدن کشتی در آباد جهانی کشت نظیر داشت. خواندن یک کتاب ممنوع، نوشیدن یک شاعر به دیوار، پخش چندتا اعلامیه، علاوه بر جنبه‌ترین شکل‌های جسمی و روحی، عقوبتی در حد زندان آید و گاه اعدام داشت. برای اینکه آثار اعلامیه‌های پدیدار و وسایط تشنه‌ها دادگاه‌ها به نظایم که روی ذخیرترین حکومتی‌های معاصر را تشکیل کرده بود، از حد تصاب تکان دهنده‌ای که داشت بالاتر ترواست ایستادند مبارزان با صفت سازمانی و جدانه آفرینی‌های تکراری در کوه‌ها و خیابانها قتل عام میشدند.

از اولین خروش تا سنگرهای خون پیروزی



گام به گام با انقلاب ایران

یک سال از فرودشستن آخرین مژدهای رژیم دست نشانده پهلوی میگذرد. مردم ایران به پهای فداکارانه با قربانیایی و قربانیهای کوهنوردانه برای همیشه سلطنت راهزنان تاریخ سپردند.

انقلاب ایران از روزی که اولین جرقهها در تاریکخانه استبداد پهلوی روشن شد، تاروخی که یادگاریا به اشکال تودههای مسلح تودهها چون لولههای نو در تاریخ مبارزات خلق و انقلاب های جهانی، بخش جهان، خویش و امروز همی و وقتی تر کرد.

یغسال و هشت ماه مبارزه تودهها با رژیم پهلوی شاه خائن، پرده سخت زنگارنگی از شیوههای گوناگون و متنوع مبارزه اجتماعی را ترسیم کرد. تنوع اشکال مبارزه در ایران، بهمنهای نوین بر پایه شرایط عینی و آداب اجتماعی، ملی و مذهبی تودهها، و در هم آمیختگی شیوههای گوناگون مبارزه در یک لفظ معین، با وجود مصلحت بودن یکی از آنها، تیره های سخت او زنده است. تجربه های که خلق خود را از روش های انقلاب ایران و شرایط خاص مبارزه ما کسب کرده است.

دولت پستی از ویژه نامه مردم بهمناسبت سالروز انقلاب ایران، این تنوع در اشکال مبارزه دیموروی پیرویدانه های انقلاب ایران، استخراج و دسته بندی شده است.

در این بررسی، از میان آنچه حوادث و رویدادها، اساسی ترین، کلی ترین و مهم ترین آنها انقلاب و جمع بندی شده است. کوشش خواهد شد این بحث بسیار اساسی باشکلی، وسیعتر، در آینده نزدیک منتشر شود.

در این بحث همچنین نقش بسیار فعال حزب توده ایران در انقلاب پرشکوهِ خلق، ازویایها و تمایزها و روشمندی های حزب ما از لفظهای انقلابیم خود را بیوضوح تمام نشان میدهد.

لازم به تذکر است که پایلهای عینی انقلاب و پیدایش شرایط انقلابی در ایران، موضوع بحث دیگری است و در این قسمت بدان پرداخته نشد، در حالیکه همچنان این پایه های عینی انقلاب، نوشته ها را روشن بوده است.

در این بررسی، عملکرد سازمانها، احزاب و گروهها مورد نظر نبوده اند، و تنها به روند کلی انقلاب و ارتباط آن با رهبری انقلاب پرداخته شده است.

حماسه توده های گمنام

۷۷ شهریور، از پشت میدان راه، زانوی خرابان سال هرزه دستهای که یک دهان شده بود، از خشم و کین می فرید: «بگم مرگ بر شاه، ۱ و تمام شور، از کویچه های کویچه ها، از پاساژ واز خانه ها، کام مرگ، از راننده ها، موتورسوارها، از مغزی که می گریست و سروروش می گزید، از پدی که دیوانه وار پلری میدان راه میزد، همه و همه با یک صدا: مرگ بر شاه، مرگ، مرگ، مرگ، حمله ها، حمله ها، دهان پندمان نکل میشد. حمله شتابانی سوزانی که در میدان راه و سنگر شایا رویداد و گل کرداد. حمله ها، مرجعته ایرو و استواری خلق میشد.

شست شده بود. لیش یکی از کویچه های حوالی شیخان صفا نخست. جوانکی حماسه ای را برای رفتن بازگو میکرد:

... توده های روزی درین ۲
... ۵۴
... لوی میدان راه بود. پهلویان خنده، همدسته، وقتی گلوه خورد و انگ روزی دست کرد زل زل پهلوانی، یک دسته توده مال حزب کودتو برت کرد هوا، سر را جلاشو با گلوه پستی.

سر را بالا گرفت. گلم: کیا؟
میخواستن دوباره بکود. گلم:
... لوی میدان راه
... گلم: خدوت دوی ۲
... گلم: تراخت شد. گلم: حالا وقت دروغ گشته ۲ با دوتا چشمای خودم دیدم.

از جایی پنداشد و با گردن برافتنه طرف میدان راه دویید. گلم: دویید، زلی یک شماره لویه خون آلود را چپرا میگرد و روی سینه اش می گذاشت. رویش با حرف درشت نوشته بود:

حمله انقلاب و قیام خلق!

قوه قضاییه و کمیته رژیم استبدادی در جهت محدود کردن حوزه بیض اختیار این گروه اشخاص میگفتند.

همه این اشخاص، در ناراضی کوهها پشتراه دارد. در روزهای تابستان ۵۶ اعتراضات کارگری، کارکنی و نظامیان وسیع مانع جریان کشور را گرفته است.

طیروزه خبر از ۵۶ انصاف کارگری و کارکنی و دعوا انصاف دانشجویی میبندد. دعوا هزار نفر از زندگانشان خارج محدود، با چنگ و دندان با رژیم تیکار شاه مخلوع می زدند. روشنگری که در خارج از کشور پس میبرد، سلفی خود را با صدای ناراضیان داخل کشور پیوند میدهد و نامه های انتشارات رژیم در دستگیریهایی و کمیته های کارگری و نظامیان دانشجویان حمله میبرد و برخی از مترجمین را دستگیر میکند. اما زلزله عینی که امسال جامعه را در لرزانه اولین اشکال ما را در سینه استبداد سراندارد و هویدا نخست وزیر ۱۳ ساله رژیم وسیع توده های و وابسته بیوزگرات برکنار میبندد و جبهه آموزگار جای او را میگیرد.

آنزل نخست زبیری آموزگار، سازش خیمه شب بازی فضای باز سیاسی در ایران است. آموزگار از قول شاه املا می کند که چون ایران بیچاره نیست که میباید به مردم آزادیبندد، فضای سیاسی باز خواهد شد.

فضای باز سیاسی از طرف امکناس حقوق بشر کارگری در ایران و از طرف دیگر قریب انقلاب حجت حاکمه برای سوار انقلاب است. آرایش نیروها در جهان پیوند آمیخته ایست و آرایش پیوند آمیخته ایست و آرایش پیوند آمیخته ایست.

جای خود را به نامه های انتشارات و انتشاراتی گروه داد ۴۶ تن از قضات و کلاهی دادگستری ملی نامه سر کشامی حسن اشرفی پهلوی دستگیر میبندد و دستگیر می کند که برخلاف اصل مریض قانون اساسی، قوه قضاییه را به زیر یوغ قوه جبریه سر کشید. انتشارات اعتبار داریه قوه قضاییه را خواستار شده. پهلوی نامه پلانسه از شرق و کلاهی زندان با سب کالیبه نامه شد.

در همین روزها به سر کشامی از سوی قانون نویسندگان ایران، پهلوی به جل نژاد سر کشامی ترین توده های و نظامیان و مترجمان کشور، خطاب به هویدا منتشر شد. خواستهای روشنگران و ناراضیان در این نامه ها، میزان صورت زبیرین جبهه های کرد.

آزادی اجتماعات و مطبوعات،

خوبه تهریه بزرگترین گروه مغرب حزب توده ایران، سرنگله شماره هفتاد و دو در دهان سال ۵۶، نامه های اعتراضی و خواستهای ملی، حقوقی، داد ماین این عنوان را برای این گام از انقلاب بر سر کشید.

دعایان دوره که از آغاز تابستان سال ۵۶ آغاز شد، روشنگران و ناراضیان دولتهای سر کشامی خطاب به شاه مخلوع و هویدا، بخشی از مطالب ملی و دست را که بر مردم میبفت. افشا کردند دعایان نامه آزادیبندی قوی و جسی طلب میشد و اجای قانون اساسی و بازگشت مشروطه درخواست میگردید.

مردم این نامه را راست میبندست میگرداند و آرام آرام به استبداد سلطانی شاه مخلوع میگفتند. اعتراض نامه های قوی سرعت

گامه اول انقلاب

نامه های اعتراضی و خواسته های ملی - تابستان تا دیماه ۱۳۵۶

تابستان ۱۳۵۶، در شرایطی که روشنگری رژیم آریاسری در میدان و «صدای بزرگ» شاهانه از جمله گرفتار رسدانی برق بود، جامعه ایران، غرض خویش آغاز کرد.

لور سانسور و همیه حقوقی جامعه و سیاسی ملت بیرونگامه های خیری دولت، از جمله رایسو تلوویزیون:

... اشکال جلیسین و مدارک ایجاد انتخابات آزاد و قانونی و انصراف از حزب واحد،

... تأمین استقلال قوه قضاییه بر اساس موازین قانون اساسی.

... آزادی زندانیان و تجدیدای سیاسی و آماده حیثیت آزادی.

این خواستها در فضای سیاسی هر روز بر دامنه اشخاص را افزوده میشود.

و چون در سوچن نامه کانون نویسندگان، یا اشای بیشتر از صد نفر انتشار پیدا میکند، ۴۵ نفر از قضات دادگستری، طی نامه سر کشامی به پهلوی املا می کنند، به پایمال شدن استقلال

گام به گام با انقلاب ایران

پایه از جنبه قبل
نیروی که در پی راه حقوق بشر است
خوب بکنند، تا شاید بتوانند بکنند
پیش روی باز شدن فضای
سیاسی، دولت جدید با حسن
برنامه‌های قبلی بگذارند
میدان‌های گوناگون و حکومت‌ها
به وضعیت‌های شکل‌گرفته
دارد. در این میان نیروی
انقلابی‌گروهای چهارم می-
خیزد از زلف‌های که ایران را از
پنجاه سالگی می‌دهد. به راه خود
می‌رود.

سرمه فرا میرسد. ایران
بعد از سال‌های طولانی شاهد
اولین مجمع راستین بوده‌است.
کانون نویسندگان ایران، با
رجحی به آیین، از فرستاد
می‌رود و با استفاده از اندک
تعمیراتی رژیم و فضای سیاسی
گذرد. شب‌های کانون نویسندگان
در بارگاه بزرگ ایران و آلمان
فدرال برگزار می‌کنند.

پایه مردم به این اجتماع
شکست‌ناپذیر است. از جانب
اول، با اینکه باغ در محاسن
سازگار و شیرین است، درها
جزای نمی‌گردد هم می‌باید
مستشاران علیه سانسور است و
فضای بازتری را طلب می‌کند. مردم
در غیوب فریاد خود، سازمان و
مستشاران را تقویت می‌کنند.
هر شب در تمام جشن‌های آزادی
می‌شود شب سوم، خیابان‌های
مراکز را مردم پر کرده‌اند. صد
صفت سخنان و اشعار را ضبط
می‌کنند. مردم جیت حسرت و
خواست خود را روشن می‌کنند.
دهد که غایب مرفی شمس
عاشق‌های می‌نویسد و می‌خواند
انسانی مصمم به ترک باغ می-
گیرد و شاعر را می‌بکشد
هر شب آهنگ سخنان و



موجی از درهای خلق، اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی
از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰هـ)؛ در اولم فزل طاغوت

شعرها، طعنه‌های مسموم قلبی
تند و تند می‌شود. شب‌های آخر
پایان ندهی می‌یابد، اما آشوب
آورد، آبروی می‌شود. شب‌های
و سخنان پادشاه تمام می‌شود.
پادشاه می‌باید همه‌جا
استیفاست.

تورم می‌روند. شب‌های
شماران و نویسندگان ایران، که
به هفت کانون نویسندگان بر-
گزار شد، از صورت باغ فرسوده
اینی و رفتی به یک تظاهرات سیاسی
و تاریخی پل شد. شب‌های
شهر، جلوه‌های اثر شکوه آگاه
بود، از جلوه‌های صرف نظر از
مفروضه تظاهرات، گریه‌ها و
سلیقه و تنه‌های سخنان،
تلاش برای سرخوردن آن نیز
شکوه می‌تواند شکل بگیرد.
این تصویر باقی‌مانده می‌ماند

که حزب تازه ایران در شعار
روز خود، روحیه باغ نیروی
فردی و دیکتاتور است. مطرح کرده
است. (شماره ۹، آبان ۵۶)
در روزهای پایانی مهر و آبان
آبان، مظاهرات با شرف می-
مبارازت زمین‌کنندگان خارج،
می‌شود و در روز سه‌شنبه و در چند
نقطه به جنگ تن به تن می-
گردند. مظاهرات با شرف می-
است. مظاهرات دانشجویی، که
از آغاز سال تحصیلی آغاز شده،
در آبان ۵۶، روز ۳۳ مرد
سازگار و دانشکده‌های مختلف می-
کنند و کشته‌های دانشکده‌ها
می‌شود و در آن می‌کنند. در
انسانی به این روزها دانشمندان
دست مظاهرات می‌نویسند. آن-
های چندی که اندک تکلیف،
باقی‌مانده می‌شود و در آن می-
پایه این روزها انسانی می‌کنند.

تظاهرات و اعتراضات و امثال
تظاهرات کارگری تباران زین-
پایه رژیم را می‌راند. کارگران
بازار ۲۵ شهریور، کارخانه
پنجاه خاور، کشتی چشم، جیت
چایان، ایران قان، ایرنا و
گروه منشی قلمی در حال
انضباط می‌شود. شاه خاق
به دست پرسی ارباب رفته‌است.
توزیع به ۱۰ هزار دانشجو ایرانی
تظاهرات گسترده ایران-
های مرکز و شمال، از جمله بزرگ
استیفا می‌کنند. در این سلسله
شاه خاق آناه حمایت‌های بی‌سابقه
را به تخت خود آوردند که
بزرگ روز بروز متزلزل می‌شود. نظام
می‌کند.

در این روزها رژیم سیاست
تند و تند می‌شود. شب‌های آخر
پایان ندهی می‌یابد، اما آشوب
آورد، آبروی می‌شود. شب‌های
و سخنان پادشاه تمام می‌شود.
پادشاه می‌باید همه‌جا
استیفاست.

عورت روشن‌بینی‌آمیزی
و تفریح و اشغال هستی
فریادی مبارزان و شورانگیزان
جبهه ضد دیکتاتوری درخشان
و نورانی است ...
(شماره ۱۷، آذر ۵۶)
در همین روزها رژیم دست
به عقب نشینی تازه‌ای زد و اعلام
شد که شرکت کنندگان در
تظاهرات خیابانی در دادگستری
مهاکمه می‌شود.

موجی از درهای خلق، اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی
از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰هـ)؛ در اولم فزل طاغوت

عورت روشن‌بینی‌آمیزی
و تفریح و اشغال هستی
فریادی مبارزان و شورانگیزان
جبهه ضد دیکتاتوری درخشان
و نورانی است ...
(شماره ۱۷، آذر ۵۶)
در همین روزها رژیم دست
به عقب نشینی تازه‌ای زد و اعلام
شد که شرکت کنندگان در
تظاهرات خیابانی در دادگستری
مهاکمه می‌شود.

گامه دوم انقلاب

شورش‌های پراکنده
خیابانی و جنگ
و گریز با رژیم -
۱۶ آذر ۱۳۵۶
تا عید فطر ۱۳۵۷

هر گام که رژیم می‌بکشد
تورم چند گام به جلو می‌آید.
چیزی نرود و در مرحله
شورش‌های تازه‌ای برای مردم-
جیت و آبرو با ضایعات بگذار
می‌رود.

جیت از روز شام به آخر
بام، تورم جنگ و گریز
خیابانی را با رژیم آغاز کرده‌اند
ملو تکلیف که این تیریه به
زبان می‌کشند مبارز انقلابی
شد، در حالیکه شیوه قبلی
نوشته‌های انسانی و بر-
پایه جلدات سخنانی به قوت
خود باقی بود. این شیوه چون
مرحله تاریخی از مبارزه بود.
از تیریه برپایان تیریه تکیه
بشد، شیوه قبلی را به
روشن‌تران نیروی انسانی آن
پروند، قاطعانه عقب راند و با
سرخ‌شکست سازمان ایران را
دور گرفت. این تاکتیک، که
تا روزهای بیرونی انقلاب در کار
تا یک‌جای دیگر به حیات خود
ایمان داد و نقش پیوسته در
دورم‌دهی کردن به ایران خورید.
بیابه به زبان خلق‌های غرب و
نظام، در لحظه دست‌های

تظاهرات در زون‌های پراکنده
پارچه‌های شاه شروع ایجاد معان
روز:

روزنامه فرمایشی ملامت‌ها
اشاره سواک طی خانه
مجلسی از گوشه‌های استادی
علیه ابراهیم گشت و در
پایه‌های خود، مرجع مبارز
خیابانی تهران شیوه عمده مبارزه
بکار گرفته شد. تیریه نوشت
در تهران در خیابان‌های
سیروس و گلرود چهار
مرد سرخ‌پوش، در جلوی
مسجد شاه و خیابان‌های
و چاده، دست‌های لیرک
تظاهر کنندگان با شعار
هالی علیه رژیم خودکام
و چهار شاه و برای آزادی
زندانیان سیاسی به راه
آگاهانه و مردمی تیریه
تظاهر کنندگان پیوسته.
(شماره ۱۶ - ۱۷ بهمن ۵۶)
نظیر این تظاهرات در سایر
زبان شورش، در طول دوپسبان
شد. همه جا اوباشان
تاز با شروع به مردم حمله کردند
و جنگ‌های خیابانی در گرفت.

تظاهرات در زون‌های پراکنده
پارچه‌های شاه شروع ایجاد معان
روز:

روزنامه فرمایشی ملامت‌ها
اشاره سواک طی خانه
مجلسی از گوشه‌های استادی
علیه ابراهیم گشت و در
پایه‌های خود، مرجع مبارز
خیابانی تهران شیوه عمده مبارزه
بکار گرفته شد. تیریه نوشت
در تهران در خیابان‌های
سیروس و گلرود چهار
مرد سرخ‌پوش، در جلوی
مسجد شاه و خیابان‌های
و چاده، دست‌های لیرک
تظاهر کنندگان با شعار
هالی علیه رژیم خودکام
و چهار شاه و برای آزادی
زندانیان سیاسی به راه
آگاهانه و مردمی تیریه
تظاهر کنندگان پیوسته.
(شماره ۱۶ - ۱۷ بهمن ۵۶)
نظیر این تظاهرات در سایر
زبان شورش، در طول دوپسبان
شد. همه جا اوباشان
تاز با شروع به مردم حمله کردند
و جنگ‌های خیابانی در گرفت.

تظاهرات در زون‌های پراکنده
پارچه‌های شاه شروع ایجاد معان
روز:

روزنامه فرمایشی ملامت‌ها
اشاره سواک طی خانه
مجلسی از گوشه‌های استادی
علیه ابراهیم گشت و در
پایه‌های خود، مرجع مبارز
خیابانی تهران شیوه عمده مبارزه
بکار گرفته شد. تیریه نوشت
در تهران در خیابان‌های
سیروس و گلرود چهار
مرد سرخ‌پوش، در جلوی
مسجد شاه و خیابان‌های
و چاده، دست‌های لیرک
تظاهر کنندگان با شعار
هالی علیه رژیم خودکام
و چهار شاه و برای آزادی
زندانیان سیاسی به راه
آگاهانه و مردمی تیریه
تظاهر کنندگان پیوسته.
(شماره ۱۶ - ۱۷ بهمن ۵۶)
نظیر این تظاهرات در سایر
زبان شورش، در طول دوپسبان
شد. همه جا اوباشان
تاز با شروع به مردم حمله کردند
و جنگ‌های خیابانی در گرفت.

روزنامه فرمایشی ملامت‌ها
اشاره سواک طی خانه
مجلسی از گوشه‌های استادی
علیه ابراهیم گشت و در
پایه‌های خود، مرجع مبارز
خیابانی تهران شیوه عمده مبارزه
بکار گرفته شد. تیریه نوشت
در تهران در خیابان‌های
سیروس و گلرود چهار
مرد سرخ‌پوش، در جلوی
مسجد شاه و خیابان‌های
و چاده، دست‌های لیرک
تظاهر کنندگان با شعار
هالی علیه رژیم خودکام
و چهار شاه و برای آزادی
زندانیان سیاسی به راه
آگاهانه و مردمی تیریه
تظاهر کنندگان پیوسته.
(شماره ۱۶ - ۱۷ بهمن ۵۶)
نظیر این تظاهرات در سایر
زبان شورش، در طول دوپسبان
شد. همه جا اوباشان
تاز با شروع به مردم حمله کردند
و جنگ‌های خیابانی در گرفت.

تمام جنبه‌ی که در تیریه پس
سیر، در اعلامیه مشترک با
آستانه خورید. این کشتار را محکوم
کردیم. مدت یک هفته حوزت‌های
نیف و نماز چسبندگی و تازی و
صدوری تسلیم اعلام شد.
تمام جنبه‌ی در اعلامیه خود،
که در شماره ۱۷ خورید چاپ شد،
شان داد که چگونه با توده‌ها
وارد وسایل آبرو، سدی اعلام
است. تمام اعلامیه خود به مردم
روید بیروزی داد.

همه به ملت ایران با این
پایداری و شجاری و با این
روحیه نری و شجاعت می‌ماندند
نور بیروزی می‌دید، بیروزی
توا با پاسداران و افتخار -
بیروزی توأم با استقلال و
آزادی
تمام در این اعلامیه مردم
راه و دست‌های کله و دست‌کرا
همه با کمال تواضع دست
خود را بسوی ملت ایوب
ایران دراز می‌کنیم. از وسایلی
عظیم‌النسب تقاضای می‌کنیم.
از جوانان محترم حوزه‌های
علمیه دانشگاه‌های دانشگاه‌ها
از کارکنان محترم کارگران
و دهقانان و پیمانکاران و کلیات
محترم داخل و خارج کشور
از همه صمیمانه و با عرضی
تضرع خواستاریم که پیوستگی
و وحدت کلمه‌ای خود را حفظ
و از ملامت‌های تفرقه‌انداز
محرمانه بپایند و با هم
و با هم همکاری در راه استقلال
کشور و رفع ایدئولوژی اجانب و
عمل و راست آبرو گسترش
کنند.

سنت مذهبی، تاکتیک انقلابی

مردم دلار ایران مستعدتر
مجموعی، یعنی برگرایی چهل
مردم به یک تاکتیک انقلابی تبدیل
کردند و از آن برای بیرون زدن
نظامات انقلاب به یکدیگر سود
بردارند.
اولین چنگ در بهمن ۲۹
شده بود. ۲۹ بهمن ماه ۵۶
چند شهر از جمله تبریز، در
چهارمین روز قتل عام هم به
خیابان‌ها آمده و دست‌های
رود که آذربایجان از سواک
برای سیدهای و با انسانی به
شماره‌ها و استیفاست. حاکم
برای آن بود، چندی از سبب
های آذربایجان و نماینده‌های
چند روز قبل، ۲۹ بهمن را روز
مردم می‌نامند. مردم تبریز
و در روز ۳۰ بهمن در تبریز
و سبب در استان ایران منتشر شد،
نویست:

سنت بستن بازار

در این حال که سنت مبارزان
بستن بازار با درگیری تهران شورش‌های
انسانی بکار گرفته شد و بازار
تهران برای اولین بار در تهران
انسانی خیابان‌های نام‌دار و در
زبان برای اولین بار به صورت
کثرت به جمع پیوسته. بعد از
نماز صلاه تظاهرات آغاز شد و
گزارش‌های شاه مملوع مردم را به
مسائل بسته. کشتار شبانه
مردم راست نکرد. از سبب
فرا باز تظاهرات آغاز شد و
تم ایستادگی، در شهر عملاً
حکومت نظامی نبود. اما مردم به
بهره آناه دادند. سه روز تمام
مردم در قم زخمی و رژیم کشتار
کرد.

کشتار خونین قم انقلاب را از
نظر گیتی چند گام به جلو برد.
تورم با تیریه جیتی خود، بار
زبان در دست رژیم را با گوشه
رخون شمشیر می‌چیدند.
«تیریه در زون‌های پراکنده و
همه ما در برابر تاریخ و
چین خود مسئولیم. به این
مسئولیت کنیا با گوشه در
شکایتی، قاتل‌های مردمی را
و مسائل انقلابی‌های مردم
استیفاست. سیزده روز تمام
زیر نظر و تفرقه‌انداز از عناصر
چینی، می‌توانیم پاسخ‌دهیم.
قانونی که در دست‌های جیتی
توانا تولید می‌شود، خون‌ها فراوانی
کشتار، با یکدیگر روایت می‌ماند
یشتی از زمین مارا روایت
خواهد کرد»
(شماره ۱۵)
کشتار قم مردم دلار ایران
بلافاصله شام دادند. مردم روز

کارنامه انقلاب



اول محرم شب کشتار بزرگ، شب حماسه بزرگ، روزهای خون، خون و غرورش، نبود پاسداری خالص

پایه از صحنه قبل
گولهای حکومتی دهانچند
روی زمین افتاده املاک پستی
از کف مردم از برای جوتند.
شای مسلح و شمشیر و
سلسله‌ها گریختند. با
چوبیستی و ممت به لاکتبا
نقشه لیدر دست بود
نقشه گولشت و انتقوان یا
آهن و باروت با خون ها
گل کرده و کفیلطری
مراشانداد و شاق خروشان
پشمهای آکین باسنگال
فره مروت:

آزادی یا مرگ (نویسنده: بابا)
داغ جوم و مقاومت ،
حلی گولشتی نفاش و جویایان
شکارت و سب افکن ها برای
مروب کردن مرد مرفراز سر
به پرواز درآمدند.

ماتوس مرد تیرن نفاش از
شب ایام یافت. سحرگاه روز
یمنه آنچه باقی مانده بود چند
دوما شید عزیز برهمنای خلق
بود و خشمی که درینجا با برای
آدمه برد میجوید. داینروز
حماسه آفرین ۵۰۰ نفرشید و
ترویک به ۱۰ هزار نفر مروج
شدند.

شهرهای دیگر ایران همساکت
بودند. درین روز درموشیراز،
کرمان، مشهد، اهواز و کازرون هم
مردم صفت به تظاهرات زنده و
زنده میوزخورد پریاچند.
از همان شب بلندگوهای رژیم
بکار افتادند و دشنامهای خفیه
را تاز با جوب توهان ایران کردند.
رژیم و کجالت اعلام کرد که حوادث
تیرن را کسی از آسویز
آدمه اندا بوجو آوردند.

آسویز دیگر رژیم در لاق
تصدی، از جمله تهران، تبریز ،
شیراز و قم چندی خاله به خانه
و باز میباران را آغاز کرد .
مستشارهای خان دیال ماسلیو
محرکانه حادگی تکیه آ
درین روزها کارکنان دستر
کارگران تظاهرات ، که صفت
انصاب زده بودند با مقاومت
ملاولان رژیم را رادار و مفسرین
کردند و رژیم همدم کرده خواستهای
آنها را اجرا کنند .

تیمه اول اسفندماه ۱۳۵۶
در غیر تظاهرات دانشجویان و
انصابهای کارگران انقلابی
از جمله ۱۰۰۰ کارگر معدن زرب
و کارکنان شرکت ملی نفت در
پندر شاهور سابق طی شد .
شاه مخلوع روز نیم اسفند
دوستانهای خود در کتک زدن
خشم و هراس خود را از جنبش
وسیع کوهای نشان داد. او بعد از
آنکه مردم کمان تبریز و دیگر
شهرها را تکیه و مغانه خواند.

سازمان سیاسی خواستار
تجدید نظر در احکام طالبان
پهلوانگامی نظامی، پیروانهای
سپار بد زندان آزادی ملاکت
یا اقامت آشتیانی ، کرکدننداد
نیروهای زندانیان و آزادی اسفند
از رادار بودند. زندانیان آشتیاند

دربانان یازده گویایان
لحنی سخت صبرایی خود را به
دماهی که نور شفاخانه رسد را
به شکر که موم میکند، تشبیه
کرد .
فرهای آرزو در پاسخ شادمان
شمار بر دیوارها دیده میشد:
... به افشای تروخه عمو
کنند
مویزه نوشت: خلق ستگمای
دشمنی بر داشتند. پیکار ماسلیو
کنند

(شماره ۷۱ - ۷۰ اسفند)
ایمه دوم اسفند شاه انصاب
کارگران چهار کارخانه بزرگ و
ناب انجمنی ۹۰ نفر را پیوسته کاران
غیرکاران، کارگران و مترجمان
مطابقت خطاب به آوزگار بود.
روزنامه نویسان دبای نامه به
حیدر اشتهار و ماسلیو تحصیل شده
از طرف رژیم بر مطابقت کشور
آمناس کرده، خواستار رفتن
سدهای سانسور شده بودند. این
نامه در نشانی اشتاق مطبوع
تیرورین داشت و نشان داد که
اکثریت روزنامه نویسان ، که
بنظر می رسید مباح روز هستند،
خواهان کسستن زندی سانسورند.

در همین روزها انصاب کارکنان
دانشجویی چندی هم در اهواز و
در خلیج که شاه مخلوع به حکام
انجمن کارگران و لایسکاه آلمان
در روز ۱۷ اسفند اعلام سر کرد:
آزادیهای فریاد را روز بروز
بیشتر به مرد میزدید، کارهای
رژیم در کجوه و کجایان به سرورج
زبا آسید میباشند و در بلند
کوهای تپانای خود آن را کار
غیرکاران اعلام می کردند.

زنان بهین ترکیه تا مایل
دانشجویی ارتش رفتند. بزخمیانشاه
به آنها پوشش برده، زبانی آکنده
شدند و باز کرده آکنده و در سیر
خیابان صریحی (گورشی سابق)
به حرکت درآمدند. وقتی به
سینا پاشیک رسیدند، اکثریت
مردی که آنها را همراهی میکردند،
راه پنهان شد. در همین موقع
دخترهای شاه باز سرسیدند و با
دو تیرن تیرین شاه به مشروب کرد
آنها پریاچند. زنان از خود دفاع
کردند. یکرا از آنها با لایسکاه
رفت و پنهان شدند به اشتاق
پریاچند و اعلام کرد که انصاب
فدای چند روزی ۱۷ نفر با
مرگ انداخته است .
این تظاهرات شور انگیز
روزهای دوم و سوم و چهارم
فروردین هم تکرار شده این بار
زنان به دادگشتری برتنه و جنگلیکه
شدند و آنها پذیرفته شد. دست
از تظاهرات بر داشتند.

دست دومین روزها خانگیان
در فرامه شام نوروزی ۱۰۰ هزار
تومان میخوردند و تریاک و فهای
باز سیاسی ، شاه مخلوع وارد
مرحله تازه ای شدند .
رستاخیز به در جلال تقسیم شد .
دربار دیناچ، خوشگامساری
و میمالی میزدید، روزگاران
آمریکا بودند، جناح سازنده و
رعبی آنها روشنگر آساری
بیمه داشت. مامور دامن و ده
آزادی بود و جناح پخرو ماموریت
تجدید مردم را داشت. در نوروز

سال با اعتصاب زندانیان سیاسی تحویل شد

سال سرخوش ساز ۱۳۵۷
وقتی تحویل شد که صد زندانیان
سیاسی در زندان قفس از بند زده
بیض صفت به انصاب فدا زده
بودند .
زندانهای سیاسی خواستار
تجدید نظر در احکام طالبان
پهلوانگامی نظامی، پیروانهای
سپار بد زندان آزادی ملاکت
یا اقامت آشتیانی ، کرکدننداد
نیروهای زندانیان و آزادی اسفند
از رادار بودند. زندانیان آشتیاند

از راه نصابهای اسبل سلکت
ایمانه جلوبان، پارلمان و انجمن
های ملی و غیره میباشند .
(کیهان - فروردین ۵۷)
در همین روزها اعلام شد که
۱۱۰ زندانی کشتار تبریز آزاد
شدند و ساجه ۱۶ دانشجوی
و دانش آموز با تمام تظاهرات و
امثال نظم در ساری آغاز شده
است. این اولین بار بود که رژیم
غیرموقر شده که جرم تظاهرات
را در ملاکامی نظامی انصاف
تعیین میکرد. در متن عقابش
شود و ساجه تظاهر کنندگان را
به دادگشتری سوره بود .
اطلاع از سنجمان ۴۶ و کتیل در
دادگاه پنجشنبه سکه رژیم تبدیل
دادگشتری شد که کردند . جلسه
شد و شیان تیره شدند .
روز ۹ فروردین روز چهارم
غیرگزاری پارس، که دستهای
پنداریان محرم آرا میگرداند،
جریان این طغیان خلقی را روز
۱۴ فروردین چنین گزارش داد:
«تحرکات حماسی میباشند
از جانب جوانی که بیشتر و
تالی ایران را نمی بینند و دشمنان
ترقی و محالی بین، شنه شب
و با انداد دینوز ایام داشتند .
رژیم از زبان «جناح پشرو»
مقابل سرسختانه با تظاهر -
مردم را تجدید کرد
کنندگان صورت میگردید
جبهی اسلام کرد. اولین
کیتهای اقدام چنانچه ضروری باید
طرف چند روز آینده تشکیل
شود»

در اسفند مردم به انجمن
تبریزی جمله کردند. در مایل
فریاد سرگ بر شاه سدها
نقدهای سر را به لرزه درآورد.
در تهران علاوه بر تحصیلات
انجمنی خیابان ، پتخاز چهل
هزار نفر در مراسم عزاداری
بازار که در محاصره کاسل
انواع نظامی و سرزده داران و
سلسله پستها بر گزار شده کرد
آمدند. در کاشان هزاران کارگر
کارخانه های ریستنگی و با تکه کرد
مخل ایروم کشتان کارخانه ها
را تسلیل کرده و به مغرورانه

از راه نصابهای اسبل سلکت
ایمانه جلوبان، پارلمان و انجمن
های ملی و غیره میباشند .
(کیهان - فروردین ۵۷)
در همین روزها اعلام شد که
۱۱۰ زندانی کشتار تبریز آزاد
شدند و ساجه ۱۶ دانشجوی
و دانش آموز با تمام تظاهرات و
امثال نظم در ساری آغاز شده
است. این اولین بار بود که رژیم
غیرموقر شده که جرم تظاهرات
را در ملاکامی نظامی انصاف
تعیین میکرد. در متن عقابش
شود و ساجه تظاهر کنندگان را
به دادگشتری سوره بود .
اطلاع از سنجمان ۴۶ و کتیل در
دادگاه پنجشنبه سکه رژیم تبدیل
دادگشتری شد که کردند . جلسه
شد و شیان تیره شدند .
روز ۹ فروردین روز چهارم
غیرگزاری پارس، که دستهای
پنداریان محرم آرا میگرداند،
جریان این طغیان خلقی را روز
۱۴ فروردین چنین گزارش داد:
«تحرکات حماسی میباشند
از جانب جوانی که بیشتر و
تالی ایران را نمی بینند و دشمنان
ترقی و محالی بین، شنه شب
و با انداد دینوز ایام داشتند .
رژیم از زبان «جناح پشرو»
مقابل سرسختانه با تظاهر -
مردم را تجدید کرد
کنندگان صورت میگردید
جبهی اسلام کرد. اولین
کیتهای اقدام چنانچه ضروری باید
طرف چند روز آینده تشکیل
شود»

این کیتهای اقدام با تجدید
تحرکات آسکنس سارک بود.
روز ۱۶ فروردین ، در ساجه
روز ۲۶ از انصاب فدای زندانیان
سیاسی قسر و زندانیان آوین ، که
به آنها پیوسته بودند، کشتند. در
پراپرانتکتهای تهران و کجالت نخست
وزری تظاهرات وسیع خواواندهای
زندانیان سیاسی بر داشتند. ماموران
رژیم به آنها حمله کردند. چند نفر
شدند زخمی و عدهای دستگیر
شدند . مویزه از سر مردم یاری
خواست .
این روزهای استعجابی که

هر دست و هر مدالی در آن
شیراز کشی سزا و لنگر پشنداشت
باشد . شتاب گویا ا جان ترویز
قرین دایران و کوشندگان راه
خلق در خطر است... (شماره
۳۳ - ۱۷ فروردین ۵۷)
انصاب زندانیان سیاسی ،
در ساجه ، کیتبه مباح از حقوق
زندانیان سیاسی ایران، تشکیل
خود را اعلام کرده بود ، تبریز
شد .

روز ۱۷ فروردین ، آوزگار
و دهانش به تبریز رفتند تا
به یک انجمن فداکاری و تاریخ
تبریز را تشکیل کنند .
در همین روزها و اولین
کیتبه اقدام در انجمن تشکیل
شد و خلیجی ژنده خارج اعلام
کرد : «تظاهرات مسالمت آمیز در
ایران آزاد است»

تظاهرات پراکنده در سراسر
ایران ایام داشت . دگیان از
تظاهرات در تهران ، حسین آباد
و یونس آباد اسفهان ، ارومجان
و شیر جز ، ساری و همدان
غیر داد . غیرگزاری پارس
قضای سیاسی کشور را با کدالت
سواکی چنین تصویر کرد :
«فدائیات غرابکارانه شدن
عوامل فریب خورده و دشمن
بیشتر و آبداسی کشود همچنان
ایام دارد و هر روز در هر جبهه
با تحرکات و تلاش مدیوحانه
میگردد خواب و آسایش را
بر مردم بیگانه بر جا حرام سازند
و غرض راحت و زندگی را به
آنان تک کنند . (کیهان ، ۱۶
فروردین ۵۷)

روز پند ، جناح سازنده
اعلام کرد که حرکت سوسه آزادیها
بیشتر و معینتر لازم است . در
محل خیریت تنها جناح پاشخ
حق را جسد . عده مدیوحی
در روزهای اخیر از شهری به
قصر دیگر رفتند و در سیر خود
غرابکاری و آتش سوزی برآه
انداختند . (کیهان ، ۱۷ فروردین
۵۷)

در همین روز ، تیروری
پارچه ، پنی شیه سواک ،
بچه در صحنه پند

این کیتهای اقدام با تجدید
تحرکات آسکنس سارک بود.
روز ۱۶ فروردین ، در ساجه
روز ۲۶ از انصاب فدای زندانیان
سیاسی قسر و زندانیان آوین ، که
به آنها پیوسته بودند، کشتند. در
پراپرانتکتهای تهران و کجالت نخست
وزری تظاهرات وسیع خواواندهای
زندانیان سیاسی بر داشتند. ماموران
رژیم به آنها حمله کردند. چند نفر
شدند زخمی و عدهای دستگیر
شدند . مویزه از سر مردم یاری
خواست .
این روزهای استعجابی که

این کیتهای اقدام با تجدید
تحرکات آسکنس سارک بود.
روز ۱۶ فروردین ، در ساجه
روز ۲۶ از انصاب فدای زندانیان
سیاسی قسر و زندانیان آوین ، که
به آنها پیوسته بودند، کشتند. در
پراپرانتکتهای تهران و کجالت نخست
وزری تظاهرات وسیع خواواندهای
زندانیان سیاسی بر داشتند. ماموران
رژیم به آنها حمله کردند. چند نفر
شدند زخمی و عدهای دستگیر
شدند . مویزه از سر مردم یاری
خواست .
این روزهای استعجابی که

این یکی را تسلیم کردند. او را می تواند فاتح شده اند! خلق تسلیم است؟ نه. نه. نه. ۱۷ دی ماه ۱۳۵۷. آغاز کشتار دولت نظامی.

پنج از منتهی قیل
خواستار میازوز یا آشوبگران
شدند، در حالیکه تظاهرات دربار
کرمان، سرویس و شهربانی ادامه
داشت.

تظاهرات و جنک و گریز شبانه، کمیته های انتقام و اقدام ساواک

از روز بیست فروردین تظاهرات شبانه و جنگ و گریز گریه های چندفری را رژیم دوسراسر کشور پیروز شده مبارز شد، آشوب دیگری رژیم با دستگیری تظاهرات کنندگان توسط افراد نیروی پاسداری و منبر کردن خانه روشنفکران مخالفت به سبب بزرگداشت.

کشتن آزادیهای قانونی فرود کبیه (کیهان) ۱۷ اردیبهشت ۵۷ روز بعد در خانه دو مخالف دیوگر سپ منظر شد و تهران شاهد تظاهرات دانشجویان ملو سنت بود که خواستار خروج کارد بودند. در همین روز در خوی، تبریز، مشهد، اهواز ۷ نفر دستگیر شدند.

روز ۱۲ فروردین، کاپور و وزیر دادگستری در مجلس به سوال درباره سپاه پاسداری پاسخ داد.

روزهای ۱۶ تا ۱۸ اردیبهشت، روزهای اوج تظاهرات دانشجویی در سراسر ایران بود. از جمله در تهران، تبریز، اسفهان تظاهرات به زد و خورد با پلیس میباشند. خرد دانش این موج را چنین تصویر کرد: «موجی از ناآرامی در دانشگاهها، معیشت و راهپیمایی کرده است» (کیهان) ۱۹ فروردین ۵۷

از سوی دیگر، نمایش آزادی رژیم و فسادها شد. اسفندی که پیش میخواند، برآمدی گفت: «مردمان بیدار شده اند، بیداری رسیده است که آزادی بیشتر و پیروزی نهایی فرج خواستار آزادی بیشتر در دانشگاهها شد» و پاسخ این تظاهرات موج تظاهرات دانشجویان بار دیگر

۲ ماه استثنایی

بعد از غرض چند ماهه مردم سراسر ایران، خرداد یک ماه استثنایی بود. در این ماه تظاهرات انبساط نگر و با هر حال که رژیم آرایش نیروهای خود را تغییر میداد، مردم در سکوتی وهم انگیز ادامه انقلاب را عازم میزدند. این حوادث در خرداد ماه قابل ذکر است: ۸ خرداد - استعفا یحیی و اسفندی از مقامهای خبری ۱۰ خرداد - حمله عمال رژیم به خوابگاه دانشگاه تهران، در این

آغاز فروپاشی رژیم پهلوی

تیرماه ۵۷ وقتی آغاز شد که اولین موج انقباضات کارشناسی ایران را فرامیگرفت. کارگران کارخانه برق، کارکنان فولاد، کارکنان برق جنوب، کارکنان حرکت ضاوحی مسکن رام و غرابی، کارکنان کارخانجات صنایع البرز، کارمندان سازمان آبپاشی، در آغاز تیر ماه دست

یافتند. پلیس به هر انقباض و برورش برده اما انقباضها در مجموع بیرون شد. در اسفند انقباضها کارکنان و کارگران که روزگاری منقر خود را طلب میکردند، در متن مبارزه مناسی برای تیر فروردین انقلاب آماده میشدند. روزهای اول تیر ماه مبارزین با ادامه حمله فتنه خیزان و در مجلس فریادها، این حوادث در روز پنجشنبه تیر، آواز گدا کرد، آشوبهای تهران برای همیشه پایان یافت. در همین روز، تاج شاه هم رعد آزادی دار، سوسوکراسی

کارنامه انقلاب رژیم شاه: فعالیت همه مخالفان آزاد میشود به جز حزب توده ایران

انتخابات آینده میتواند شرکت کنند. در حالیکه با این سخنان، حزب رستاخیز، حزب ملو، سازمان جبهه، دانشجویان، سخنوری دولت سیاست ضد بوده و روزها تأکید کرد و بیوانچه پرس گفته دولت در برابر مخالفین خود، به تیر از حزب توده، که اساسا از مسکو چابگذاری میکند، و طبق قانون منحل شده است، انطباق و تیرش دارد.

گفته، بدون به پیشنهادی است. از دستکام شدند. در همین روز مردم شدید مراسم تکریم جنازه روحانکام کالی را به تظاهرات روزانه دولت سرگرم شدند. دانشجویان علیه رژیم تبدیل کردند. در حمله گرازی رژیم به مردم و کشته شد، روحها نفر جبهه شدند. تهران در روزهای ۲۰۱ مردادماه شاهد جنگ و گریزهای پراکنده مردم باعمال رژیم بود. روز ۱۱ مردادماه دکتر علی امینی وارد میدان شد. ماههای فروردین و اردیبهشت اول مردادماه، در حالیکه از نظریه گزاران تظاهرات شرکت های توده ای آزادترین ماههای انقلاب بود، اینان که خطوط کلی آزادگی کردید، دارای اهمیت کیفی فراوان است. در این ماه رژیم، که کوشش با طرح کردن آزادی، انقلاب رها کرد و با تکیه عمل وادعت میگردد، سربلایه و تلافی رفت و استخوان بندی سیاسی و تشکیلاتی آن، و حتی حزب رستاخیز، رژیم وادان شد. کرده بود، از هم فرو پاشید، فروپاشی حزب و رهبری حزب رستاخیز تغییر میکند و حزب رستاخیز منسوخ میگردد. سازمان سیاسی مستقل در کنار گروههای دیگر درآمده است. روز اول مردادماه، گریانه روز اول مردادماه، وزیر جدید بوداری و وزیرش بر نامه خود را دروغ سود ظاهر بین مردم و دولت اعلام کرد. رئیس تازه دانشگاه تبریز گفت: «کار از دانشگاه تبریز شیون میروند» روزهای آخر تیرماه، تظاهرات پراکنده در چند شهر ایران، با توجه به تیرماه، شهرت یافت. «آزادگان سیاسی به اندازه تهران و مشهد، تبریز، قم» که گروههای ایرانی اعلام کرد، «آزادگان و دانشجویان باید مدرسه ها را آزاد بکنند، اجتماعات، بیان و تلم خود را آزاد بکنند»



سور چشمه، اول محرم، ۱۱ آذر ۱۳۵۷. کشتار سرچشمه. ۲۰ شهید در خون خویش غرق میشوند

فعلات سیاسی و جناح میخواست بازی کند، در گزارشش تبار با نایب انقراض قیستیا و توزیع فغانه وادعا واملتتراضی رسما به اعلام کرد. در این اعلامیه حزب اعلام کرد، «در این اعلامیه کانون و کلابها را برای انتصاب جایی انتصاب را گرفت و جمعیت خردسالان فعالیت متشکل خود را آغاز کرد.

روز ۲۱ تیرماه جناح عمده و صاحب قدرت رژیم که ادامه وضع را با سرگرم کردن میبندد، به پیمانان آمد. دولت شدیدا به گروه بررسی مسائل ایران حمله کرد و اعلام داشت: «مالیات خردگان کاهش مییابد» در همین روز، کاروان و کلا بر نامه خود را درباره آزادی اعلام کرد. روز بعد، دکتر مایل، با اعلام دیدن کل حزب رستاخیز، استعفا کرد و درباره علت استعفاش

جناح و حقیقتا کاروبیا، کوی دانشگاه را درهم کوبیدند. ۱۵ خرداد - انقراض خاموش در سراسر ایران، رژیم که از فراز پهن این روز هم میسوزد، قول، همه نیروهای خود را بسی کرده بود. ارتش تهران را محاصره کرد، اعلام شد با تظاهرات کنندگان به شدت عقابله میشود. نمایندگان تالاب استانی در یک اجتماع اعلام داشتند، مقرر شد با باز بکنند، با سرحد و باین باره، انقراض خاموش بود. بازارها در انقباض شمره تعطیل شد و تعداد زیادی از ملازمان تعطیل کردند.

۱۷ خرداد - ارتشبد امیری چای، بعد از ۱۶ سال از ریاست ساواک برکنار و ستر ایران در پاکستان شد. سوید، مقدمتین او شد. ۲۳ خرداد - دولت سربامه قدم به قدم خود را برای دادن آزادیها اعلام کرد. ۲۶ خرداد - ۳ نماینده مجلس از حزب رستاخیز کتار رفتند، سخنوری دولت اعلام کرد: خروج از حزب رستاخیز آزاد است.

سراسر ایران را گرفت. روز بیستم اردیبهشت تظاهرات وسیع در ۲۳ شهر از جمله تبریز، تهران، تبریز، مشهد، اسفهان، کاشان، یزد و شیراز روی داد و مردم به تظاهرات با سازمان رژیم پرداختند. شیوه مبارزه - چنانچه در گروههای کوچک جنگ و گریز بود، در خودخورد و تم در ۱۰ ساعت طول کشید. مردم تم با چوب دستی از خود به دفاع برخاستند و با دوستان جنگیدند. مجلس این تیر ۵۰ تیر و دوما جبهه بود.

روز ۱۰ محرم، اول محرم، ۱۱ آذر ۱۳۵۷. کشتار سرچشمه. ۲۰ شهید در خون خویش غرق میشوند

کارنامه انقلاب

توفان فرامی رسد...

درفش خونین

شاید، یکرار دوره‌های خونین انقلاب است. سرایان روز از خیابانهای شیب به پادگانها باز گشته‌اند. دقایقی نیند به ساتت حکومت نظامی مانده است. لفظان دیگر، سرایان شب با نانکها و سلسله‌ها به خیابانها و کوچه‌ها خواهند ریخت.

ما گروه کوچکی که در حال ساختن سنگر گلدرگامیم. جوان زخمی را میبیم که شمشیرخیز را بر فراز دیوار بلند آورده و بر وجه ساخته است و تنها و غمناک است. پیرانه‌ها حضور ما را حس میکند و با چشمی پر - گرهانده، از گلدرگام میگذرد. ما بیروت مانده‌ایم و تکساش بیکنیم و دانه در انداز تارک و سرد خیابان محو میشود. صدای غوزیوها و فانکهای سنگین، از دور دست شمشیرخیز میرسد. لاشی دیگر، گلدرگامی آتشین در دوران دشمن، باقلبیان گرم و جانباخته شده جوانان شیب سنگار را آغاز خواهند کرد. آیا امروز، آن بهران، تنها و غمناکیم، به گام سنگین رویه پناه خواهد برد، و آیا خون سرخ گام میبازد مستوره، دوباره آن درفش خونین را رنگ خواهد داد.

ما، گروه کوچکی که در حال ساختن سنگر گلدرگامیم، تل خیزم و لاشیکها را در دهانه سنگر به آتش میکشیم و کوزکله‌ها را آماده میکنیم. سرایان با غرض سبب آزارها و گلدرگامها از آسمان خیابان نمایان می - شوند. دیگر بیکار شبانه آغاز شده است.



رزمندگان در سنگر، از زرادخانه خلق سلاح گرفته‌اند: کوزکله مولوتف.



خوش آمدی. خوش آمدی. خلق درهای زندان را گشوده است. اولین گروه زندانیان سیاسی آزاد شده‌اند. این زن یکی از هزاران زندانی سیاسی شاه بود. اکنون آزاد است

پس از سه هفته تزلزل که دنازک نخست وزیر را بیدیدید، اعلام کرد: «بهمن دست یافتن به آزادی می توان بودی شرق و استقلال کرد».

در همین روز انصاف سینماها در شهرستانها آغاز شد و دانشجویان دانشگاه تبریز کلاسها را تهریز کردند و دانشجویان این دانشگاهها مشتاقان شدند.

نمایش آزادی رژیم ادامه داشت. آرایش نسبی این دریاچه آیین گمان را برانگیخته بود که با نمایش آزادی بر انقلاب مبارزه شده است. علاوه بر دیکتاتور، همه عیان رژیم در دستگیران خود فروخته پانگش آزادی میزدند و روز ۱۶ مرداد، این راهبر، سرزمین سابق روزنامه کیهان و دبیران نیز هوشنا گشت: «انتشار روزنامه‌های مخالفان حکومت یکی از راههای آگاه شدن گریاندگان ساختن از نظرهای مخالف است».

احسان نراقی، «توروسین» دیگر رژیم اعلام داشت: «میخواهیم باید جای خوزیا به کلام سریع بماند. همه را برای، انبار غنیمت باقیم دعوت کرد».

روز به سرپور، آموگار در آستانه دومین سال نخست وزیری خود اعلام کرد که از مردم درباره تظاهرات سیاسی نظرخواهی خواهد نمود. تظاهرات و اجتماعات تا ماه آینده بر اساس قانون اساسی ادامه میدهد.

در همین دوره، ۱۳ تن به باغلاخ و دهمریپ بانکهای تهران مرگ به ۳۰۰۰ زندان محکوم شدند. ششاد این ۱۳ نفر این ترتیب بود: ۳۰۰۰ پنا شاکر خواننده، ۳۰۰۰ خلیفه، پنا سیکاروش، ۲۰۰۰ کارمند و ۲۰۰۰ کرک.

روز بعد، نخست وزیر با خواستهای دانشجویان دانشگاه تهریز موافقت کرد و برای اولین بار تکیه پانگ کتاب مارکسیست و روزنامه کیهان چاپ شد.

از آغاز خرداد ماه تا پایان نیمه اول مردادماه ۵۷، کسم خاندن این ماههای انقلاب ایران

پس از ۴۸ ساعت تظاهرات خونین در اسفهان، حکومت برای اولین بار حکومت نظامی اعلام کرد. سرلشکر رضا ناچر که پس از انقلاب اقدام شده، بیرون فرمانده نظامی اسفهان بدواریان اعلامیه فرمانداری نظامی اعلام داشت و تظاهرات با شدت تمام سرکوب میشود.

در روزهای ۱۹ و ۲۰ مرداد ماه مانده تظاهرات گسترش یافت و صبرهای تهران شیراز، ارسجان و کرمانشاه، قزوین، اردبیل، ارومک، اهواز و قم را در بر گرفت.

طیایان عمومی، رژیم را که وضعه شده سه ماه بعد لایحه تظاهرات سیاسی را آماده کند، وادار کرد که روز ۲۶ مرداد اعلام کند که این لایحه آماده است.

بنام طافوت در سالروز کودتای ۲۸ تگین ۲۸ مرداد تهران یاد که تظاهرات تا پاسی از شب ادامه یافت.

رژیم پاسخ مردم را با کلوله داد:

«مردم زیر باران گلوله، لایحه طای حزب درباری دستگیر و انوشیل های پاسب و والایها را به منابه نادران خون و شیره جان ملت و دیگر مراکز وابسته به دربار و رژیم را ویران کردند یا به آتش کشیدند. لوزیک نظراتش وارد میدان پول شد. کالکها و دزدبوشها وهلی کوپتر - های نظامی از هر سو به تظاهراتندگان تساختند. جویهای خون به راه افتاد. شهرها در غریب شمارها نوبه میخورد. صداها گرد میخورد. سدها به هم گره میخوردند و غریب و سرود میشدند. آماج همه این شمارها، شاه و دربار بود» (لوی)

«کد ۶۶»

«... کتاب سرهنگ، خیلی زیاد بودند، مثل اینکه نام شیر بودند توی خیابان. نانها کد ۶۶ را تکرار میکردند. خیلی تحریک کننده بود. همه فرمالدها از اینکه به اعلیحضرت توهین می کنند، بدعت عسلی شده بودند. چندان جازوی صف بودند و کد ۶۶ را می گفتند. پرفشان آتش کردند. اول میخواستیم به باغیستان رژیم، ولی می - کد ۶۶ را تکرار میکردند. مجبور شده بالاخر تیراندازی کنیم. مگر کور را ریخته زمین، ولی پشت سر ما هم کد ۶۶ را بلند بلند می گفتند. ۴ مرتبه هم می گفتند. پرفری آبهام شمشک کرده. شورشها فراز کردند، رفتند توی کوچه‌ها، ولی می - کد ۶۶ را تکرار میکردند. دناشاکر کوریم تا سدها را ساخته کنیم. از مقابل سرایها فراز میکردند ولی بلز هم کد ۶۶ توی گوشمان یزد. مستهل شده بودیم. لیداسیم از کجاها پندایشان میشد، دست دسته بیرون می آمدند و می - کد ۶۶ را می خواندند. چندان سرایها فراز کردند رفتند توی آنها و همه کد ۶۶ را تکرار میکردند. چاپ سرهنگ خلس از آنها کشیم، ولی هنوز هم کد ۶۶ را تکرار می کنند، گوش کنیم ...»

لیبرال ها از دولت شریف امامی استقبال کردند

کارنامه انقلاب...

کمیته مرکزی حزب توده ایران خواستار سونگونی رژیم سلطنتی و استقرار جمهوری میشود

جنایت سینمارکس

پس از سه سال
خون شهدای تم و شیراز
برخیان با بیخوشی و خورساش
از همه دوحسرت بزرگه گشتند
برو که خایه نکند دهنده سینما
رکس آیدان. مردم ایران را در
خشم و مان فرورد.

در روز ۲۸ مرداد دست های
دیوهای سینما رکس آیدان را
پسند و آزار، در حالیکه پستیزاز
۵۴۰ می سرگرم تماشا می نمودند
یونان. به آن کشیدند این
جنایت ۴۹۱ قربانی داشت. زبان
و مردان و کودکان که در میان
شده ای آتش خاکستر شدند.
نوبه نوشت: قایم کشان
دیده و بوی سینما رکس آیدان،
که با خون صفا قربانی بر گشته
زنگین شده برده ای زلفی نشسته
جنایت آفرینی است که رژیم سلطنتی
سازد آرا کارگردانی میکند.
رژیم پلاناسله در بندگوهی
لیبرالی خود این تاجیه را به
مخالفان نسبت داد. اما خلق یکصد
آرا کارگردان داشت. نویسنده
نوشت:

رادر چهارچوب مورثیه خود
قانون اساسی شریف کند. او که
دولت خود را؛ آشتی ملی نامیده
بود، در اولین اعلامیه خود گفت:
مردم باخیزند. زمین در خطر
است. او در سخنان خود صاف
و صمیمانه راداد که طاقتور بدلتاق
۲۸ مرداد داده بود.

در این روز همچنین اعلام شد که
تاریخ شاهنشاهی از سوسیالیسم
و تاریخ رسمی کشور همان تاریخ
شمسی است. روز بعد کارینوهار
قارخانهها تعطیل شد و سپیده
از جمله پیشکش مخصوص طاقتور،
مسنگی شدند.

لیبرالها از دولت شریف امامی
استقبال کردند. آنها اعلام داشتند:
خواستار حفظ حیثیت ذاتی بشر
و تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی
و ایجاد حقوق ملت بر طبق اصول
پنجمینی شده در قانون اساسی و
شمس اعلامیه جهانی حقوق بشر
هستند.

چاپ عکس امام برای اولین بار

در روز ۲ شهریور، روزنامه
کیان برای اولین بار عکس
سالگاز جدید امامی را منتشر کرد.
عکس او را در نسخه اول چاپ کرد.
کیان نوشت:

مطلب گزارش های غیر رسمی،
میشی از طرف دولت جرئت مذاکره
برای بازگشت حضرت آیت اله
عینی عازم نیوی شده
با چاپ این عکس، مردم بیشتر

راگر چنین دعوی بصل نس آید
وضع طور دیگری بود. لذا در راه
حل قضایا و مشکلات سعی است
که خود حکومت ایستاده نموده
و نخواهد به خواستهای شروع
قانونی مردم پاسخ نشت دهد.
اوست که می تواند باقرقراری
مدالت و افسی، آزادبهای قانونی و
مرامات ضررات شروع و عمل به
قانون اساسی راه حل مشکلات را
حوار سازد. ولی باکمال تأسف
علا چنین نیست. (کیان) ۲
شهریور (۵۷)



شاید این.....

در بکشاید
شمع پیارید
عود بسوزید
برده بیگسو زنید از رخ مهتاب
شاید این از غبار راه رسیده
آن سفری همنشین گمشده باشد

ب. باسیله

های مختلف زلادگی را در
گرد آرا در جهت منابع
خلق دگرگون کند لایذند
است.

این انقلاب در مرحله
کوتلی ترفیش رشد جامعه
ما پاک انقلابی و دگرگون
است که معنوی آن عبادت
است از گوته ساختن دست
منابع طبیعی و اقتصادی از
و تأمین استقلال کامل اقتصادی
و سیاسی ایران است. برچیدن
بناهای شاهانه داخلی سرمایه
داری و اتخاذ دستگیری
سوسیالیستی و دستکاری
کردن حیات سیاسی و فرهنگی
کشور.

شرط ضروری تحول انقلابی
ایران در مرحله کنونی
و تأمین کردن بذر نفوذ
سلطنتی، شکستن دستگاه
دولتی ارتجاعی و پایبنداندن
به حاکمیت سرمایه ایران
بزرگ و زیدانان بزرگ
و انتقال قدرت حاکمه از دست
این طبقات پلست طبقه و
قشرهای ملی و دستکاریان
یعنی کارگران، دهقانان،
خرده بورژوازی شهر (پیش
وزان و کسبه)، روشنگران
چهارم دست و ترقی و نشر
بورژوازی، بیسی استقرار
جمهوری ملی و دستکاریان
است. (رویت شماره ۴۶
شهریور)

دعای روز رژیم توده و دست
چینی توده ای شده و راهبهای آرام
کازیر خوربا بورژوا در جنب
مردمی که خون به سبزه چای
نشد بودند، نشان دادند. چای
این شیوه مبارزه برای رژیم اثر
عمیق چای کنندگان برای افراد
ارتجاعی بود. این خطر بورژوازیست
اقتضای مبارزه که زبان گریان،
سربازان گل می آویختند و آنها
را فرزند و برادر خود خطاب میکردند.

سرنگونی
استبداد
سلطنتی،
استقرار
جمهوری
در دستور روز

اکنون آرایش نیروها نشان
میداد که سرنگونی رژیم استبداد
سلطنتی و استقرار جمهوری در
دستور روز انقلاب ایران است.
در راه پیالی عظیم آن روز
مبارزان نشسته عطفه پخش شده
که در آن اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران چاپ شده بود
سلسله نامه های توده ای

بمنتظر بازگشت امام عینی
هستیم.
فراردهای که با صلاحیت
آمریکا وضع شده باید لغو
شود.

روز عید فطر راه پیمانی آرام شیوه عمده مبارز

روز ۱۳ شهریور مطابق با
عید فطر بود. مردم سراسر ایران
در این روز تاریخی مراسم مذهبی
پرگرازی نماز عید فطر را به
راه پیمانی باشکوهی تبدیل کرده،
که چند میلیون نفر در آن شرکت
کردند.

در این روز و اینکه بیشترین
جمعیت در تهران سبزهزار نفس
تشنه زده شده و هنوز راهبرای
راه پیمانی های جانپوری در تهران
راه زبیدی بود راه پیمانی آرام،
که درمخت کوچه های کاروانی خود
و نشان داده بوده پیشرو عمده
مبارزه تبدیل شد.

مرد جوان درجه نظامی
نماز عید فطر خوانده و آنکامه
راه پیمانی برآوردند، سقوط راه
پیمانان درمیان انقلاب بیومرگ
خورد و دروازه از اسباب تبدیل
شد. در راه پیسانتی عظیم این
روز بودی و وسیع از خلق
شرکت داشتند و برای اولین بار
مردم سراسر عظیم زبان چاهپوش
زبان شنیدی را در دیده که فرزندان
خبرمال خوربا در آغوش داشتند،
و ادیبانی می کردند و طبعه طاقتور
شمار می دادند.

راه پیمانان شمار جداگانه
بیت حسی، رجیم سلطنتی
بر پاکارده این شماره از جمله
دلچسپ است:
استقلال آزادی، جمهوری
اسلامی
- باخواهان آزادی کلیه زندانیان
سیاسی و تجردی هستیم
- فرادای سبزه، مهتاب



شاخه ای بیخاش سرخ بر رد خون شهید، اینجا لحظه ای پیش روزنامه ای بود، اینک لفتی از خون. دهی سکوت و پیمان برای ادامه نبرد

مقدم مرافعی گفت:
خواستهای ما با حمایت
پراره گشتیم اجرای جزیه بدهی
قانون اساسی است. (کیان) ۲
شهریور (۵۷)

دکتر امینی گفت: الان بوضی
است که همه افکار و افقانی بکنند
روی اصولی که این اصول مورد
اتفاق همه اشران باشد. اینجا
(مخالفان) حسادتان روی کلی اصل
توافق دارند: قانون اساسی و آزادی
بکنند که پیمان شیوه عمده مبارز
پاکار کرده شد.

شیب پند مردم تم صفت مایلی
راه پیمانان زدی زند.
روز ۱۱ شهریور، در حالیکه
مردم تهران، شبیه نوشتند:

حزب توده ایران از این عید
شبهه بازی برده برداشت. نویسنده
نوشت:

مستوف دولت آمونگار روی
سخته آمدن عروسک خیمه شمش
بازی دیگری چون شریف امامی،
از دولت فطر متعارف می تواند
سود نوبه قرار گیرد. نخست
اینکه بت استبداد در حال فرزند
وزارتن است زبیر فدا بران
خورد گشته و علاج زبیری که
مردم پرغول و بیسوق آن فرزند
مشکوه چارمیه جن عیب نشستی و
(کیان) شهریور (۵۷)

آیت الله شریفی شهادت گفت:
اجرای قانون اساسی خواست ما

فاجعه سینمارکس آیدان
که پلاناسله دست نوبه رژیم
ایران روشند توده ای سوسیالی
رامله شاه برانکیش، رژیم که
می کشید عینیتش این کوچک
خورد ما هرچه بیخوشی عیب تر
بماند، در روز پنجشنبه از ایران
که کشور دمی بود و نویسنده
آزادی را در آن مرحله جدیدی
کرد. روز ۲ شهریور آمونگار
برگاز شد و در گورخانه زاد شاه

رژیم شاه فرو می ریزد

فاجعه سینمارکس آیدان
که پلاناسله دست نوبه رژیم
ایران روشند توده ای سوسیالی
رامله شاه برانکیش، رژیم که
می کشید عینیتش این کوچک
خورد ما هرچه بیخوشی عیب تر
بماند، در روز پنجشنبه از ایران
که کشور دمی بود و نویسنده
آزادی را در آن مرحله جدیدی
کرد. روز ۲ شهریور آمونگار
برگاز شد و در گورخانه زاد شاه

نبرد دمشق و قاتل



تا شاه کفن نشد



خوابگاههای سنتی اصحابیون عقب می نشستند و برای آرامی می رفتند. در پایان هر ماه، آرام آرام روشن شد که خود رژیم هم امید زیادی به دوام سلطنت شاه خائن نداشت. در روز ۳۰ مهر، برای اولین بار مساله سرکوت سلطنت به ولجود مطرح شد. سخنگوی دولت گفته آشکار است بر نامه‌های برای چاپ نمی زودتر و لایحه مطبوع است، اما در حال حاضر بر نامه همان بر نامه گذشته است. (کوهان، ۳۰ مهر ۵۷)

میان زمان، با همه اینها بود نایب مرده فریب رژیم نایب مکرر اسب مجلسی و نایب بارزده با شاد آینه داشت.

خداوند اول رژیم می گوید، خود را تا گمان آزاد بفرود و مجلس را ماحبت قدرت در امور سلطنت نشان بدهد.

دهه احسنت گویان حرفه‌ای و پدید و چه چه زندگان روزگار استبداد، تا گمان بماند شبه کیدلی به نظر افراد این سینه چاک و دل و دین باخته آزادی و برده شده است. (لوید، شماره ۳۵)

در ادامه نایب میانه با فریب، که شاه چساکران دوست بوسان خود را یک به یک قربانی می کرد تا خود را نجات بدهد، و زنده ای سابق ماسکتور و روحانی، فریب دهن مهوری و ... دستگیر شدند.

مزمغان با این جنب نشینی، رژیم بوش این حسا‌های به مردم در سراسر کشور را آشکار کرد. علاوه بر رژیم‌های که می روز دوما نظر را با رگبار مسلسل از پای در می آوردند، چنانچه ایران در نقاط مختلف شهر مهور به مردم را آشکار کردند.

روز ۲۲ مهر، مهادان و مسجد جامع کرمان خنجر زدند و آری به آشتی کشیدند. انزلی و جهرم از آن ماه که همان ماه مبارک است و در پاریس و کاتان بودند، در پی ما پلورویسایه‌های پیمان می‌افزادند و دست به کشتار مردم زند روز ۱۰ آبان، چنانچه ایران به پاره بوش برده و زنده و کوه‌کن را با شریات چماق به قتل رساندند. امام در پیام خود اعلام کرد: «دین فحشو جنایت است از کسانیکه از او کسب حکومت ظالمانه خود می‌سپوسند» و نفس‌های آخر خود را می‌گذارد. آری است که قیام پش نشینی آزادی کرده بودیم.

مرد دایر ایس‌ان در پاسخ این بوش چندی رژیم به چوبستی سپهر شدند. اولین گروه از جوانان مسلح در پای تشکیل شد. مردم کار حفاظت از شهر را با یهده‌گر قصد به سر می‌گرفتند و همه جا پاسخ چنانچه ایران با چوب داده شد.

سفر امام به پارسی و فعالیت لیب‌الها

روز ۱۰ مهر امام به پاریس رسید و از آنجا، با طریقه مخالفت بود و امری را پیش می‌برد. مستقیم از آنجا در دست گرفت. در این روزها انصاری با او بود خود می‌رسید و نظارت وسیع جوانان آغاز می‌شد.

امام به پاریس رسید. ۳۰ مهر در مساجد ایران اوضاع ایران را چنین شرح کرد:

ایران اکنون به شکل فریب‌تالی می‌باشد و انصاریات هوشمندی سراسر کشور را فرا گرفته است. کوهان، ۳۰ مهر ۵۷

در همان روز امام، در



فرزندان ستار، انقلاب او را امام کردند. اکنون از مجلس شورا مراقبت می‌کنند. ۲۱ بهمن تهران

۳۰ مهر: لیب‌ال‌ها؛ آشتی کنیم امام: آشتی به قتل عام پایان نمیدهد

ایران، پیش‌روی سازمان دهی توده‌های کارگر، دهقان، در روز ۲۲ آبان سیاسی، در حسین روز تظاهرات وسیع دانشجویی در دانشگاه‌های ملی، تربیت معلم، علم و صنعت و دانشگاه صنعتی برگزار شد. در این روز شمس‌آباد روز دانشجویان این بود: «تا شاه کفن نشود این وطن، وطن نشود ز دو خورد و دانش آموزان و دانشجویان با رژیم در سراسر کشور»

تظاهرات دانش آسوزی و دانشجویی هر روز آواز آزادی می‌گرفت. روز ۲۶ آبان قرار بود محته هیئتگی دانشگاه‌ها، که می‌روید، رژیم چنان شاه‌عسای آرام آرام فرو میریزد، روزم مهر، دکتر سید دهر کل جنبه حزب رستاخیز اعلام کرد، حزب بنام رستاخیز، و یکس در مسه میادرات نیاس وجود خواهد داشت.

روز بعد اعلام عهده دربار صورت تظاهرات در ده لایز در می‌آید.

مهر ماه سید رژیم یک‌پیک از مساحت مایه شده که مهر ماه انسانی و نهادهای انجمنه بیرون رانده شدند. در آبان ماه فریزن لایز ۳۳ مقام دیگر اول مبارک از کار بر کنار شدند.

رژیم، در حالیکه می‌گوید، انقلاب را در پی قانون اساسی مبارک، فریب می‌باید، این فریب‌پاشی، پیش آن‌که در ماسکتون مهر‌های اصلی آن‌مجلسی شود. عقب نشینی‌های بی‌دینی خود را نشان می‌دهد. از سوی زندانیان سیاسی دست به آزاد می‌دهند و از سوی دیگر رژیم در ایران

دروس، آمل، ساندی، ملایر، مهاباد و اردکان نیز دست‌نظر است و بیخ زند.

در همین روز پیام امام به مناسبت آغاز سال تحصیلی منتشر شد. در این اعلامیه امام، جوانان مژده پیروزی‌های تازه و خوار است ابتدائی و مکتوباتی ملت ایران را، به پرچم‌دهی شدن نظام شاهنشاهی که در طول تاریخ تمام‌گیره روزهای ملت مستغنی به‌سخت شاهان و پهلوی نظام شاهنشاهی بوده است و ستکارهای آنان روی تاریخ‌سرایه امروضاست و لغو نهایی در عصر حاضر شاه است که کشور را برهت بیوی سقوط می‌کشاند. (اعلامیه ۱۶ آبان ۱۳۵۷)

مزمغان با تظاهرات اعلامیه، دانشجویان دانشگاه‌های مشهد، گیلان و استان با تظاهرات سیاسی سال تحصیلی و آغاز کردند. آنها خوار است و خوار گدازند دانشگاه‌ها، آزادی کلیه دانشجویان دستگیر شده و لایز حکومت نظامی بودند. رژیم، دانشجویان تربیت معلم ایران و دانشگاه‌های تبریز، چندی سایر، کرمان، گیلان و رضایه دست به تظاهرات زدند. در همین روز شهرهای آمل، زنوز، سوزان، آمل، میوه‌ش، ملایر، کرمان، هاشمی، تبریز، اهواز، مشهد، بروجرد، همدان، علی‌آباد کرمان و جهرم را از توابان شاه‌عسای نظارت دانش آسوزی بود. روز ۱۸ مهر اکثر دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شد.

روز ۲۹ مهر، دانشگاه تهران به از یک ماه تعطیلی باز شد. قیام اعلام شد، بود که گامی دانشگاه مخالفت نتواند کرد، دانشجویان به‌دانش خود و در دانشگاه ابتدا دست به یک راه‌پیمایی آزاد زنده و بعد از اینکه صف چندی از نظریه‌های توبران متکرر شد، شمار آغاز کردید، دانشجو به‌دوره، پیروزی و محاسره چه گسترده‌یاد جنبش و همگامان

گداه امده نالسم خه نخواد آه

درس اسرا ایران

روزی که ساواک تهران را آتش زد

چنانکه واقعیت نشان داده بود راه نجات خود را در روی کار آوردن یک دولت نظامی جستجو می کرد. از این رو نقش ارتش مطرح شده روی کار آمدن یک دولت نظامی، پس از مدتی چون رسوایی به مرحله اجرا درآمد. روز ۱۳ آبان کسی از طیار گداخته، دانشگاه تهران توسط ایالتی دولتی که امنیت خرابه دانشگاه را تضمین کرده بود، پلور غیر منتظره ای گلوله باران شد. به خون ریختن همی دانشجو و دانشجو در جریان این یورش و سخته موی از غم و عصیان پراکنده بود. پدیده آن ظواهر بود. غرضی دانشگاهی در حالی که با صوفی توده های مردم گره خورده بود، به خیابانها کشیده شد. (نویسنده:)



۱۳ آبان ۱۳۵۷، کشتار دانشگاه

ن وطن، وطن نشود



۱۳ آبان ۱۳۵۷، توجیه های خیابانی، ایران رویداد انقلابی، شهیدان نغمه های جبهه سلاطین سنگی و پیمان.



خلق پروری تانکهای دشمن، ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

از تازی در مجلس ششم بود که هم به شریف امامی و امینتاشاد و هم به پانزدهم (هم به پانزدهم) و طیفه اول خود را داده است. در کشور اعلام کرد. نخست وزیر نظامی شاه که خیلی زود از خودخواه لقب دکتر چند ستاره گرفت. حیوان انقلاب ایران را معرفی کرد. همه ای مردم سر- نامید. برای ایجاد امنیت روز- نامه ها تعطیل شد. در ادب و ادب و ادب به اشغال نظامیان درآمد. نیروهای ارتش در همه شهرها مستقر شدند. شاه بر آتش را تبارک و تعالی داد. دو گروهی شاه از آن جهت که آتش بر سر درختان آتش کشی ایران است. به همه یک جنگ لاری و سب- نوشتن و وقوع پوسته است. (نویسنده)

دوماه حکومت نظامی، دوماه نبرد خیابانی، خلق دو ماه کشتار در خیابان گامه پنجم انقلاب

روز پانزدهم آبان ماه شده آخرین گر تر کشی را رخ کرد (نویسنده شماره ۵۶). شاه خانین یک حماسه داد. در روزهای اول کرد که سدهای انقلاب را نشاند. و اشرف کرد که در گذشته مقنن اساسی را زود یا گذاشته و دیوار استیفاها کشی شده است. چنانچه در توده بود ایرانی آزاد را خاکی سانی به اعلام شد که شاه تانک در پاسخ سدهای انقلاب، ارتش را غارتگری از تازی در سواد ارتش و لوکی گوش بران خود را مایه تشکیل کابینه نظامی کرده است.

دو گروهی که او در این حال که ارتش صریح به شکست همه انتظامی گری- آمیز و غیره باقی در تازی در سواد ارتش و لوکی گوش بران خود را مایه تشکیل کابینه نظامی کرده است.

دو گروهی که او در این حال که ارتش صریح به شکست همه انتظامی گری- آمیز و غیره باقی در تازی در سواد ارتش و لوکی گوش بران خود را مایه تشکیل کابینه نظامی کرده است.

دو گروهی که او در این حال که ارتش صریح به شکست همه انتظامی گری- آمیز و غیره باقی در تازی در سواد ارتش و لوکی گوش بران خود را مایه تشکیل کابینه نظامی کرده است.

شرح جنایات در ماه زود شده آمریکا با دستهای خونین از راه، لغت از آن جهت قابل شرح نیست که ماسکوری صحنه سبزه آنگونه بود، بلکه از این در ماه ممکن است که در این در ماه سراسر فلات وزارت ایران می- فرود و شهید میشد. در ماه چند وقتی روزنامه ها دوباره منتشر شدند، همه آنها با سعه خود را به کشتارهای این دوام انحصار دادند و تیرهای آبی اعلام کرد. دوماه ظاهرات کشته را برای شان دانند و جانم این کشتار، گویه های از ایران این دوام را نقل می- کند و شرح منتشر چند کشتار بود. در این در ماه، می- کوشید با شرح جنایات باورگردد زود گویه های از این کشتار بود. سبزه کشتارهای از این دوام را که کشته است، دست بدیده به راستی که شرح جنایات روزانه در ماسکورت نظامی تازی پررنگ خواهد شد.

کشتار و نبرد درس اسرا ایران

از روز ۱۵ آبان ظاهرات میانی مردم آغاز شد. این در ماه خلق حق شیوه های بسرد بچه در صحنه بود.

کادشمن اصلی خلق های جهان



زن، واژه بزرگه. زنان، نیمی از خلق. مادرانی که دخترانشان در کمیته داغ شد. خواهرانی که برادرشان تیرباران شد. زنانی که همسرانشان در خیابان اعدام شد. زنان، در صف مقدم جبهه نبود بودند.

بختیار، تک خال جدید امپریالیسم آمریکا

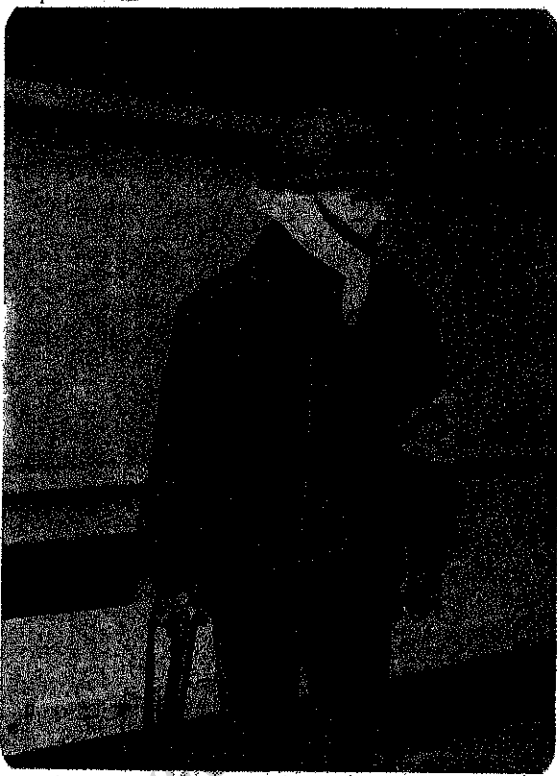
خبر قبول این خیانت از طرف بختیار، بیک خبر بوق تبدیل شد. اکنون جنبش ملیگرمایی که در خون خود شریفیهای و زحما را رانده کرده بود، پیشانی ایران را به ناپایداری و بیثباتی رسانده بود. روز ۱۶، در جوارهای یکی از روحانیان آمریکایی مردم از ریش گشت. «تک خالی» ظهور پذیرفته چون یک کله که تصور می کند با جاهلانی یک نخست وزیر، مردم ایران اموات و «تک خالی» از انقلاب بزرگ خود را پس از هزاران قربانی که در سرزمین ایران گشته و دستگیر کرده و دستگیر کرده اند، فراموش کرد و او را خود پذیرفته چون چاه عمیق ایران به زناخت است. «تک خالی» چنین غیبتی از «تک خالی» است. «تک خالی» در روزهای ۱۶ و ۱۷ (در روز نخستین روز تعطیل خود شده است) اکثر امارات و کلیه مدارس استان در حال انقباض پس میبرند. بانک ما نیز تعطیل است و شش شرا با به صورت تنس چنگ زده اند در آمد است. (کیهان) «ساری» این شش کاملاً تعطیل است. (کیهان)

آمریکای وضع کشور چنین بوده که «گرمایه» این شش چهره شش چنگ زده را پذیرفته است. بلازما و نظرها به حال تعطیل در آمده است. تاکنجا وزنه پوشها شریفیهای ایران را رانده اند. به استثنای نظرهاهای تالارهای تصانی شش پذیرفته تعطیل است. (کیهان)

اولین راهپیمایی چند میلیونی روزهای شنبه و دوشنبه ۱۶ و ۱۷ آذرماه ۱۳۵۸ در این کشور دولت نظامی از راه رسید. آیت الله مآلانی طی اطلاعیه‌ای مردم را دعوت به راهپیمایی کرد. «تک خالی» که با روز اعلامیه جهانی حقوق بشر مبارزه می‌کند، از ساعت ۹ تا ۱۲ و ساعت ۱۳ تا ۱۶ و ساعت ۱۷ تا ۱۹ و ساعت ۲۰ تا ۲۳ و ساعت ۲۴ تا ۲۷ و ساعت ۲۸ تا ۳۱ و ساعت ۳۲ تا ۳۵ و ساعت ۳۶ تا ۳۹ و ساعت ۴۰ تا ۴۳ و ساعت ۴۴ تا ۴۷ و ساعت ۴۸ تا ۵۱ و ساعت ۵۲ تا ۵۵ و ساعت ۵۶ تا ۵۹ و ساعت ۶۰ تا ۶۳ و ساعت ۶۴ تا ۶۷ و ساعت ۶۸ تا ۷۱ و ساعت ۷۲ تا ۷۵ و ساعت ۷۶ تا ۷۹ و ساعت ۸۰ تا ۸۳ و ساعت ۸۴ تا ۸۷ و ساعت ۸۸ تا ۹۱ و ساعت ۹۲ تا ۹۵ و ساعت ۹۶ تا ۹۹ و ساعت ۱۰۰ تا ۱۰۳ و ساعت ۱۰۴ تا ۱۰۷ و ساعت ۱۰۸ تا ۱۱۱ و ساعت ۱۱۲ تا ۱۱۵ و ساعت ۱۱۶ تا ۱۱۹ و ساعت ۱۲۰ تا ۱۲۳ و ساعت ۱۲۴ تا ۱۲۷ و ساعت ۱۲۸ تا ۱۳۱ و ساعت ۱۳۲ تا ۱۳۵ و ساعت ۱۳۶ تا ۱۳۹ و ساعت ۱۴۰ تا ۱۴۳ و ساعت ۱۴۴ تا ۱۴۷ و ساعت ۱۴۸ تا ۱۵۱ و ساعت ۱۵۲ تا ۱۵۵ و ساعت ۱۵۶ تا ۱۵۹ و ساعت ۱۶۰ تا ۱۶۳ و ساعت ۱۶۴ تا ۱۶۷ و ساعت ۱۶۸ تا ۱۷۱ و ساعت ۱۷۲ تا ۱۷۵ و ساعت ۱۷۶ تا ۱۷۹ و ساعت ۱۸۰ تا ۱۸۳ و ساعت ۱۸۴ تا ۱۸۷ و ساعت ۱۸۸ تا ۱۹۱ و ساعت ۱۹۲ تا ۱۹۵ و ساعت ۱۹۶ تا ۱۹۹ و ساعت ۲۰۰ تا ۲۰۳ و ساعت ۲۰۴ تا ۲۰۷ و ساعت ۲۰۸ تا ۲۱۱ و ساعت ۲۱۲ تا ۲۱۵ و ساعت ۲۱۶ تا ۲۱۹ و ساعت ۲۲۰ تا ۲۲۳ و ساعت ۲۲۴ تا ۲۲۷ و ساعت ۲۲۸ تا ۲۳۱ و ساعت ۲۳۲ تا ۲۳۵ و ساعت ۲۳۶ تا ۲۳۹ و ساعت ۲۴۰ تا ۲۴۳ و ساعت ۲۴۴ تا ۲۴۷ و ساعت ۲۴۸ تا ۲۵۱ و ساعت ۲۵۲ تا ۲۵۵ و ساعت ۲۵۶ تا ۲۵۹ و ساعت ۲۶۰ تا ۲۶۳ و ساعت ۲۶۴ تا ۲۶۷ و ساعت ۲۶۸ تا ۲۷۱ و ساعت ۲۷۲ تا ۲۷۵ و ساعت ۲۷۶ تا ۲۷۹ و ساعت ۲۸۰ تا ۲۸۳ و ساعت ۲۸۴ تا ۲۸۷ و ساعت ۲۸۸ تا ۲۹۱ و ساعت ۲۹۲ تا ۲۹۵ و ساعت ۲۹۶ تا ۲۹۹ و ساعت ۳۰۰ تا ۳۰۳ و ساعت ۳۰۴ تا ۳۰۷ و ساعت ۳۰۸ تا ۳۱۱ و ساعت ۳۱۲ تا ۳۱۵ و ساعت ۳۱۶ تا ۳۱۹ و ساعت ۳۲۰ تا ۳۲۳ و ساعت ۳۲۴ تا ۳۲۷ و ساعت ۳۲۸ تا ۳۳۱ و ساعت ۳۳۲ تا ۳۳۵ و ساعت ۳۳۶ تا ۳۳۹ و ساعت ۳۴۰ تا ۳۴۳ و ساعت ۳۴۴ تا ۳۴۷ و ساعت ۳۴۸ تا ۳۵۱ و ساعت ۳۵۲ تا ۳۵۵ و ساعت ۳۵۶ تا ۳۵۹ و ساعت ۳۶۰ تا ۳۶۳ و ساعت ۳۶۴ تا ۳۶۷ و ساعت ۳۶۸ تا ۳۷۱ و ساعت ۳۷۲ تا ۳۷۵ و ساعت ۳۷۶ تا ۳۷۹ و ساعت ۳۸۰ تا ۳۸۳ و ساعت ۳۸۴ تا ۳۸۷ و ساعت ۳۸۸ تا ۳۹۱ و ساعت ۳۹۲ تا ۳۹۵ و ساعت ۳۹۶ تا ۳۹۹ و ساعت ۴۰۰ تا ۴۰۳ و ساعت ۴۰۴ تا ۴۰۷ و ساعت ۴۰۸ تا ۴۱۱ و ساعت ۴۱۲ تا ۴۱۵ و ساعت ۴۱۶ تا ۴۱۹ و ساعت ۴۲۰ تا ۴۲۳ و ساعت ۴۲۴ تا ۴۲۷ و ساعت ۴۲۸ تا ۴۳۱ و ساعت ۴۳۲ تا ۴۳۵ و ساعت ۴۳۶ تا ۴۳۹ و ساعت ۴۴۰ تا ۴۴۳ و ساعت ۴۴۴ تا ۴۴۷ و ساعت ۴۴۸ تا ۴۵۱ و ساعت ۴۵۲ تا ۴۵۵ و ساعت ۴۵۶ تا ۴۵۹ و ساعت ۴۶۰ تا ۴۶۳ و ساعت ۴۶۴ تا ۴۶۷ و ساعت ۴۶۸ تا ۴۷۱ و ساعت ۴۷۲ تا ۴۷۵ و ساعت ۴۷۶ تا ۴۷۹ و ساعت ۴۸۰ تا ۴۸۳ و ساعت ۴۸۴ تا ۴۸۷ و ساعت ۴۸۸ تا ۴۹۱ و ساعت ۴۹۲ تا ۴۹۵ و ساعت ۴۹۶ تا ۴۹۹ و ساعت ۵۰۰ تا ۵۰۳ و ساعت ۵۰۴ تا ۵۰۷ و ساعت ۵۰۸ تا ۵۱۱ و ساعت ۵۱۲ تا ۵۱۵ و ساعت ۵۱۶ تا ۵۱۹ و ساعت ۵۲۰ تا ۵۲۳ و ساعت ۵۲۴ تا ۵۲۷ و ساعت ۵۲۸ تا ۵۳۱ و ساعت ۵۳۲ تا ۵۳۵ و ساعت ۵۳۶ تا ۵۳۹ و ساعت ۵۴۰ تا ۵۴۳ و ساعت ۵۴۴ تا ۵۴۷ و ساعت ۵۴۸ تا ۵۵۱ و ساعت ۵۵۲ تا ۵۵۵ و ساعت ۵۵۶ تا ۵۵۹ و ساعت ۵۶۰ تا ۵۶۳ و ساعت ۵۶۴ تا ۵۶۷ و ساعت ۵۶۸ تا ۵۷۱ و ساعت ۵۷۲ تا ۵۷۵ و ساعت ۵۷۶ تا ۵۷۹ و ساعت ۵۸۰ تا ۵۸۳ و ساعت ۵۸۴ تا ۵۸۷ و ساعت ۵۸۸ تا ۵۹۱ و ساعت ۵۹۲ تا ۵۹۵ و ساعت ۵۹۶ تا ۵۹۹ و ساعت ۶۰۰ تا ۶۰۳ و ساعت ۶۰۴ تا ۶۰۷ و ساعت ۶۰۸ تا ۶۱۱ و ساعت ۶۱۲ تا ۶۱۵ و ساعت ۶۱۶ تا ۶۱۹ و ساعت ۶۲۰ تا ۶۲۳ و ساعت ۶۲۴ تا ۶۲۷ و ساعت ۶۲۸ تا ۶۳۱ و ساعت ۶۳۲ تا ۶۳۵ و ساعت ۶۳۶ تا ۶۳۹ و ساعت ۶۴۰ تا ۶۴۳ و ساعت ۶۴۴ تا ۶۴۷ و ساعت ۶۴۸ تا ۶۵۱ و ساعت ۶۵۲ تا ۶۵۵ و ساعت ۶۵۶ تا ۶۵۹ و ساعت ۶۶۰ تا ۶۶۳ و ساعت ۶۶۴ تا ۶۶۷ و ساعت ۶۶۸ تا ۶۷۱ و ساعت ۶۷۲ تا ۶۷۵ و ساعت ۶۷۶ تا ۶۷۹ و ساعت ۶۸۰ تا ۶۸۳ و ساعت ۶۸۴ تا ۶۸۷ و ساعت ۶۸۸ تا ۶۹۱ و ساعت ۶۹۲ تا ۶۹۵ و ساعت ۶۹۶ تا ۶۹۹ و ساعت ۷۰۰ تا ۷۰۳ و ساعت ۷۰۴ تا ۷۰۷ و ساعت ۷۰۸ تا ۷۱۱ و ساعت ۷۱۲ تا ۷۱۵ و ساعت ۷۱۶ تا ۷۱۹ و ساعت ۷۲۰ تا ۷۲۳ و ساعت ۷۲۴ تا ۷۲۷ و ساعت ۷۲۸ تا ۷۳۱ و ساعت ۷۳۲ تا ۷۳۵ و ساعت ۷۳۶ تا ۷۳۹ و ساعت ۷۴۰ تا ۷۴۳ و ساعت ۷۴۴ تا ۷۴۷ و ساعت ۷۴۸ تا ۷۵۱ و ساعت ۷۵۲ تا ۷۵۵ و ساعت ۷۵۶ تا ۷۵۹ و ساعت ۷۶۰ تا ۷۶۳ و ساعت ۷۶۴ تا ۷۶۷ و ساعت ۷۶۸ تا ۷۷۱ و ساعت ۷۷۲ تا ۷۷۵ و ساعت ۷۷۶ تا ۷۷۹ و ساعت ۷۸۰ تا ۷۸۳ و ساعت ۷۸۴ تا ۷۸۷ و ساعت ۷۸۸ تا ۷۹۱ و ساعت ۷۹۲ تا ۷۹۵ و ساعت ۷۹۶ تا ۷۹۹ و ساعت ۸۰۰ تا ۸۰۳ و ساعت ۸۰۴ تا ۸۰۷ و ساعت ۸۰۸ تا ۸۱۱ و ساعت ۸۱۲ تا ۸۱۵ و ساعت ۸۱۶ تا ۸۱۹ و ساعت ۸۲۰ تا ۸۲۳ و ساعت ۸۲۴ تا ۸۲۷ و ساعت ۸۲۸ تا ۸۳۱ و ساعت ۸۳۲ تا ۸۳۵ و ساعت ۸۳۶ تا ۸۳۹ و ساعت ۸۴۰ تا ۸۴۳ و ساعت ۸۴۴ تا ۸۴۷ و ساعت ۸۴۸ تا ۸۵۱ و ساعت ۸۵۲ تا ۸۵۵ و ساعت ۸۵۶ تا ۸۵۹ و ساعت ۸۶۰ تا ۸۶۳ و ساعت ۸۶۴ تا ۸۶۷ و ساعت ۸۶۸ تا ۸۷۱ و ساعت ۸۷۲ تا ۸۷۵ و ساعت ۸۷۶ تا ۸۷۹ و ساعت ۸۸۰ تا ۸۸۳ و ساعت ۸۸۴ تا ۸۸۷ و ساعت ۸۸۸ تا ۸۹۱ و ساعت ۸۹۲ تا ۸۹۵ و ساعت ۸۹۶ تا ۸۹۹ و ساعت ۹۰۰ تا ۹۰۳ و ساعت ۹۰۴ تا ۹۰۷ و ساعت ۹۰۸ تا ۹۱۱ و ساعت ۹۱۲ تا ۹۱۵ و ساعت ۹۱۶ تا ۹۱۹ و ساعت ۹۲۰ تا ۹۲۳ و ساعت ۹۲۴ تا ۹۲۷ و ساعت ۹۲۸ تا ۹۳۱ و ساعت ۹۳۲ تا ۹۳۵ و ساعت ۹۳۶ تا ۹۳۹ و ساعت ۹۴۰ تا ۹۴۳ و ساعت ۹۴۴ تا ۹۴۷ و ساعت ۹۴۸ تا ۹۵۱ و ساعت ۹۵۲ تا ۹۵۵ و ساعت ۹۵۶ تا ۹۵۹ و ساعت ۹۶۰ تا ۹۶۳ و ساعت ۹۶۴ تا ۹۶۷ و ساعت ۹۶۸ تا ۹۷۱ و ساعت ۹۷۲ تا ۹۷۵ و ساعت ۹۷۶ تا ۹۷۹ و ساعت ۹۸۰ تا ۹۸۳ و ساعت ۹۸۴ تا ۹۸۷ و ساعت ۹۸۸ تا ۹۹۱ و ساعت ۹۹۲ تا ۹۹۵ و ساعت ۹۹۶ تا ۹۹۹ و ساعت ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۳ و ساعت ۱۰۰۴ تا ۱۰۰۷ و ساعت ۱۰۰۸ تا ۱۰۱۱ و ساعت ۱۰۱۲ تا ۱۰۱۵ و ساعت ۱۰۱۶ تا ۱۰۱۹ و ساعت ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۳ و ساعت ۱۰۲۴ تا ۱۰۲۷ و ساعت ۱۰۲۸ تا ۱۰۳۱ و ساعت ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۵ و ساعت ۱۰۳۶ تا ۱۰۳۹ و ساعت ۱۰۴۰ تا ۱۰۴۳ و ساعت ۱۰۴۴ تا ۱۰۴۷ و ساعت ۱۰۴۸ تا ۱۰۵۱ و ساعت ۱۰۵۲ تا ۱۰۵۵ و ساعت ۱۰۵۶ تا ۱۰۵۹ و ساعت ۱۰۶۰ تا ۱۰۶۳ و ساعت ۱۰۶۴ تا ۱۰۶۷ و ساعت ۱۰۶۸ تا ۱۰۷۱ و ساعت ۱۰۷۲ تا ۱۰۷۵ و ساعت ۱۰۷۶ تا ۱۰۷۹ و ساعت ۱۰۸۰ تا ۱۰۸۳ و ساعت ۱۰۸۴ تا ۱۰۸۷ و ساعت ۱۰۸۸ تا ۱۰۹۱ و ساعت ۱۰۹۲ تا ۱۰۹۵ و ساعت ۱۰۹۶ تا ۱۰۹۹ و ساعت ۱۱۰۰ تا ۱۱۰۳ و ساعت ۱۱۰۴ تا ۱۱۰۷ و ساعت ۱۱۰۸ تا ۱۱۱۱ و ساعت ۱۱۱۲ تا ۱۱۱۵ و ساعت ۱۱۱۶ تا ۱۱۱۹ و ساعت ۱۱۲۰ تا ۱۱۲۳ و ساعت ۱۱۲۴ تا ۱۱۲۷ و ساعت ۱۱۲۸ تا ۱۱۳۱ و ساعت ۱۱۳۲ تا ۱۱۳۵ و ساعت ۱۱۳۶ تا ۱۱۳۹ و ساعت ۱۱۴۰ تا ۱۱۴۳ و ساعت ۱۱۴۴ تا ۱۱۴۷ و ساعت ۱۱۴۸ تا ۱۱۵۱ و ساعت ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۵ و ساعت ۱۱۵۶ تا ۱۱۵۹ و ساعت ۱۱۶۰ تا ۱۱۶۳ و ساعت ۱۱۶۴ تا ۱۱۶۷ و ساعت ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۱ و ساعت ۱۱۷۲ تا ۱۱۷۵ و ساعت ۱۱۷۶ تا ۱۱۷۹ و ساعت ۱۱۸۰ تا ۱۱۸۳ و ساعت ۱۱۸۴ تا ۱۱۸۷ و ساعت ۱۱۸۸ تا ۱۱۹۱ و ساعت ۱۱۹۲ تا ۱۱۹۵ و ساعت ۱۱۹۶ تا ۱۱۹۹ و ساعت ۱۲۰۰ تا ۱۲۰۳ و ساعت ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۷ و ساعت ۱۲۰۸ تا ۱۲۱۱ و ساعت ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۵ و ساعت ۱۲۱۶ تا ۱۲۱۹ و ساعت ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۳ و ساعت ۱۲۲۴ تا ۱۲۲۷ و ساعت ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۱ و ساعت ۱۲۳۲ تا ۱۲۳۵ و ساعت ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۹ و ساعت ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۳ و ساعت ۱۲۴۴ تا ۱۲۴۷ و ساعت ۱۲۴۸ تا ۱۲۵۱ و ساعت ۱۲۵۲ تا ۱۲۵۵ و ساعت ۱۲۵۶ تا ۱۲۵۹ و ساعت ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۳ و ساعت ۱۲۶۴ تا ۱۲۶۷ و ساعت ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۱ و ساعت ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۵ و ساعت ۱۲۷۶ تا ۱۲۷۹ و ساعت ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۳ و ساعت ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۷ و ساعت ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۱ و ساعت ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۵ و ساعت ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ و ساعت ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ و ساعت ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ و ساعت ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ و ساعت ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۵ و ساعت ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۹ و ساعت ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ و ساعت ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ و ساعت ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۱ و ساعت ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ و ساعت ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ و ساعت ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ و ساعت ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ و ساعت ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱ و ساعت ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ و ساعت ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ و ساعت ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ و ساعت ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ و ساعت ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ و ساعت ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ و ساعت ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ و ساعت ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ و ساعت ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ و ساعت ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ و ساعت ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ و ساعت ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ و ساعت ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ و ساعت ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۷ و ساعت ۱۴۰۸ تا ۱۴۱۱ و ساعت ۱۴۱۲ تا ۱۴۱۵ و ساعت ۱۴۱۶ تا ۱۴۱۹ و ساعت ۱۴۲۰ تا ۱۴۲۳ و ساعت ۱۴۲۴ تا ۱۴۲۷ و ساعت ۱۴۲۸ تا ۱۴۳۱ و ساعت ۱۴۳۲ تا ۱۴۳۵ و ساعت ۱۴۳۶ تا ۱۴۳۹ و ساعت ۱۴۴۰ تا ۱۴۴۳ و ساعت ۱۴۴۴ تا ۱۴۴۷ و ساعت ۱۴۴۸ تا ۱۴۵۱ و ساعت ۱۴۵۲ تا ۱۴۵۵ و ساعت ۱۴۵۶ تا ۱۴۵۹ و ساعت ۱۴۶۰ تا ۱۴۶۳ و ساعت ۱۴۶۴ تا ۱۴۶۷ و ساعت ۱۴۶۸ تا ۱۴۷۱ و ساعت ۱۴۷۲ تا ۱۴۷۵ و ساعت ۱۴۷۶ تا ۱۴۷۹ و ساعت ۱۴۸۰ تا ۱۴۸۳ و ساعت ۱۴۸۴ تا ۱۴۸۷ و ساعت ۱۴۸۸ تا ۱۴۹۱ و ساعت ۱۴۹۲ تا ۱۴۹۵ و ساعت ۱۴۹۶ تا ۱۴۹۹ و ساعت ۱۵۰۰ تا ۱۵۰۳ و ساعت ۱۵۰۴ تا ۱۵۰۷ و ساعت ۱۵۰۸ تا ۱۵۱۱ و ساعت ۱۵۱۲ تا ۱۵۱۵ و ساعت ۱۵۱۶ تا ۱۵۱۹ و ساعت ۱۵۲۰ تا ۱۵۲۳ و ساعت ۱۵۲۴ تا ۱۵۲۷ و ساعت ۱۵۲۸ تا ۱۵۳۱ و ساعت ۱۵۳۲ تا ۱۵۳۵ و ساعت ۱۵۳۶ تا ۱۵۳۹ و ساعت ۱۵۴۰ تا ۱۵۴۳ و ساعت ۱۵۴۴ تا ۱۵۴۷ و ساعت ۱۵۴۸ تا ۱۵۵۱ و ساعت ۱۵۵۲ تا ۱۵۵۵ و ساعت ۱۵۵۶ تا ۱۵۵۹ و ساعت ۱۵۶۰ تا ۱۵۶۳ و ساعت ۱۵۶۴ تا ۱۵۶۷ و ساعت ۱۵۶۸ تا ۱۵۷۱ و ساعت ۱۵۷۲ تا ۱۵۷۵ و ساعت ۱۵۷۶ تا ۱۵۷۹ و ساعت ۱۵۸۰ تا ۱۵۸۳ و ساعت ۱۵۸۴ تا ۱۵۸۷ و ساعت ۱۵۸۸ تا ۱۵۹۱ و ساعت ۱۵۹۲ تا ۱۵۹۵ و ساعت ۱۵۹۶ تا ۱۵۹۹ و ساعت ۱۶۰۰ تا ۱۶۰۳ و ساعت ۱۶۰۴ تا ۱۶۰۷ و ساعت ۱۶۰۸ تا ۱۶۱۱ و ساعت ۱۶۱۲ تا ۱۶۱۵ و ساعت ۱۶۱۶ تا ۱۶۱۹ و ساعت ۱۶۲۰ تا ۱۶۲۳ و ساعت ۱۶۲۴ تا ۱۶۲۷ و ساعت ۱۶۲۸ تا ۱۶۳۱ و ساعت ۱۶۳۲ تا ۱۶۳۵ و ساعت ۱۶۳۶ تا ۱۶۳۹ و ساعت ۱۶۴۰ تا ۱۶۴۳ و ساعت ۱۶۴۴ تا ۱۶۴۷ و ساعت ۱۶۴۸ تا ۱۶۵۱ و ساعت ۱۶۵۲ تا ۱۶۵۵ و ساعت ۱۶۵۶ تا ۱۶۵۹ و ساعت ۱۶۶۰ تا ۱۶۶۳ و ساعت ۱۶۶۴ تا ۱۶۶۷ و ساعت ۱۶۶۸ تا ۱۶۷۱ و ساعت ۱۶۷۲ تا ۱۶۷۵ و ساعت ۱۶۷۶ تا ۱۶۷۹ و ساعت ۱۶۸۰ تا ۱۶۸۳ و ساعت ۱۶۸۴ تا ۱۶۸۷ و ساعت ۱۶۸۸ تا ۱۶۹۱ و ساعت ۱۶۹۲ تا ۱۶۹۵ و ساعت ۱۶۹۶ تا ۱۶۹۹ و ساعت ۱۷۰۰ تا ۱۷۰۳ و ساعت ۱۷۰۴ تا ۱۷۰۷ و ساعت ۱۷۰۸ تا ۱۷۱۱ و ساعت ۱۷۱۲ تا ۱۷۱۵ و ساعت ۱۷۱۶ تا ۱۷۱۹ و ساعت ۱۷۲۰ تا ۱۷۲۳ و ساعت ۱۷۲۴ تا ۱۷۲۷ و ساعت ۱۷۲۸ تا ۱۷۳۱ و ساعت ۱۷۳۲ تا ۱۷۳۵ و ساعت ۱۷۳۶ تا ۱۷۳۹ و ساعت ۱۷۴۰ تا ۱۷۴۳ و ساعت ۱۷۴۴ تا ۱۷۴۷ و ساعت ۱۷۴۸ تا ۱۷۵۱ و ساعت ۱۷۵۲ تا ۱۷۵۵ و ساعت ۱۷۵۶ تا ۱۷۵۹ و ساعت ۱۷۶۰ تا ۱۷۶۳ و ساعت ۱۷۶۴ تا ۱۷۶۷ و ساعت ۱۷۶۸ تا ۱۷۷۱ و ساعت ۱۷۷۲ تا ۱۷۷۵ و ساعت ۱۷۷۶ تا ۱۷۷۹ و ساعت ۱۷۸۰ تا ۱۷۸۳ و ساعت ۱۷۸۴ تا ۱۷۸۷ و ساعت ۱۷۸۸ تا ۱۷۹۱ و ساعت ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۵ و ساعت ۱۷۹۶ تا ۱۷۹۹ و ساعت ۱۸۰۰ تا ۱۸۰۳ و ساعت ۱۸۰۴ تا ۱۸۰۷ و ساعت ۱۸۰۸ تا ۱۸۱۱ و ساعت ۱۸۱۲ تا ۱۸۱۵ و ساعت ۱۸۱۶ تا ۱۸۱۹ و ساعت ۱۸۲۰ تا ۱۸۲۳ و ساعت ۱۸۲۴ تا ۱۸۲۷ و ساعت ۱۸۲۸ تا ۱۸۳۱ و ساعت ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۵ و ساعت ۱۸۳۶ تا ۱۸۳۹ و ساعت ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۳ و ساعت ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۷ و ساعت ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ و ساعت ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۵ و ساعت ۱۸۵۶ تا ۱۸۵۹ و ساعت ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۳ و ساعت ۱۸۶۴ تا ۱۸۶۷ و ساعت ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۱ و ساعت ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۵ و ساعت ۱۸۷۶ تا ۱۸۷۹ و ساعت ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۳ و ساعت ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۷ و ساعت ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۱ و ساعت ۱۸۹۲ تا ۱۸۹۵ و ساعت ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۹ و ساعت ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۳ و ساعت ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۷ و ساعت ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۱ و ساعت ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۵ و ساعت ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۹ و ساعت ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۳ و ساعت ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ و ساعت ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۱ و ساعت ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ و ساعت ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ و ساعت ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۳ و ساعت ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۷ و ساعت ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ و ساعت ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۵ و ساعت ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ و ساعت ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ و ساعت ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۷ و ساعت ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ و ساعت ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ و ساعت ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ و ساعت ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ و ساعت ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ و ساعت ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ و ساعت ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ و ساعت ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ و ساعت ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ و ساعت ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ و ساعت ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ و ساعت ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ و ساعت ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ و ساعت ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ و ساعت ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۷ و ساعت ۲۰۲۸ تا ۲۰۳۱ و ساعت ۲۰۳۲ تا ۲۰۳۵ و ساعت ۲۰۳۶ تا ۲۰۳۹ و ساعت ۲۰۴۰ تا ۲۰۴۳ و ساعت ۲۰۴۴ تا ۲۰۴۷ و ساعت ۲۰۴۸ تا ۲۰۵۱ و ساعت ۲۰۵۲ تا ۲۰۵۵ و ساعت ۲۰۵۶ تا ۲۰۵۹ و ساعت ۲۰۶۰ تا ۲۰۶۳ و ساعت ۲۰۶۴ تا ۲۰۶۷ و ساعت ۲۰۶۸ تا ۲۰۷۱ و ساعت ۲۰۷۲ تا ۲۰۷۵ و ساعت ۲۰۷۶ تا ۲۰۷۹ و ساعت ۲۰۸۰ تا ۲۰۸۳ و ساعت ۲۰۸۴ تا ۲۰۸۷ و ساعت ۲۰۸۸ تا ۲۰۹۱ و ساعت ۲۰۹۲ تا ۲۰۹۵ و ساعت ۲۰۹۶ تا ۲۰۹۹ و ساعت ۲۱۰۰ تا ۲۱۰۳ و ساعت ۲۱۰۴ تا ۲۱۰۷ و ساعت ۲۱۰۸ تا ۲۱۱۱ و ساعت ۲۱۱۲ تا ۲۱۱۵ و ساعت ۲۱۱۶ تا ۲۱۱۹ و ساعت ۲۱۲۰ تا ۲۱۲۳ و ساعت ۲۱۲۴ تا ۲۱۲۷ و ساعت ۲۱۲۸ تا ۲۱۳۱ و ساعت ۲۱۳۲ تا ۲۱۳۵ و ساعت ۲۱۳۶ تا ۲۱۳۹ و ساعت ۲۱۴۰ تا ۲۱۴۳ و ساعت ۲۱۴۴ تا ۲۱۴۷ و ساعت ۲۱۴۸ تا ۲۱۵۱ و ساعت ۲۱۵۲ تا ۲۱۵۵ و ساعت ۲۱۵۶ تا ۲۱۵۹ و ساعت ۲۱۶۰ تا ۲۱۶۳ و ساعت ۲۱۶۴ تا ۲۱۶۷ و ساعت ۲۱۶۸ تا ۲۱۷۱ و ساعت ۲۱۷۲ تا ۲۱۷۵ و ساعت ۲۱۷۶ تا ۲۱۷۹ و ساعت ۲۱۸۰ تا ۲۱۸۳ و ساعت ۲۱۸۴ تا ۲۱۸۷ و ساعت ۲۱۸۸ تا ۲۱۹۱ و ساعت ۲۱۹۲ تا ۲۱۹۵ و ساعت ۲۱۹۶ تا ۲۱۹۹ و ساعت ۲۲۰۰ تا ۲۲۰۳ و ساعت ۲۲۰۴ تا ۲۲۰۷ و ساعت ۲۲۰۸ تا ۲۲۱۱ و ساعت ۲۲۱۲ تا ۲۲۱۵ و ساعت ۲۲۱۶ تا ۲۲۱۹ و ساعت ۲۲۲۰ تا ۲۲۲۳ و ساعت ۲۲۲۴ تا ۲۲۲۷ و ساعت ۲۲۲۸ تا ۲۲۳۱ و ساعت ۲۲۳۲ تا ۲۲۳۵ و ساعت ۲۲۳۶ تا ۲۲۳۹ و ساعت ۲۲۴۰ تا ۲۲۴۳ و ساعت ۲۲۴۴ تا ۲۲۴۷ و ساعت ۲۲۴۸ تا ۲۲۵۱ و ساعت ۲۲۵۲ تا ۲۲۵۵ و ساعت ۲۲۵۶ تا ۲۲۵۹ و ساعت ۲۲۶۰ تا ۲۲۶۳ و ساعت ۲۲۶۴ تا ۲۲۶۷ و ساعت ۲۲۶۸ تا ۲۲۷۱ و ساعت ۲۲۷۲ تا ۲۲۷۵ و ساعت ۲۲۷۶ تا ۲۲۷۹ و ساعت ۲۲۸۰ تا ۲۲۸۳ و ساعت ۲۲۸۴ تا ۲۲۸۷ و ساعت ۲۲۸۸ تا ۲۲۹۱ و ساعت ۲۲۹۲ تا ۲۲۹۵ و ساعت ۲۲۹۶ تا ۲۲۹۹ و ساعت ۲۳۰۰ تا ۲۳۰۳ و ساعت ۲۳۰۴ تا ۲۳۰۷ و ساعت ۲۳۰۸ تا ۲۳۱۱ و ساعت ۲۳۱۲ تا ۲۳۱۵ و ساعت ۲۳۱۶ تا ۲۳۱۹ و ساعت ۲۳۲۰ تا ۲۳۲۳ و ساعت ۲۳۲۴ تا ۲۳۲۷ و ساعت ۲۳۲۸ تا ۲۳۳۱ و ساعت ۲۳۳۲ تا ۲۳۳۵ و ساعت ۲۳۳۶ تا ۲۳۳۹ و ساعت ۲۳۴۰ تا ۲۳۴۳ و ساعت ۲۳۴۴ تا ۲۳۴۷ و ساعت ۲۳۴۸ تا ۲۳۵۱ و ساعت ۲۳۵۲ تا ۲۳۵۵ و ساعت ۲۳۵۶ تا ۲۳۵۹ و ساعت ۲۳۶۰ تا ۲۳۶۳ و ساعت ۲۳۶۴ تا ۲۳۶۷ و ساعت ۲۳۶۸ تا ۲۳۷۱ و ساعت ۲۳۷۲ تا ۲۳۷۵ و ساعت ۲۳۷۶ تا ۲۳۷۹ و ساعت ۲۳۸۰ تا ۲۳۸۳ و ساعت ۲۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

با مبارزه مسلحانه توده‌های رژیم را درهم شکنیم



دانشگاه تهران پاسداری از دستگیران و انقلاب

پایه از سنه قبل
موفقی، حیای هم رشد کردند
و سرانجام درمیان رسیدند و مقام
توده‌های چهل شدند. در روزهای
قبل از بازگشت امام، توده‌ها
توده‌های، شیوه حده، بازده خلق
بود. تمام توده‌های غیر مسلح
این دوران رژیم را تا به برنگاه
سرنگونی برد.

در مرحله بعدی تمام، توده‌ها
با تفسیر توده‌های درجه دودوشن
مانند کلاترپا، خود را مسلح
کردند و آنگاه به کمک حسان
سلاح‌ها را سرنگون کردند.
حاصل‌آور که در مراحل قبلی مبارزه
هم دیده بودند، در کنار این
شیوه حده، دست‌های دیگر
مبارزه را نیز گرفته‌اند.

روزهای ۱۶ و ۱۷ بهمن
شکل برده و سازمان‌های توده
شعبی به ملاقات امام رفتند. امام
بر اولین، حیایه، توده‌های خود
گفت: «کمیته مرکزی رژیم را به
چهار دولت گفتی، دولت‌های توده
مهری، شوهری کرد، از ارتش
میخواهد روزی به‌صورتی شود.
در همین روز شوراهای تهران
استیضای خود را تقدیم امام کرد.
امام خود شیوه‌ها را مامور اداره
شیوه‌های کرد، چه‌اندازان در
چند کسی به مردم، حمله کردند.
در ظاهر، شیوه‌ها ۲ نفر شدند.
گفتند: از این روز دانه‌ها
رژیم، کاهی، یادت و ارتش آزاد
آرام و سوسیالیست که بیطرفی
انتخاب کند، در این مرحله
نیازها، به‌گوشیداد بین امام
سران ارتش، و پشتیبان یک سازش
برقرار کنند، و با همین دولت را
حاصل‌آور دست توده‌ها متکامل
کنند و انقلاب از نیروهای یاد
شده پیروی نمایند.

گیهان روز ۱۵ دی نوشت:
تا از سوی دیگر گزارش داده‌شده
کتاب به منظور مذاکره تاریخی
میان آیت‌الله خمینی و شاهپور
و پشتیبان یک کاتال اروپایی جدید
برقرار شده است. چنگ این
انجام سیاستمدار مذهبی انقلاب
ایران، مهدی بازرگان است که
قبلاً نیز توافق‌هایی برای انجام
مذاکره میان آیت‌الله و پشتیبان
ترکیب داده بودند.

در همین اوضاع و احوال
و پشتیبان اعلام کرد: «به با شاه
سازش می‌کنم، نه با خمینی». و
آیت‌الله خمینی اجازه تشکیل دولت
موقت را ندادند، و پشتیبان تهدید
کرد: «گمش را که چنگ
دانشی راه بیاندازد، تیرباران
می‌کنم».

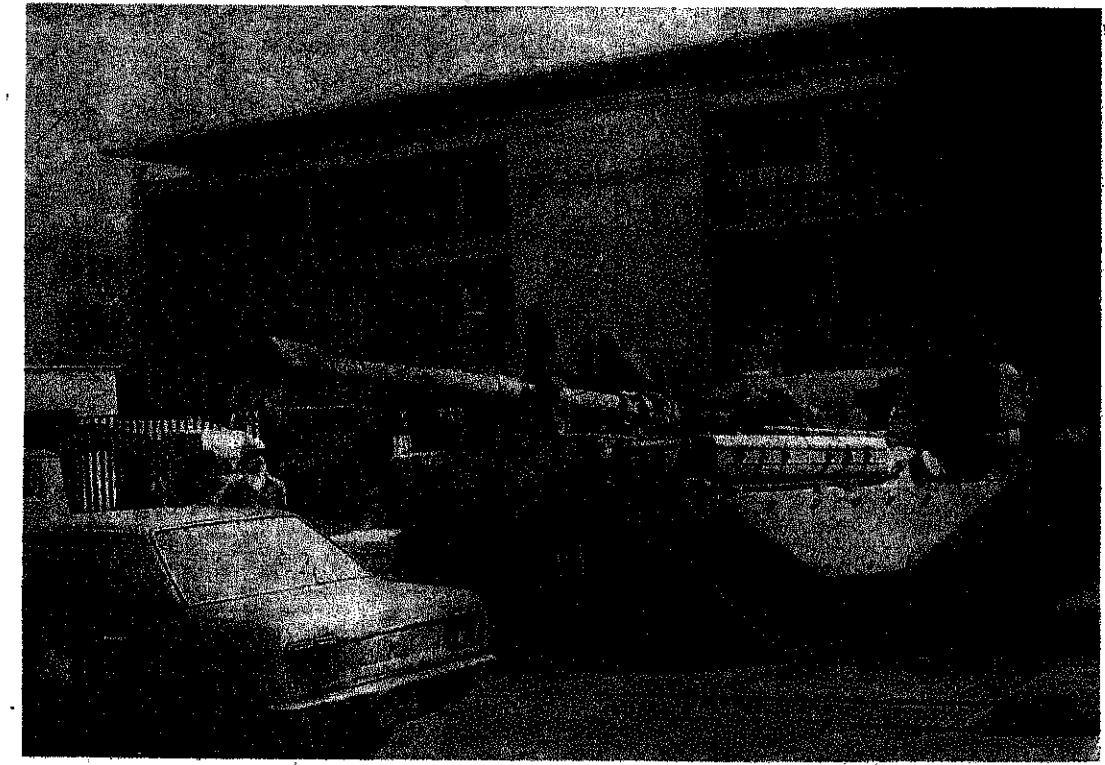
خبرگزاری رویترز گزارش داد:
فرماندهان ارتش با نمایندگان
امام تماس گرفته‌اند.
روز ۱۶ بهمن امام اعلام کرد:
«تلاش‌های بی‌فایده باید ادامه یابد»
سازش در میان خیل توده‌ها
که به دیدار امام سرنگشته، صدها
نفر از حاکمان، افراد نیروی
زمینی و هوایی با لباسهای نظامی
به‌صورت اقامت امام رفته و دست‌پاچه
امام ایران و وفاداری کرده‌اند. نظامیان
شمار می‌دهند:

۱. همه سران توده‌های خمینی
گوشی، فرمان توده‌های خمینی
روزهای ۱۷ و ۱۸ بهمن
تلاش‌های بی‌فایده در سران ایران
برای ابراز حسرتی با امام
امام داشت، ارتش کاتال‌اشکارا
بای خود را از میدان بیرون
گشاید.

۱۷ بهمن، دولت موقت به
رواست بازگشت تشکیل شد.
آموخته‌های سرس از واکنش‌ها
گزارش داد: دولت شاهپور و پشتیبان
که در دو روز کارآمدن از حمایت
سرحد و حیایه وزارت امور
خارجیه آمریکا برخوردار بود
دو روز با کاشی این حمایت از
میان قبیله دور بود.

تلاش‌های آمریکایی گفتند:
دولت‌های آمریکایی در حقیقت
...

فرزاد دلاور خلق، از انقلاب پاسداری میکند



مردم تانک‌های رژیم شیاطنی شاه - آمریکا را تصرف کرده‌اند - ۲۴ بهمن ۱۳۵۷

میدان آنرا دست‌نخورده نگذاشتند
تا روزی لازم به کارش بیاید، امروز
اکون در کار حل مشکل است
و پشتیبان بوده ولی تمام خلق
روایحی یا تکی‌خارا تکی‌بر
کرد و سرانجام شب‌تاریخی بیست
سهاد دورگه ارتشداران و عضو
دولت‌های سلطنتی و نظامیان
دستور داد دست‌سازت مداخله
کنند.
آمریکا که با روی کار آمدن
پاک‌دولت لیرال خیال‌خوسودا
خبراندند، امام روزبه عکس‌ها
تأکید کرد.
در همین روز اعلام شد که به
از راه‌پیمایی ملاقاتی بین پشتیبان
و بازگشتان انجام خواهد شد، که
با آخرین مقام‌های ارتش نیز در
کریان نوشت: «امریکایی‌ها
بازگشتان را یک مایه‌رو تکی‌سود
میکنند و مایه‌های آمریکایی پاسداری
خود را یک دولت طرفدار غرب در
ایران سرکار بیایند»
فرماندار نظام، و پشتیبان با
...

کرده‌اند، (گیهان - ۱۷ بهمن)
به پشتیبان از بازگشتان و سپس
شد.
روز ۱۸ بهمن، در جابلیکه
...

رژیم شاهنشاهی منقرض و ایران آزاد شد

کارنامه انقلاب

پایه از صفحه اول
یادگان نقش درجه اول داشتند.
تودایها از زمان شبیه‌بوم
همن که کارد چاویدان به‌پیری
حوالی حله که در صومالیه
شال داشتند، یکی دیگر از نقش
های تودایها در لشکرها و انقلاب
در کوهان باین ترتیب آمده است:

تودایهای هائی مسلح
سواران و راجه‌ها و جنگگر
گردیدند. در جریان زد و
خوردهای ساموران
فرمانداری نظامی و
وزندگان مسلح در لویه
شب هفته جاری (۲۰ بهمن)
سواران و راجه‌ها و جنگگر
فرمانداری نظامی و ساموران
اصابت گلوله از طرف
و توسط جوانان طرفدار
حزب لویه ایران دستگیر
شد.

(کوهان ۲۵ بهمن)
اینجا که خیر نگاران
روزنامه دیدند و نقل کردند
گروهی از آن روز خلق بود که
تودایها هم در آن شرکت داشتند
و گوشه‌ای از تودایها تودایها
در سنگ میانه مسلحانه با رژیم
شاه بود. بخش دیگری از این
نبرد تودایها که سازمان نود
آن را سازمان داده بود و برخی
در سادۀ تودای تودای که در
سنگهای انقلاب به خون خوش
فرود آمدند و سفیدی پازان تودای
تودای پیوستند. در گزارش
چهارگانه چاپ شده است.

مبارزه مسلحانه خلق، رژیم
از هر فریاد خود را به تب مرگ
چهارگانه فریاد نادر نظامی تهران،
تیمسار تودایها حدود ۱۰۰ نفر
که حکومت نظامی آن روز از
ساعت ۲/۵ بعد از ظهر آغاز
می‌شود. بعد از پیروزی انقلاب،
مسلح شده که رژیم میخواست با یک
گردانی ۲۲ ساعت، هم‌زمان با آن
و در رأس آنجا امام خمینی را
تروز کند و با اجرای یک کودتای
چهارگانه انقلاب را سرکوب کند.
تودایها با شجاعت این خیر اسلام
گردیدند که فرمان نظامیان را اجرا
نمودند. گردانهای درجه‌های
تهران این شمار رسیدند و
مسلحانۀ روز بخلاف تودایها
چنین‌طور تودایها پناه فرستادند
بجای آن به تودایها درجه
دوم رژیم خوش بردند. مردم در
گوشه و کنار شهر مسلحان را دست
آلوده را که هنوز مقدار آن بسیار
کم بود توزیع می‌کردند و یکدیگر
آموزش می‌دادند.

اعتاد بداندیشی و کلاسی
۱۰۰ نفر با آن ابراهیم حله شد
این کلاسی دست بردارین مسلح
آزاد شده تهران قرار داشت.
چهارگانه که با تفنگهای
۳- و ۳۰ و کمان، خنجر و
بودند با سنگ‌ریزی و بوسه
کیسه‌های شن که به قدم جلو
می‌رفتند. همگامی که تفنگ
داشتند و تودایها این اندازی
می‌کردند تا نود و نود و نود و نود
آنها هزاران نفر منتظر بودند تا
کلاسی تودایها و آنها برای
برداشتن اسلحه‌ها و دست
شوند. (کوهان ۲۲ بهمن)

تیراندازی تودایها و
ساعت ۹/۳۰ دقیقه ادامه داشت
و بالاخره در این ساعت کلاسی
سقوط کرد. مردم به داخل کلاسی
ریخته و اسلحه‌های آنرا مشاهده
کردند. تمام اهل آن شهر تهران
در این ساعات در خیابانها بودند
با چای‌خوراها از تفنگداران
بهرائی می‌کردند. بعد از سقوط
کلاسی ۱۰ مردم مسلح به
سخت کارخانه تسلیحات ارتش
حرکت کردند. حمله به تسلیحات
ساعت ۱۱ شب شروع شد. پانزده
دقایقی ایران اندازی از تسلیحات
های خیابانی به سخت کارخانه
برداشتند. یکی از تفنگداران
سهای بلند از سازمان خرابست
که به مردم پیوستند. از آنوقت
در اوردان ارتش، شا از طرف
مسلحانه شده‌اند. اگر تسلیم نبود
با شاکری نادر، ولی اگر

یای در خواهر آورده.
این یای را گروهی از مردم
با سهای بلند و جاسک برای
سواران تکرار کردند. ولی پاسی
نمودند. چند دقیقه بعد همین
یای را از فاصله نزدیک و بوسه
بلندگو برای سربازها تکرار
کردند. ولی پاسی نماند.
تیراندازی به سمت تسلیحات
شدت گرفت. مردم مسلح برای
سقوط به داخل تسلیحات با یک
تیرلی وایت، که کولده‌ها تیراندازی
در جنوب شهری تسلیحات را
شکستند. از آن تندی شروع شد
بود و تیراندازی از هر دو طرف
بعدت جریان داشت. در همین
لحظات، خلق شرقی هم بوسه
گروهی دیگر حضور می‌یافتند
گرفته بودند برای آن سازمان
نیروی حواری و مردان مسلح از
این قسمت تسلیحات را زیر آتش
گرفتند. تیراندازیها در تمام طول
شب ادامه داشت تا بالاخره در
ساعت ۸ صبح، دیوار خلق شرقی
تسلیحات خراب شد و مردان تیر
از مردم داخل تسلیحات شدند.
هر دو جوان دیوچه حس اسلحه‌های
که دستشان می‌رسید، برمی‌داشتند
و به خارج می‌آمدند. تیراندازی
سنگین، تفنگهای ۳- و ۳۰، اسلحه
کبوتری و... کما اینکه به طرفدار
سلاحها آشنائی داشتند، قطعات
اسلحه را برای تیراندازی می‌دادند
تودایها، آنگاه اسلحه به دست
چهارگانه می‌رفتند تا درگیری
را بکشند.

خبر نگاران کوهان می‌نویسند
بهمه‌ی ده، دو زنده سالم تا صبح
مردمان ۷- ۸ ساله سلاح بدون
سخت محلات پس قسمت شرقی
تهران می‌رفتند. (کوهان ۲۲
بهمن)

آنچه گفتی، براساسی طرح
بهرنگی از دو حمله تودای بود.
که خانی آن در جریان ایران
بودند. هدف از شجاعت این
سخت نشان دادن این واقعه بود.
کهرده چگونگی در حمله کردند
و چگونه سرعت مسلح می‌شدند.
تمامی وظایف در حمله بودی که
مبارزه مسلحانه تودایها ادامه
داشت. تیراندازیها در حمله
بوست همه خانه‌ها و کوردهای
شهر بود. وظایفی که شهروندان
خاک می‌نهادند و دیگران بجای
آنها را می‌گرفتند. مردم در دست
بودند. آنها که قدم به قدم در
سنگهای مسی چنگ زدند و عهد
می‌کردند. براساسی خلقی که
در زمین می‌نهادند، هم‌زمان با آنها
پر می‌شدند. آنها که شهادت
می‌دادند، خیر و برادران آنها
و آفرین آمیخته با تهران را
کرده بود. هم‌زمان با آنها از اجساد
و هم‌زمان با آنها در کوردهای
از سر راه در پشت جبهه تاند
می‌رفتند. از جبهه‌های
مردان از دست گرفته سنگ
رساندن اخبار به هم‌زمانی.
مردمان کوشش می‌نمودند.
کرده بودند و تودایها در حمله
خوش می‌کردند و رژیم را آغاز
می‌کردند. هر سربازی که بوی
مردان می‌آمد، در آتش و عرق
خون، فریاد می‌زدند که دستگیر
می‌ماند. سربازهای غیر از مردم
نیابت، صف مردان و پهلوانان
دل‌خیز بود. این انقلاب بود که
می‌رفتند. تیراندازیها در حمله
تودایها بود.

در سحرگاه ۲۲ بهمن، در
آن یکتا، که انقلاب در پیروز
شد، دوگر مردم پهلوانان
سلیح بودند. کلاسی تودایها
مردم بود. در سراسر شهر
مردان مسلح و در قلب همه آنها
بهرای آزادی تیراندازی بودند
که شهر را در اختیار داشتند.
اما رژیم هنوز با برجا بود. و رادیو
تلویزیون اعلامیه‌های فریاد
نظامی را می‌خواند و شب و روز
سرود شاهنشاهی از تلویزیون
مخبر شده بود. تا در تمام

تاریک ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱
و ۱۰ رسید. کلاسی ۶ ساعت
شب حاضر بود. در این ساعت
صبح تلاوت کرد و در این ساعت
سقوط کرد. همین شب تعداد
زیادی از افراد نیروی زینتی
در حالی که به هم‌زمانی، آنها
قریب می‌رفتند. شهروندان
با یک تیر گفتند. و ایران
را از دست می‌گرفتند و

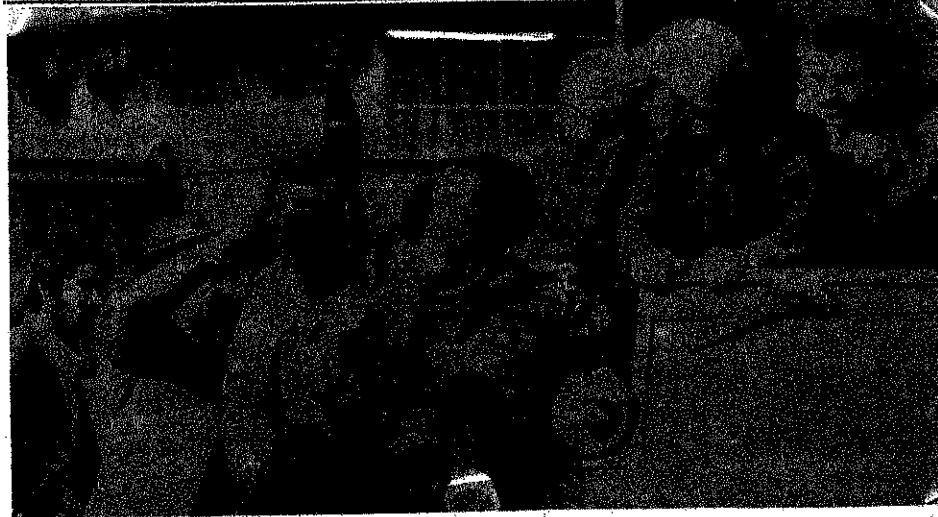
رژیم سرنگون شد
در سحرگاه ۲۲ بهمن، در
آن یکتا، که انقلاب در پیروز
شد، دوگر مردم پهلوانان
سلیح بودند. کلاسی تودایها
مردم بود. در سراسر شهر
مردان مسلح و در قلب همه آنها
بهرای آزادی تیراندازی بودند
که شهر را در اختیار داشتند.
اما رژیم هنوز با برجا بود. و رادیو
تلویزیون اعلامیه‌های فریاد
نظامی را می‌خواند و شب و روز
سرود شاهنشاهی از تلویزیون
مخبر شده بود. تا در تمام

تاریک ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱
و ۱۰ رسید. کلاسی ۶ ساعت
شب حاضر بود. در این ساعت
صبح تلاوت کرد و در این ساعت
سقوط کرد. همین شب تعداد
زیادی از افراد نیروی زینتی
در حالی که به هم‌زمانی، آنها
قریب می‌رفتند. شهروندان
با یک تیر گفتند. و ایران
را از دست می‌گرفتند و

تاریک ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱
و ۱۰ رسید. کلاسی ۶ ساعت
شب حاضر بود. در این ساعت
صبح تلاوت کرد و در این ساعت
سقوط کرد. همین شب تعداد
زیادی از افراد نیروی زینتی
در حالی که به هم‌زمانی، آنها
قریب می‌رفتند. شهروندان
با یک تیر گفتند. و ایران
را از دست می‌گرفتند و



خلق مسلح می‌تازد. از تسخیر دژی به فتح دژ دیگری. ظهر ۲۲ بهمن ۱۳۵۷



گردانی مسلح از خلق. ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

سربازان با لباس عادی بیرون
می‌آمدند، بوسه‌های خلق را بر
پوشانی حق می‌کردند، اسلحه‌ها
ساختند و می‌گرفتند. ساعت
۱ بعد از ظهر این یادگان فتح
از خیابان کویان به در پیش
مردم وارد یادگان حله می‌آید
شدند. در این یادگان حتی یک
تیر شلیک نماند. هیچکس نبود.
مردم سلاحها را می‌دادند. کورده
ساعت ۴ رادیو اعلام کرد که
شوروی ایران ارتش اعلام بی‌طرفی
کرده است.
در همین موقع گروهی دیگر
از مردم در کنار فتح یادگان
بودند. در دست ساعت ۲ و ۳
دقیقه جنگ آغاز شد. در کورده
های خیابان سربازی از تسلیحات
الویه تا پاساژ و جوانان جوان
به ساعتی گوگل، بولوف، مشغول
بودند و افراد مسلح انقلاب تیر-
اندازی می‌کردند.
دقیقه‌ها بعد ۳ بعد از ظهر،
اولین گردانهای انقلابی به افراد
مسلحانه در حمله به یادگان

تاریک ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱
و ۱۰ رسید. کلاسی ۶ ساعت
شب حاضر بود. در این ساعت
صبح تلاوت کرد و در این ساعت
سقوط کرد. همین شب تعداد
زیادی از افراد نیروی زینتی
در حالی که به هم‌زمانی، آنها
قریب می‌رفتند. شهروندان
با یک تیر گفتند. و ایران
را از دست می‌گرفتند و

توضیح

بعلمت حجم بسیار زیاد مطالب
ویژه نامه انقلاب، باقی مطالب مهم
مربوط به انقلاب به ضمیمه دوم
شماره ۱۶۵، عرضه میشود.



آخرین گلوله

به کسانی که در آخرین لحظات پیروزی به شهادت رسیدند

روزندگان خلق
پیروز یاد راه پویان افتخاراتان
آفاق پرشکوه شما را
پایان سرخ پرلمری هست
این خلق زنجیریده و زخمگش
این کارگر، این دهقان
بر عزم همین شما ارج می‌نهد
اینک به همگام تاریخ
اینک به حکم خون شهیدان راه خلق
لرزان بنای دیگر امپریالیسم، یاز
ویرانه می‌شود ...

...
آه ای ستیزجوی مبارز
وقتی سگوت غیب را
والا ملین غریب فریادها شکست
وقتی که از مسلسل
رگبار تدتیر فرو می‌ریخت
وقتی فضای تندر چنگلدهای تانک
چولانگه تو بود
چشمان روشت
در تیره‌فام وحشت و تاریکی
برآسمان غمزه برقی زد...

...
آه ای ستیزجوی مبارز
وقتی که خمیم وحشی و سرگردان
با آتشین سلاح کلاشینکف
یکباره در محاصره نبود و نیست شد
و سنگر مقاومت دشمن
با جانفشانی تو فرو می‌ریخت
وقتی در آستانه پیروزی
با یاد خلقهای ستمدیده جهان
پروشانای فردا
بختند می‌زدی
بختست بزمانه مژده
مژده و ناپوانمرد
تاکه بسوی سنگر برافشار تو
آتش گشود یاز
پرستگوش سرد خیابان
از آخرین گلوله آن برشوم
خلعیده

...
آه ای ستیزه جوی مبارز
راحت ادامه دارد ...
ما راه پرشکوه ترا زمین بدست
تا انتهای جاده پیروزی
اینکه می‌بریم بیابان !

زنی، مردی، زفانی، مردانی، خاندان و شن و گونی‌ها. اینها نیروی عظیم پشت جبهه‌اند. سنگر میسازند (صبح شنبه - ۲۱ بهمن - خیابان نیروی هوایی)

دانشت چراغ بود که می‌گفت، اینده‌تاریخ چشمش ظاهر میشود.
او دو پرس دیگر هم داشت. ولی این یکی را خیلی
دوست داشت. پاشود میگفت :
- شاید چون که تاری است، شاید هم چون نخوس
برش و شور است. شاید هم چون کتا همدام من است،
اکبر صبح از خانه میرفت و بعد از ظهر می‌آمد،
سورتن همیشه گل‌آداخته و هیجان‌زده می‌بود. لبار را
میچوید و پل میرفت تا در وقت شب. و مادر در تمام
این مدت با کتیک می‌کرد. اینم برای دایمی قلبش را می‌نورسید.
از صبح تا ظهر هوش و حواسش توجه این بود که گدایی
که آکبر دوست دارد برایش درست کند و نزدیک‌های آمدن
او دانش مالند سیر و سرکه می‌پوشید.
بگردد آکبر یک قوش اسپریت بکشد! پاشود به خانه
آورد. مادر از او پرسید: یاز
- این چه ؟
- با این روی دیوارها می‌نویسم. مریک پرشده!

صدای هیاهوی مردم بگوش می‌رسید.
مادر در حالیکه درد خطوط زلف جیره‌اش را چون زمین
کشته می‌باید بر ترک بریده می‌ساخت، خود را به کنار حوض
گرفته. پاشود هیچ شکل خانه رساله و کلمه برایش راه
که برای خرید می‌بود، لب حوض گذاشته بود، و داشت.
از واریس مزمن رنج می‌برد. و راه رفتن برایش بسیار
دردناک بود. مدتها بود که حسن بگوش پاشود با او تعلق
ندارد. ولی مادر آنگون در فکر بود که به دریاها
چندان نمی‌رساند.
زن میانسالی بود که زلفی بر از مشتت و رنج
تولیدی داشت. او را از آنجا که پاشود زلف شنبه
ساخته بود. عاقل گینه و رنگ‌بوره‌های این داشت.
بوفاتی که آکبر مدتها قبل جا بست بود، آنگسون
بیمی سید و قیسی زنده بود. شکمش بدلیل ۷ زایمان
خیلی بزرگ شده بود و غیب بزرگی زیر چانه‌اش لکان
می‌نورید.
به آکبر فکر میکرد. کوچکترین پسرش نمی-

مادر

مادر را با خونگرمی می‌نوید.
مادر آرزوید : حیف پاشود دردم کنه و زلفه تا
آسردایم پاشود می‌رقم.
/دیده‌اش لبش جیره‌اش را در گروگان کرد. و بدجمله
تسیر می‌کرد. پسر راه حسین و قلبش را لرزاند. بلندبا
خود گفت:
- عفا مرگش بده آن چاله بدین راه.
سری لکان نگاه گونی میخواست این خارها شروع را از
مغزش بکناند.
- بچهاره مادش و حتی چند بچه‌اش را هم ندید.
فکر داشت که از مغزش گلشت. خون به قلبش
هجوم زد. آه عیبی کشید.
- خدا. آن روز را زیره.
غریب فریادها بالا گرفته بود. صدای گلوله‌های مادر
را از جا جابه‌گذاشته بود. پاشود پاشود خراسان بود. احساس
کرد که چشمانش زنده‌است. هوا چشمانش را می‌سوزاند.
صدای رگبار بلند شد. گلشت !
- یا حضرت عیسی، مردم را می‌کشند.
در کوچه عده‌ای می‌دویدند. مادر مشرب خود راه
نزدیک در گدازگاه. کلمه‌های چون برف از دهانش گلشت.
- آکبر... ولی برستت. از آرایش بر قلبش سایه
انگند. فکر کرد:
- آکبر حتما اینورایست. صبح گلست که با می‌تری
میرد.
در کوچه عده‌ای را می‌دید. صدای گلوله‌های
بشت در پیچید. پاشود کوچه را از آنجا می‌کرد. گونی
گلوله به کلب مادر خورد. کلب کرد:
- آکبر! آکبر اینجا نیست. شاید در کوچه دیگری
مشغول دوییدن باشد. سر به‌آرام دیال او باشد. او پدر
خانه‌ای پرسد، ولی در شوره... رنگ. از جیره مادر پرسد.
- که این غریبمکنه. لبار اینطور باشد. در همه
خانه‌ها باید بپزاشد. شاید پشت‌درخاله ما هم آکبر کس
دیگه‌ای باشد.
و مادر در قلب خود راه‌بری همه مردم با کسرت
دیوار خورده با جالب در رگب کرد و آکبر گلست.
چو لکان سوزید و بار بار آندامی پاشود خانه برید و مادر
بی‌اختیار در راست
چو لکان به دیوار تکه داده بود و پاشود می‌نگریست.



بیبیده سامانی ۱۳۵۷، ۱۱، ۲۲

باری پر دوش خلق

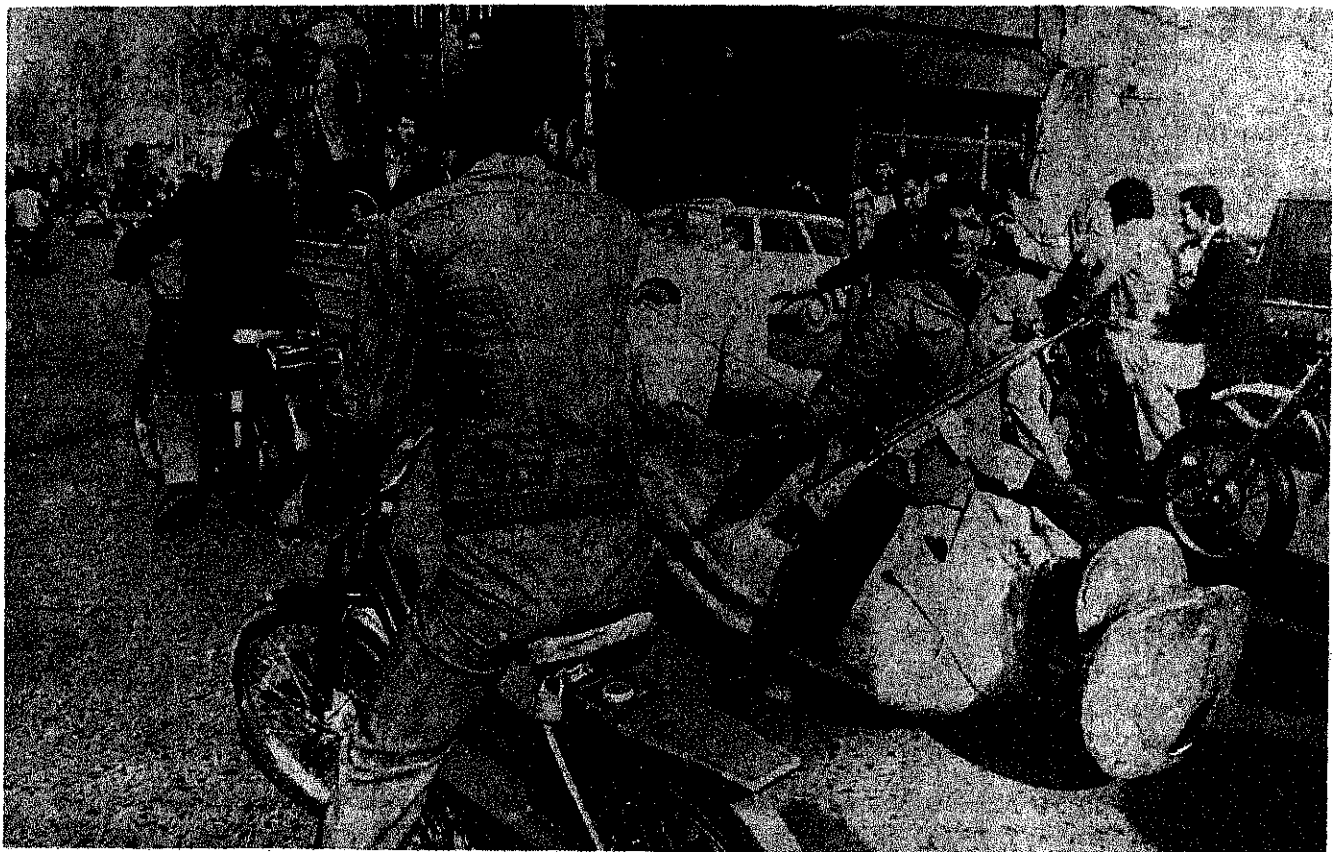
دوازده سال ۵۷، کسب را نسوی کفیم
کسودگی را به دفتر می‌کشتم و این کسب
دستان احضار کردند تا کبف را سنگین میکرد،
مجا کله‌اش کنند. این آنها را پاره کرده.
کودک ۹ ساله عکسهای آناه‌جرف کودک را
جساده تاج‌سجاسی و دوک نکردند. ولی او
خاندانه‌اش را از کتایش درست میگفت. رؤس
پاره کرده بود. از او با مقور پیروی بارگرای
تندی پرسیدند که چرا پر دوش خلق ستمدیده
این کار می‌کنی و منهد ما بود. پارتیستی بود
ملی را انجسام داده که آرا از دفتر انعام
است! کودک گفته بود :
«چون من این»

راه دشوار رشد (به یکسالگی انقلاب)

یکسال گذشت :
از پیشین مظهر شقایق در نفس آزادی
از آفتاب‌گشایی وطن بسوی پرندگان مهاجر
از گرم‌بلندی دستیا و گل‌آشایی پوسه‌ها
و از آن طغیان فرعون کوب...
آه، کودکم یکساله شد
بهان گویشده‌ام
آن نطفه‌بلندی آرایش در شهری شسته بسته
بدر زایشی دیرپایش در لیریز خون
و امروز که سخن می‌گوید و گزینش می‌آموزد
با راه رفتنی دشوار و پر وسواس
یاران
من این کودک را شیشه‌ام، پلسارم
از دیروز زایش
تا امروز پیوست
تالردای پرشکوه تایش.
ن. سعید



گلوله آمریکائی بر قلب ایرانی. گلوله‌ها را پایان است، اما قلب‌ها با تاریخ می‌تپند. قلب بر آدم
آخرین نبود و مرا نیز. گلوله‌هایت را تمام کن ای شاه آمریکائی! ما به میهمانی تاریخ آمده‌ایم



پارتیزانهای توده‌ای در سنگرهای انقلاب

به انضمام

سوشلگر ریاحی را اسیر کردیم

ما پیروان آنتونا را روی تانک‌هایی که زیر پل لوزی به دام افتاده بودند، انداختیم و سرم با گلوله‌های مورتا از دریای از آتش بسوی آنها سرازیر کردیم. کاروبایی که از درون تانک‌های شلمور کپیخته، با گلوله درو شدند. از داخل یکی از تانک‌های ازکار افتاده، سوشلگر ریاحی را زیرین کشیدیم. پیرمرد مخدور خودش را به موئی سرنگی زده‌برد و میخواست از شلوغی استفاده کند و قاطی سرخین از سطله بگیرد، اما زود متوجه شدیم. در همین موقع یک گلوله به ران و کولر دیگری بطرف ششش شلیک شد. سرم اجازه ندادند تیسرا آدمگر را بدرون آمبولانس ببریم. اما مارتور بود. از چنگ جمعیت محسوس و شلمور از تفرق بیرون کشیدیمش و توی آمبولانس انداختیمش. اسیر چاق و پلهای بود، اما مشکل از زخمهایی که برآخته بود، جان بدن بیرد.

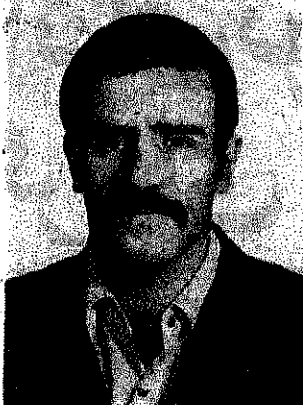
حمله به یادگان عشرت‌آباد

بطرف یادگان عشرت‌آباد برآه افتادیم. همه مبارزان بی ماشین‌ها و موتور‌ها و وانت‌ها سوار شدند. درحمان اولین دقایق تیراندازی، یادگان نشان داد که رفیق چندانی به مقاومت نداشتند. بسیاری ساختمان سنگی کپیته بودند. گارد شوربانی مقاومت شمیعی کرد. گانگ‌ها مستعد از گاردیها، درحالی که لباسهایشان را کنده بودند و آتش شده بودند، خود را تسلیم کردند. با بلندیک اطلاع ده که کسی بسوی آنها تیراندازی نکند. نرم با یاوران چند نطقه دیوار یادگان را خراب کردند. چند گروه وارد قسمت‌های یادگان شدند. آنها با گلوله حمله کردند. بعضی از ساختمانها به آتش کشیدند. چندتا سرباز آخرین قسمت سواری هم که داخل حیاط یادگان بود، آتش گرفتند. دو ساعت اول نشان‌ده که یادگان توانایی مقاومت نداشتند. جدیدترین آتش در قسمت انتهای یادگان متمرکز بود. در ساعات اول ما به هیروها از مقاومت یادگان‌ها خبرتاریخ اطلاع داشتیم. از هر سو بطرف یادگان شلیک میکردند. هر آتشی را با آتش پاسخ میدادیم. ولی هدفگیری مشخصی نداشتیم. در این وقت ۹۰ درصد فشنگ مبارزان تمام شد.

محصار سه‌شکای میکشیدند زمان مقاومت را کفی بدند و مبارزان لفظی در تیراندازی‌ها تیر میکشیدند. چند بار تعاضای فشنگ از پادگان کردیم. هر بار پاکت‌های کوچک بیشتالی می‌آمد. چند نفرمان برای گرفتن فشنگ با تین آمدم. فرق‌اندازه کم بود. همه فریاد میدزدند و فشنگ و عصاب می‌خواستند. جلوی در ورودی آمدیم. یک کامیون در سمت جنوبی یادگان ایستاده بود. هندای که به تالی موریم از طرف مساجد آمده‌اند، هر وسیله‌ای که از یادگان بیرون می‌آمد، جمع‌آوری میکردند. آنها چند جمیع فشنگ و سدا جفتاب کرد آورده بودند. به آنها گفتیم: این عمل شما خلاف است. در حالیکه مبارزان مثل برک-مزان زمین می‌ریزدند و فشنگ و جفتاب‌اندازند. شما این همه شهادت اینجا اتیاز کرده‌اید. گفتند: ما اینجا را به یکمیته امام می‌بریم. اسرار بی‌فایده بود. ما دوباره وارد یادگان شدیم. از انتهای یادگان تیراندازی بدست‌جریان داشت. ما ریاحی را نتوانستیم از شلیک جلوی‌تاریز وارد شویم. به سمتی که بخش اداری تپه شوربانی وارد رفتیم. چون آنکاز بدخش مدارگی باشد که ملحه سرخ بود. چندین بسته مداراها بیرون آورده، بتاسفانه همه آنها متعلق به راه‌نمایی و رانندگی، افسران شوربانی و لستنی هم مربوط به حمل و نقل‌های بود. سپس بطرف در غربی رفتیم. از آنها وارد



این عکس از رفیق شهید علی مطلب‌زاده در

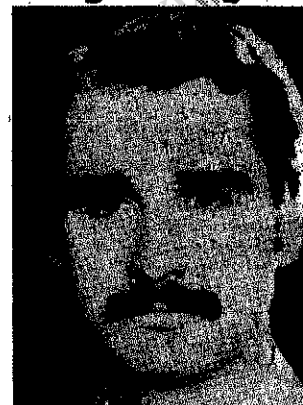


رفیق شهید محمد جانجانیان

دوین سندیکی کارکنان بالنده سوزنی، در تیرهای خونین تسخیر کلاتر ۶ و میدان ارک شرکت داشت هنگام نجات یک زندنده سرورج، دربرای رادیر، هدف گلوله قرار گرفت. دربرای یادبود این توده‌ای قربان، که توسط دوستان کارکنی برگزار شد، پیام ایمانی رفیق شهید، که خود در رویای پورتن‌تاریخ بلدان ادبیت و بشفید، به این مضمون اوقات شد:

ممنوع همیشه میگفتند: حزب توده ایران مثل چشمه‌ای میباید، همه بدان میبازند: روشنکاران، خردم روزوا، ارتجاع، پیشبران، سرپرندگان و انبرپالیسم... ولی این چشمه میباید زنده است و بیستوه رهمه این گزولای زای‌شود... سرانجام همه به حقانیت آن اعتراف خواهند کرده.

رفیق شهید خسر و مقصودی



دانشجوی دانشگاه فنی دانشگاه تهران، در تیرد روز ۲۲ بهمن برای تشریف رادیر ایران، در میدان ارک به‌طرف خون‌خوار، رفیق قربان راه حزب توده ایران راه راه رستگاری نهایی جویندگان حقیقت میباید است. درآستانه قیام به رفقای حزب‌تاریخ گفته بود:

اتپه آموختیم، اینک باید بکار ببریم. یکرزوم‌گله‌های که می‌آموزیم به دیگران میباید، پریارت از سدا گلوله بود، و امروز مرکزگله برمحش از هزاران هزار کلمه است.

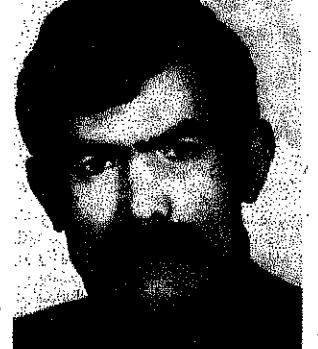
نادر عبدالمناف

کارگر آزادی‌یافته درسه‌لیک بیک مرکزسواکه، درگرو اطیام تیریز، درآس اسابت گلوله به جسمه‌های بی‌شهادت رسید، دراین سله، یکی دیگر از رفقای توده‌ای شدت سرورج شد. نادر بهنگام مرکز سلهرراتناش فقط ۱۸ سال داشت. امامین سالین سرشار ازکار روزج، باهمه کسوتاری، توتوتوار بود. طول زندگی به‌یک‌کار می‌باید، اگر معنی عاشقت باشد، نادر مبارزه راآئین و درفخن هویت خود ساخته بود.

ابراهیم مفتاح

درجمله سربازان... ابراهیم‌نهایی انقلابی در دانشگاه علم و صنعت ارتقا شد در رشته

محمد سلطانزاده



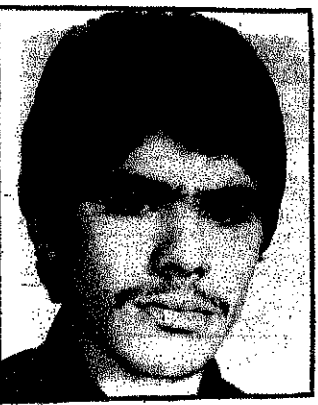
علم راهنمایی خوز، درپیروجه تیرهمه‌جانبه انقلاب و سدا انقلاب، بازگبار پائیس آریاسیری در ملکه سرنگی شور خوز پوزن سرو شادایی بریشه‌کن شد. گلوله پشمانی اورا شکافت و با مقر پریشان شد. این روی دیوار، نقش یک جنایت ویک حساب راتوا می‌سویید کرد. درکنار این نقش، سرمد شاه‌های سبزی سرورا به دیوار نصب کردند. تا تیرک این جان شایه، درآه‌ها میباید، معمد درواس یک گروه حوزی تیرانداشت و درروز شهادت قربانی اور، یکی دیگر از رفقای گروهش ازتایمه سینه‌بهدت سرورج شد.

حجت‌الله قریشی



دوین دوپوست‌ناهایی مازندران، انصار ولایتی که مشق به سرورکوبه بهقسم آنها، قطعنامه زندگی پررز و لمرار بود. این سخن آوسته که:

علی مطلب‌زاده



کارکن دولتی آموز، دربرابر سفارت آمریکا، بازگبار گلوله بی‌شادت رسید. رفیق شهیدکارگری کارگرزاده بود پیش ازآنکه مدرسه را تمام کند، دانشگاه جامعه را با فراست و تیرمه سرشاری‌تیرمه کرد.

ازآن‌ها می‌آموزیم، مرکز سرخ آتپه‌یون زندگی در سدا شاد حاصلت بود. دست‌سگ در ۱۳۵۷.

